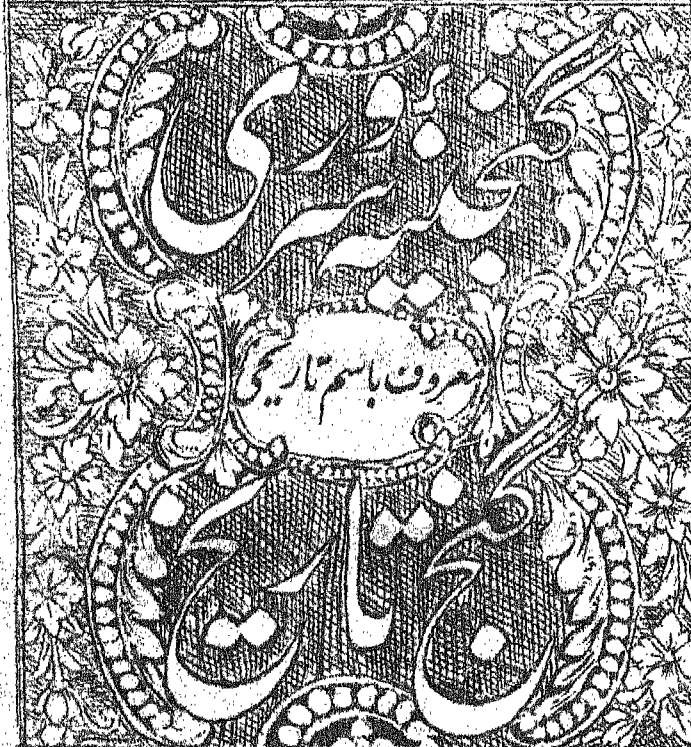




# بن حسن بن علی بن ابی طالب

معدن جواهر طبعات تاریخ ولادت و وفات حضرت بنی امیر مسلمین از اجداد و صحابه کبار  
خالد و آد و لیا و مشاخر بن دین امر و کلامی در کار جهان مدرو و در انظار اقلیم شلوی الهی است



تصنیف مؤرخ فی المل علامه اجل شاعر نظیری الطیر شاعر طغرا بحر بر لبیل هندستان  
شکریان طوطی سخنو جناب منشی محمد غلام سرور صاحب لاهوری ادا هم الله الاکبر

مطبع می نشینی نو آشتی رطبع میر تقی میر

اس طبع پر علم و فن کی کتب موجود ہیں شائقین کو فرست مطلوب سے جو مطلوب ہو جو چاہے اور درخواست کرے  
سے مل سکتی ہے اور علوم جو سکھاتا ہے کہ نسبت اس سال میں اہدایت از ان تحریر ہوئی ہے ہم صرف کتب کی یاد  
دراورین قاری دار و عاشق در غفلت و لغت و کتابین قاری دار و فاضلین اور در کتب میں

دیوان حافظ شمس	دیوان حافظ شیرازی کا پورا
----------------	---------------------------

اخلاق و معظمت و تعبد کتاب بن فارسی

گلستان شریعہ شیخ سعیدی شیرازی۔  
فرنگ گلستان۔ تصنیف مولوی عبد اللہ الموسوی۔  
ایمان ہر دم۔ ترجمہ جید غلام علی شاہ۔  
شرح گلستان۔ مصنفہ مولوی محی اکرم ملتانی۔

ریاض رضوان۔ شرح گلستان از مولوی ریاض علی۔  
اخلاق مجسمہ تہذیبیہ ملا حسین داغ۔  
گلستان حکیم قاضی۔ سراج گلستان سعیدی قابل ویدو۔  
بوستان۔ جلی نظم ابن خلدون وسط قطب لائق دید ہے۔

۲۰۱۳۸

۵۱۱۱۱

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE20138

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خالق اکبر تمامه نشانه  
صاحب لطف و کریم رب کیم  
او یکمین اندر مکان و اسکان  
و ایما روشن نظر از نور است  
راست و چپش و پس بر و بر  
و اهل عالم خبر گیس جهان  
واحد و یکتا و رب العالمین  
ذات لا ثانی جناب کبریا  
آدمی و یو و پری جن و ملک  
هر چه هست از دام و دود و وحش و طیور  
جله زان و اجا بکثرت آمدند  
عالم هر علم و غلام انجیر  
از وجود او وجود هر وجود  
زنگ آن رنگین بیان از رنگ  
چون مه و مهر است بید نور او

و حده سبحانه سبحانه  
مالک و رزاق و رحمان و رحیم  
جانشین اندر زمین و آسمان  
جلوه گر شام و سحر از نور است  
مستفیض از سفیر دیدارش نظر  
وقت مشکل دستگیرندگان  
غافر الذنب و غفور العثرین  
صانع لوح و قلم ارض و سما  
فرش و عرش و کوه و دریا و فلک  
باد و خاک و آب و آتش بار و مو  
قطره زان بحر حقیقت آمدند  
قادر مطلق بصیرت و تدبیر  
بود او شد باعث هر اهل بود  
نقش آن نقاش پیدا جا بسجا  
از چرخ دل بود نور او

نورانی



در این کتاب

<p>ویده اهل نظر بنیاست نزد بوی اوید است اندر بوی گل بی زن و فرزند الله الصمد تا نظیر آید تر از نور یقین</p>	<p>گویش و شنو از زبان گویاست نزد جلوه او شده عیان بر روی گل خوان قبر آن قل بنو الله احد کن نظر سر و رخشم و درین</p>
<p>احمد مرسل محمد مصطفی آجد اران جان محتاج او خانه دار خانه بگون و مکان ابر رحمت رحمة للعالمین خلعت الارسل اندر برش نور عین آید عیان از عین نور ذات احمد را احد نگاشتنند هست بر اهل زبان قطب اللسان ده چه خوش نام خدا صلی علی باو بر روحش الی یوم الیام</p>	<p>سید کونین خشم الانبیا پانچ گفت از سید طین تاج او نادی کم گشتگان مگر آن حامی دین و شفیع المذنبین قبر لولاک هست زیبا بر سرش از احد کرد دست این احمد نور از میانش هر چون بر داشتند در شتابش از زمین تا آسمان نام نایش محمد مصطفی صد مکه و صد در و صد سلام</p>
<p>کان صدق و نحرین لطفا و کرم مار غار مصطفی با صد صفا او همان فی الغار در شتابش است بعد پیغمبر نبی را جان نشین از زبانش حق عیان نشی پیام هست این قول نبی بی قال و فکر یافت دین حق عالم نام نزد جان نشین ثالث شید الور آفتاب دین شد کونین او</p>	<p>اولا صلوات الله علیه صاوت و اصدق محب کبریا شاهد ادعای حق و آتش نبی است و آن عمر و الا کبر غار شی دین بنده حق اهل حق حق الیام بر کلامش نطق الحق شد دلیل در جهان شد عزت اسلام نزد حضرت عثمان شه اهل صفا نور انوار و ذی النورین او</p>

<p>جمع البحرین در باب ستم          حیدر صفدر رشکترار بود          پهلوان شیردل شیر خدا          عاشق الله و محبوب بنی</p>	<p>شاه و الاجاه با حسم و جیا          ابن عسم احمد مختار بود          دانی عالی علی المرتضی          بادشاه دین بنی مستی</p>
<p>در تشریح و تقسیم این کتاب که بوشت مخزن تقسیم است          بهر ذکر خیر پیران گرام          نیز در ذکر شمعان باوقار          جاسجا تاریخ هر یک گفته ام          در هزار و دویست و شصت و ده          نام تاریخ ز بهر این کتاب          کرده ام تقسیم اندوخت گنج          مخزن اول قم ای انبیا نام          نیز سال فوت اصحاب کبار          باز در ذکر امامان گرام          گنج ثانی شد بهای ای اغی          گنج ثالث آمد ای نیا و سرشت          در چهارم شد بطبر ذریع          کرده ام در مخزن پنجم بیان          گنج ششم است در شرفات          هفتمین ذکر شمعان باوقار          گنج هشتم اسن ای و الهم          حصه اول جو کردم ابتدا          حصه ثانی جو شد از میان          حصه ثالث زردی است گلی          حصه چهارم جو آمد بر مسلم</p>	<p>یافته این گنج تاریخ ابرقلام          و او ده ام این گنج خود را افتخار          طرفه تر در تقسیم گوهر سفته ام          مانند این مخزن ز سده در یادگار          گنج تاریخ آمده اند حساب          تا بیانی حصه بیست و پنج          گشت در ذکر شه خیر الانام          شد در و ترقیم ای عالی وقار          منم شد گنج خشنین و السلام          در بیان اولیا سقادی          بهر ذکر خاندان اهل بیت          ذکر خیر اولیا سقادی          شرح حال سحر در دی بیان          مفهمن ذکر کرب و عارقات          یافت ز ایشان گنج تاریخ افتخار          کرده ام در یازده حصه رقم          بجزه زودادقم بنی امید را          شد بنی عباس را و رومی بیان          شد در ذکر شمعان غزنوی          گشت در وی ذکر غوری رقم</p>

تاریخ  
 سحر



[illegible]

مقامات و ادارات ذیل  
 ۱- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 ۲- وزارت عدلیه  
 ۳- وزارت معادن و قزاق  
 ۴- وزارت راه و ترابری  
 ۵- وزارت صنایع و معادن  
 ۶- وزارت اقتصاد و معادن  
 ۷- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 ۸- وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 ۹- وزارت نیرو  
 ۱۰- وزارت راه و ترابری  
 ۱۱- وزارت صنایع و معادن  
 ۱۲- وزارت اقتصاد و معادن  
 ۱۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
 ۱۴- وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 ۱۵- وزارت نیرو

[illegible]

1

[illegible]

<p>تاریخ شہادت امام الحجتی شہید کرباسید الکونین ابامحمّد حسین رضی اللہ عنہ کہ در سال شصت و یشت و یک سنہ ہجری بوقوع آمد</p>	<p>سید اکبر حسین الحجتی چون شہادت یافت در کربلا ختم ازل سن و سال و صل او باز فرما قبلہ بے عاید بماند سید امجد نجان ز آفاق ثبت علم بے گس ماند از ترحیل او</p>
<p>شہ منکوم سید الثقلین رفت چون از جہان خزن مال سال ترحیل و سے نکودانی اوست محبوب حق مجیب ازل سال ترحیل آن شہ کونین سال و صلش عجب شد بہت عیان کن رقم ہمس باخلاف اسم سال ترحیل آن شہ اعظم گو جان رطش موید خواہ</p>	<p>یاد شاہ زمانہ شاہ حسین یافت با ذات حق کمال گر تو دالے خود بر خوانے سال و صلش بگو جبب ازل آمدہ آخرین و حرف حین قبلہ دین برفت از دوران زبدہ دین برفت از عالم ہست شد بی نیاز از عالم نیز نمود و زبندہ دل آگاہ</p>
<p>تاریخ ولادت و وفات امام المومنین علی الملقب بربیع العابدین کہ ولادت در سال ہی و ہشت و وفات در سال نو و چار یا نو و پنج بوقوع آمدہ بود</p>	<p>بود محبوب جناب ذوالجلال و صل بے عیب و عزت اکمال عابد زاہد و گرامی خوش خصال سید طیب و گرامی رخ سال</p>
<p>سید دین شاہ زین العابدین زادہ طیب بگو تو لید او پہلوان و انجم و الاحباب سید آدمی و آب زندگے</p>	<p>قلیہ شائے</p>

مسئول نمی باشد و چون در باب ۲ سر و طوطی که در ده سهرده نه خسته

۱- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۲- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۳- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۴- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۵- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۶- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۷- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۸- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۹- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا  
 ۱۰- امام حسین (ع) را در کربلا شهادت دادند و سرش را برافروختند و در راه کربلا





[illegible][illegible]



[illegible]

ارجمتش طالب محبوب حق		سال مولود است اولاد علی
تسنوی		
ابن موسی علی امام رضا	انکه رضی است بارضای خدا	
پیشوا شی طریق حق طبعی	مقتدای ره خدا جوئے	
سال تولد سید ذبیحہ	ہست اصل طلال و والا جاہ	
گو محب زمانہ تولدش	خوان تو قطب زمین ترحیلش	
سال ترحیل آن شہید دین	گنہ اند اہل دین و اہل تقی	
سال ترحیل آن شہید معبود	ہا تقوی ز دند اس علی محمود	
ذات او بود بدر چرخ کمال	پیشوا گشت عیان سالصال	
ذات او سر کمال دین بود	گو بہ جہلش کہ حاصل دین بود	
بود جان دشتش سراپا دور	سال وصلش خرد گفتا دور	
سال ترحیل آن امام ولی	شد نہ از نذرہ دل ولی مهدی	
تاریخ ولادت و وفات امام محمد تقی رضی اللہ عنہ کہ ولادت وی در		
سال یکصد و نو و پنج و وفات در سنہ و صد و بیست و یک است یا بابت یکصد و نو و پنج		
آن محبت تقی امام زمین	گلشن گلشن زمین و حسن	
مستی و تنگی است ترحیلش	شاہ سید ولی است ترحیلش	
سال تولد آن جناب است	گفت سرور امام اطاعت	
سال تولد او است گزینہ مطلوب	تو جویش ز قبتہ محبوب	
سال تولد آن شہید	وان مہ آفرین عالم صاف و نو	
سال تولد او فقیدہ بدن	رحلتش سید و سلیم بنو ان	
رحلت آن شہید تقی و ولی	گشت روشن زمانہ و دین حلی	
سال وصلش اگر کے تحقیق	گشت پیدا از آہدہ شہیق	
سال ترحیل آن شہید اعظم	ہست محمدی ما دہ سے عالم	
تاریخ ولادت و وفات امام احمد جہل رضی اللہ عنہ کہ ولادت وی در سال		
یکصد و شصت و چار یا شصت و پنج و وفات در سنہ و صد و چار است یا بابت یکصد و شصت و چار		

۱۵۲  
 کینت و سے ابو جعفر ثانی و لقب  
 دینی تقی و جواد و نام نامی  
 محمد است و نام مادر و سے  
 خیزدن بار سنان از قبیلہ  
 بار یقینی بود و سے امام  
 ہست از ایہ انشا خوش و حسن  
 سنا صبیح مال باون خلعت  
 و از غریبانای زہر خور است  
 امام علی بن موسی الخا نصیب  
 بود و لنداد سے بخت مرغ این  
 بدنامی زخت خود و امیر فضل  
 زنی پسے داد و میراہ دی  
 بہینہ روان کرد و در سال  
 زہر و نیا سینہ از بیت اللہ  
 برای فرخ بوی یغریا و ابون  
 مامون دعات فیت و مستقیم با لند  
 بن ابرہیم بن مامون بخت مصلحت  
 بہشت بعد انقضای عرصہی ماہ  
 بر حضرت امام بدظن شد از نذرہ  
 در بعد از طلب کرد و در زندان بود  
 زہر طلال در طعام با حضرت داد  
 امام بایں صدر شہادت شد و  
 در بعد از مدفن گشت و شد  
 با سعادت حضرت بر و زحمہ دم ماہ  
 رجب شہادت ششم ماہ ذی الحجہ و  
 بتاریخ مسلم ذی القعدہ و نو و چار  
 بہت و خیال است

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

کشت وی ابو القاسم و قطب  
 مدنی و جده الله و قاسم کشتند  
 صاحب الزمان و خاتم النبیین است  
 و وی با هم پیوسته و هم است  
 بعد از انقضای وقت قبول است  
 و ولادت دست در میان  
 تاریخ سید بهار و شب  
 سال و صد و پنجاه و شصت  
 قبول است و در ده شب  
 بوقت قبل از ظهور صبح سال  
 و صد و پنجاه و پنج بود و ظهور آمد  
 و نام والده ماجده و سید  
 حیقل و قبول سون و یون  
 حبیب بود و مولانا محمد الحزین  
 جامی میفرماید که چون نام  
 فتنه کرده و در بار دی کشت وی  
 کان نامو کافه نرفته بود  
 و کینست وی او موقوف است و نام پدر  
 پسرش در دین ترسا بود چون بود  
 رسید و سلطان شد و پسر و مادرش  
 و حضرت پسر با سلام شریف شد  
 که علی بود و موسوم کرد و مودت  
 مودت خود داد و او جنگل  
 و فتنه کشت تا از کالین  
 طابری شاه که در پیشه

هست قطب الحسن و جمال او	باز قطب الموحیدین بر خوان
بحر و آج سال ترحایش	گشت از ابر فیض طبع روان
تاریخ ولادت و غیبت امام محمد مهدی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و پنجاه و شصت پنج و غیبت یا وفات در سنه دو صد و شصت و چهار یا پنج یا شش یا هفت یا هشت یا نه	
مهدی و مادی امام اول است	مقتدا می و در جهان سید امین
ست ثبات مهدی عالم پایه	سال تولدیش بنزد اهل دین
نیز حسن علم مسگر و دیار	سن تولد امام علیکم
ارتحالش مهدی اهل صفات	بار دیگر مهدی اهل یقین
متن	
مادی خلق مهدی دوران	نام نامی و سید محمد دکن
سال مولود آن شه مسعود	طریق سلطان حق خسرو فرمود
سال مولود او حصا گفته	عقل مهدی حق نما گفته
سال تولد او جو گوهر سفت	عقل سلطان ولی مهدی گفت
شد جو غایت ز چشم اهل زمین	سن و سالش سران شد روشن
میشود سال غایتش مفهوم	گر شمار می ز ما و سید مصوم
باز تاریخ غیبتش به یقین	گشت سید از قطب کامل وین
کنج دوم در ذکر قطعات و فوات بزرگان متوسلان خاندان قادریه اغلیه که متعلق بحضرت غوث الاعظم قطب العالم ابو محمد علی الدیر عبد القادر جیلانی است از شریک سلسله تائیدین	
تاریخ وفات حضرت معروف که فتنه کشت و در سال دو صد و صد و بیار و ده	
شیخ معروف پیر دالے کرن	گشت چون از جهان و ناطاق
زنده است و تاریخش	شد عیان نیز زنده است
صاحب اول است و اهل یقین	باز تاریخ آن شه شادان
قطعه نمانی	
شیخ والا حضرت معروف که فتنه	چون ازین دنیا می جا کرد و رفت

امام محمد مهدی  
 امام علی بن ابی طالب  
 امام حسن مجتبی  
 امام حسین  
 امام جعفر صادق  
 امام موسی کاظم  
 امام رضا  
 امام محمد تقی  
 امام آقا جواد  
 امام آقا محمد باقر  
 امام آقا خاتم النبیین



باطن مدبره کمال رسیده  
 و اول کسی که درین مقام رسید  
 توحید و اسرار حقان بود و اینند  
 گفتند و او در دس که کار انجامست  
 که دس در باره از نشستی  
 و دو کاسه داشت برده بود  
 او کینه در دس تمام روز بیاد  
 مشغول ماندی هزار گفت و شب  
 و هزار باره بود که دس به شربت  
 شایخ خاقان رسید وی بود  
 و قال شایخ فقیه و میر دس بود  
 و در خزیده و فرقه است از ده دنیا  
 بنم دیناریش طبع سودناشتی ۱۲

[illegible][illegible]

در بیان شیخ علی اکبر  
 رضی الله عنه و آله  
 علیه السلام  
 یافتم در بعضی  
 از فضیلت او که  
 فی سبیل حق  
 فانی شد و راه  
 شاهی و دنیای  
 بعد از آن را  
 فریاد داشت  
 اهل سنت و  
 اهل تشیع را  
 عفو و ایام  
 عدم تفریق  
 میان خود و  
 اهل کفر و  
 اسلام را  
 تمام می نمود

بیست و نه  
 قریب است که ده اده ای زمان و زبده شاخ جهان صاحب مقامات بلند و درج ارجه و بر اصل وی از





<p>گفت سبکین بادرم فقیر نیکیام عارف محبوب محی الدین شه تارخ او</p>	<p>فامه ام از بهر وصل آن شه روشن ضمیر باز محی الدین رکن الحق خورشید از ضمیر</p>
<p>مسو</p>	<p>مسو</p>
<p>محی دین عیون سلی قطب دین پیر میران پیر میران و شکیب قره چشم جناب مصطفی سال تولیدش بکوبای مرغ خوان</p>	<p>ذات او محبوب ب العالمین شاه والا پیر هر بر بنا و پیر نور حق نحت دل خیر النساء</p>
<p>بالیقین تولید آن داسلحق سال تولیدش بعد صدق و صفا سرور تولید آن پیر نکو سال تولیدش چه خوشتر گفته ام</p>	<p>پیر محی الدین داسلحق جهان خوان امام السلین داسلحق شدر تم محبوب قطب اصفا بالتصین سید ولی عارف بگو عارف احسن دگر بحر گرم اهل دل محبوب رب العالمین</p>
<p>تاریخ وفات شیخ نصیب البان قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نود</p>	
<p>رهنما س جهان نصیب البان رحلتش کاشف القلوب بگو باز سال وصال او گردید</p>	<p>شیخ ذیجبا رهبر بصوم خوان دگر بار پیر دین مرحوم مادی متقی ز دل معلوم</p>
<p>تاریخ وفات شیخ احمد بن مبارک قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو</p>	
<p>شیخ احمد بن مبارک چون بفضل ابروی رحلتش احمد قدس بن مبارک شدر تم سوار است دو و باره شبنم بن حن</p>	<p>یافت از دنیای دوزخ حضرت علی کاکار نیز احمد نور ربانی شدر از سرور حیان رحلت آن پیر عالم گیر شاه دوجا</p>
<p>تاریخ وفات سید احمد رفاعی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو</p>	
<p>سید احمد رفاعی سرور دوزبان قطب کامل شاه دیش سال حشیر تم عاشق نامی است هم سال وصال آن جناب هم بخوان احمد مکر قطب حق ای مهران</p>	<p>شد جو از دنیای فانی راهی قلندر بران هم بگو احمد رفاعی سید مادی یز نیز زیبا باه آر شاه است اسی اهل تقیر باز احمد صاحب وحدت بخوان ای ارباب</p>

از غفای صفای غوث اعظم است دیار وفادار  
فامه ام از بهر وصل آن شه روشن ضمیر  
باز محی الدین رکن الحق خورشید از ضمیر  
نام پیران محی الدین داسلحق  
بالتصین سید ولی عارف بگو  
عارف احسن دگر بحر گرم  
اهل دل محبوب رب العالمین

تاریخ وفات شیخ احمد بن مبارک قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و دو  
شیخ احمد بن مبارک چون بفضل ابروی  
رحلتش احمد قدس بن مبارک شدر تم  
سوار است دو و باره شبنم بن حن  
یافت از دنیای دوزخ حضرت علی کاکار  
نیز احمد نور ربانی شدر از سرور حیان  
رحلت آن پیر عالم گیر شاه دوجا

تاریخ وفات سید شرف الدین علی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نه	
شیخ شرف الدین جو رفت اندر جهان	سیال و صل آن شه اهل کمال
کن رتسم مسعود سید پیشوا	شقی پاک صم سیال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت	عاقبت شد عاقبت تا سیال
تاریخ وفات شیخ صدق بن اوسی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	
امام جهان صدقه پسر کبیر	فد اگر در عشق حق جان و تن
ز سر در حق سال وصلش یحی	در صدقه صادق امام زین
تاریخ وفات بوعلی شیر قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	
بوعلی ان خون نوز خند ا	شد جو در خلد برین منزل گزین
سال وصلش بوعلی انور بنحو	نیز رتسم با سطلع نور یقین
در تماش آفتاب گل است	نیز میر جسته ای اهل دین
تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	
چون محمد از جهان با لطف حق	گشت در فردوس الابرار یاب
رحلتش سر در عاف شد جهان	نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک او	اهل شکیم آمده اند حساب
تاریخ وفات شیخ ابوسعید بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	
شیخ ذبی رتبه پسر عالمگیر	بو سید و آنکه بود در بدنه حق
عاشق حق مگو ز رحلت او	هم شه بو سید و ز بدنه حق
تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	
چون سفر کرد از جهان فنا	در جهان مهدی زمانه حیات
رحلتش سبع حیات بگو	هم بخوان مهدی زمانه حیات
قطعه مانع	
حیات آب حیات شمه دین	جواز دینا به خست گشت پیدا
نشد از دلم اشرف تبارش	درگر آمد عیان شمس اعلی
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود	

تاریخ وفات شیخ ابوسعید بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ صدق بن اوسی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات سید شرف الدین علی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعید بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ صدق بن اوسی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات سید شرف الدین علی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نه بود

تاریخ وفات شیخ ابوسعید بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ صدق بن اوسی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات سید شرف الدین علی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نه بود

[illegible][illegible]

*[Handwritten Persian notes at the bottom of the page:]*





[illegible]

<p>ز دنیا گشت سو سے خلد مامور تبار نشین دگر نور سے نور</p>	<p>چو آن شیخ نوقی بن محمد رقم کن لفظ برکت یا تبرک</p>
<p>ماریخ ولادت و وفات پیدا بواحق ابراہیم قدس سرہ کہ ولادت و در سال پانصد و ہفت و وفات و در سال ششصد و ہفت و دو قمری</p>	<p>میرا ابراہیم سر ہستنا کاشف دین نبی تولید دست</p>
<p>حامی دین پشوا سے و دو جان رحلتش دان کاشف عالی مکان</p>	<p>قطب نامے</p>
<p>پیر عالم سید اہل کمال باز ابراہیم نور حق وصال</p>	<p>شیخ نواسحاق ابراہیم دین والی شیخ ز تو نبی دش گبو</p>
<p>ماریخ وفات شیخ صدر الدین قزوینی قدس سرہ کہ در سال ششصد و بی ہجری</p>	<p>صدر دین صدر اولیائے کرام وصل او بہت آفتاب علوم</p>
<p>نثر از دنیا جو در بہشت برین نیز دانت صدق صدر الدین</p>	<p>ستقی نیک و بر بہر اگر باز فرما ولی دین و در دیش</p>
<p>سرور اوصل او لصدق و تقیر ماریخ ولادت و وفات شیخ محی الدین ابن الی عربی کہ ولادت وی در سال پانصد و شصت و وفات در سنہ ششصد و سی و ہفت یا شصت و قمری</p>	<p>محی دین پیر زندہ دل و والا ہست سال ولادتش بہت</p>
<p>ہادی سالکان رومی زمین صاحب کشف ہمدی بہت برین</p>	<p>نیز جویش صاحب التوحید عقل فرمود صاحب الارشاد</p>
<p>ہم بخوان آفتاب محی الدین ماریخ وفات شیخ محمد بن احمد الاجوینی کہ در سال ششصد و چاہ و شصت و قمری</p>	<p>کن رقم نیز ہادی تحقیق ماریخ وفات شیخ محمد بن احمد الاجوینی کہ در سال ششصد و چاہ و شصت و قمری</p>
<p>کر در حلت ازین جهان بوطر کن رقم نیز ماہ نور و روشن</p>	<p>شیخ احمد چو از غناست حق رحلتش باہباب صاحب حق</p>
<p>وصل آن یاد شاہ دور سن</p>	<p>باز از تہذیب مکرم دان</p>

لا اخرج من تحت  
 الحجاب عيني  
 من غير ما يرضى  
 مني  
 و لا اخرج من تحت  
 الحجاب عيني  
 من غير ما يرضى  
 مني  
 و لا اخرج من تحت  
 الحجاب عيني  
 من غير ما يرضى  
 مني





دولت تمام شب در فو اعلی گذرانیدی و در یک اجلاس ختم قرآن کردی ۱۲







<p>شد چو سمیعیل از دایره ایضا رحلتش آمد عیان ممتازت</p>	<p>مسکن خود یافت در دارالسلام نیز اسمعیل محمد دوم انام</p>
<p>تاریخ وفات سیدالمتحن گیلانی لاہوری کہ در سال ہنصد و نو و چار ہجری بمقام الکبحش آن دے دین احمد بحکم از خمد سال وصالش الکبحش است نام آن گراسے</p>	<p>ز دنیا شد چو در خمد سال ز قیاض تا گذشت پیدا محمد بخش شد سالش ہویدا</p>
<p>تاریخ وفات شیخ خضر سیستانی کہ در سال ہنصد و نو و چار ہجری بمقام شیخ خضر آن رہنمائی را حق ہادی دین شیخ شد از دل عیان آفتاب عارفان حق بگو</p>	<p>مقتدای دین دے متقی سن و سال انتقالش ای اخی نیز سالک متقی نور الہی</p>
<p>تاریخ وفات سید شاہ نور حضوری لاہوری کہ در سال ہنصد و نو و دو ہجری بمقام گشت روشن چون سجد جاودان سال وصالش از خرد شد جلہ گر ذوالکرم خوان نیز سال وصال او</p>	<p>سید و سر دایرہ در شاہ نور ہادی حسن مشور شاہ نور ہم بدان مقبول انور شاہ نور</p>
<p>تاریخ وفات سید موسی پاک نہید گیلانی ملتان کہ در سال یک ہزار و یک ہجری بمقام جو موسی از جہان رخت سفر بست ز قطب الاصفیائے ثانی</p>	<p>عیان شد رحلت آن شاہ حق بین و گر موسی ثانی تیر دین</p>
<p>تاریخ وفات شیخ عبدالوہاب متقی شافعی حشتی کہ در سال یک ہزار و یک ہجری بمقام ز دنیا شد چو در خمد سال رضا جو شیخ کامل گو بسالش</p>	<p>جناب شیخ اکمل عبدالوہاب و گر بر خوان ز فضل عبد و ہادی</p>
<p>تاریخ وفات سید صوفی گیلانی لاہوری کہ در سال یک ہزار و دو ہجری بمقام شد خمد صوفی صافی صمد شد و سال ترحیل او جلہ گر ز قیاض سالک سحر رحلتش</p>	<p>شرقی ز اولاد پاک علی ز محمد دوم صوفی سید دے و گر قطب قیاض دان ای اخی</p>
<p>تاریخ وفات سید کامل شاہ لاہوری کہ در سال یک ہزار و دو ہجری بمقام</p>	<p>تاریخ وفات سید کامل شاہ لاہوری کہ در سال یک ہزار و دو ہجری بمقام</p>

[illegible]



*(Faint handwritten notes at the bottom of the page)*



شاه دارا و بی پاک سعید	شاه دارا و بی پاک سعید	شاه دارا و بی پاک سعید	شاه دارا و بی پاک سعید
گفت تاریخ قتل اوس در	گفت تاریخ قتل اوس در	گفت تاریخ قتل اوس در	گفت تاریخ قتل اوس در
قلعه تاسی			
یافت چون آب خوشگوار افیس	یافت چون آب خوشگوار افیس	یافت چون آب خوشگوار افیس	یافت چون آب خوشگوار افیس
سست در ویش متقی سالش	سست در ویش متقی سالش	سست در ویش متقی سالش	سست در ویش متقی سالش
باز گوسال رحمتش سرور	باز گوسال رحمتش سرور	باز گوسال رحمتش سرور	باز گوسال رحمتش سرور
تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن	تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن	تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن	تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن
رحلت آن شاه مجید و م سعید	رحلت آن شاه مجید و م سعید	رحلت آن شاه مجید و م سعید	رحلت آن شاه مجید و م سعید
وان صفی الله و م سعید	وان صفی الله و م سعید	وان صفی الله و م سعید	وان صفی الله و م سعید
تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی	تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی	تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی	تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی
شد در خلعتی از جهان	شد در خلعتی از جهان	شد در خلعتی از جهان	شد در خلعتی از جهان
سال تر حاشی سرور شد عیان	سال تر حاشی سرور شد عیان	سال تر حاشی سرور شد عیان	سال تر حاشی سرور شد عیان
تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی	تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی	تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی	تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی
شد تحت جوهر بالا سپر	شد تحت جوهر بالا سپر	شد تحت جوهر بالا سپر	شد تحت جوهر بالا سپر
افاق حقیقت است و در	افاق حقیقت است و در	افاق حقیقت است و در	افاق حقیقت است و در
تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه	تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه	تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه	تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه
حضرت نوشاه شاه باکمال	حضرت نوشاه شاه باکمال	حضرت نوشاه شاه باکمال	حضرت نوشاه شاه باکمال
رحلتش گو مادی حق گنج بخش	رحلتش گو مادی حق گنج بخش	رحلتش گو مادی حق گنج بخش	رحلتش گو مادی حق گنج بخش
باز سال ارتحال آن خباب	باز سال ارتحال آن خباب	باز سال ارتحال آن خباب	باز سال ارتحال آن خباب
پیر فاضل و محمد عظیم هست	پیر فاضل و محمد عظیم هست	پیر فاضل و محمد عظیم هست	پیر فاضل و محمد عظیم هست
تاریخ وفات سید فاضل گیلانی	تاریخ وفات سید فاضل گیلانی	تاریخ وفات سید فاضل گیلانی	تاریخ وفات سید فاضل گیلانی
چون شه فاضل و م اهل فضل	چون شه فاضل و م اهل فضل	چون شه فاضل و م اهل فضل	چون شه فاضل و م اهل فضل
قبله دین فاضل آید رحلتش	قبله دین فاضل آید رحلتش	قبله دین فاضل آید رحلتش	قبله دین فاضل آید رحلتش
تاریخ وفات سید محمد فاضل	تاریخ وفات سید محمد فاضل	تاریخ وفات سید محمد فاضل	تاریخ وفات سید محمد فاضل
خواجہ دین فاضل و م اهل فضل	خواجہ دین فاضل و م اهل فضل	خواجہ دین فاضل و م اهل فضل	خواجہ دین فاضل و م اهل فضل

دست او را بکشید  
 عالمی شدت یافت  
 شاه دارا و بی پاک سعید  
 تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن  
 رحلت آن شاه مجید و م سعید  
 وان صفی الله و م سعید  
 تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی  
 شد در خلعتی از جهان  
 سال تر حاشی سرور شد عیان  
 تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی  
 شد تحت جوهر بالا سپر  
 افاق حقیقت است و در  
 تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه  
 حضرت نوشاه شاه باکمال  
 رحلتش گو مادی حق گنج بخش  
 باز سال ارتحال آن خباب  
 پیر فاضل و محمد عظیم هست  
 تاریخ وفات سید فاضل گیلانی  
 چون شه فاضل و م اهل فضل  
 قبله دین فاضل آید رحلتش  
 تاریخ وفات سید محمد فاضل  
 خواجہ دین فاضل و م اهل فضل

شاه دارا و بی پاک سعید  
 تاریخ وفات سید صفی الدین الشهور بیف الرحمن  
 رحلت آن شاه مجید و م سعید  
 وان صفی الله و م سعید  
 تاریخ وفات سید محمد باشم گیلانی  
 شد در خلعتی از جهان  
 سال تر حاشی سرور شد عیان  
 تاریخ وفات سید محمد امیر گیلانی  
 شد تحت جوهر بالا سپر  
 افاق حقیقت است و در  
 تاریخ وفات سید حاجی محمد شاه  
 حضرت نوشاه شاه باکمال  
 رحلتش گو مادی حق گنج بخش  
 باز سال ارتحال آن خباب  
 پیر فاضل و محمد عظیم هست  
 تاریخ وفات سید فاضل گیلانی  
 چون شه فاضل و م اهل فضل  
 قبله دین فاضل آید رحلتش  
 تاریخ وفات سید محمد فاضل  
 خواجہ دین فاضل و م اهل فضل

رحلتش هشت عادت سرست	نیز فرما فضل و اصل دین
تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادی	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
در جهان یافت رتبه اعظم	چونکه آن عظم و عظیم و رحیم
سست در بای فضیلت تاریخش	هم بخوان اشرف و کریم رحیم
تاریخ وفات سید حسن بنیادی کیلانی	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
حسن یافت در حلد برز	چون جناب سید و الا حسن
رحلتش شیخ حسن مطلب گو	نیز فرما فضل مولا حسن
تاریخ وفات شاه رضا قادی لاهوری	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
باهمت غلذ گشت بر است	چون شاه رضا ولی والا
دل گفت که آفتاب غلذ است	تاریخ وصال آن سید
تاریخ وفات شاه درگاه لاهوری	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
گشت روشن چو رفت از دنیا	در جهان همچو ماه در گشت
شیخ پیر است ارستمالش نیز	قطب سر و ارشاد در گاهی
تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادی لوشاهی	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
تاجدار حلد سید باغوشا	عابد و محمود و سید مقتدا
شده عیان سالش ز قیاض کبر	باز شد سید از شیخ الاصفیا
نیز سر و گفت سال وصال او	عاقبت محمود و تاج اولیا
تاریخ وفات سید نور محمد جره داله	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
نور محمد آن مر عالم چو از جهان	بر خوش حق رسید قریب جلیل حق
شاه کریم شقی آمد وصال او	دیگر مگو که نور محمد جلیل حق
تاریخ وفات حافظ بر خور دار نوشاهی	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود
شده چو بر خور دار در باغ بهشت	شیخ بر خور دار پیر مستنما
حافظ عالم بگو تاریخ او	نیز فرما دوستدار محبت
باز محبوب جهان شاه بهشت	بر سالش حاصل آمد مدعا
تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی	که در سال کنیزار و یکصد و ده بود

تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادی  
 تاریخ وفات سید حسن بنیادی کیلانی  
 تاریخ وفات شاه رضا قادی لاهوری  
 تاریخ وفات شاه درگاه لاهوری  
 تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادی لوشاهی  
 تاریخ وفات سید نور محمد جره داله  
 تاریخ وفات حافظ بر خور دار نوشاهی  
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی

رحلتش هشت عادت سرست  
 در جهان یافت رتبه اعظم  
 سست در بای فضیلت تاریخش  
 حسن یافت در حلد برز  
 رحلتش شیخ حسن مطلب گو  
 باهمت غلذ گشت بر است  
 دل گفت که آفتاب غلذ است  
 گشت روشن چو رفت از دنیا  
 شیخ پیر است ارستمالش نیز  
 تاجدار حلد سید باغوشا  
 شده عیان سالش ز قیاض کبر  
 نیز سر و گفت سال وصال او  
 نور محمد آن مر عالم چو از جهان  
 شاه کریم شقی آمد وصال او  
 شده چو بر خور دار در باغ بهشت  
 حافظ عالم بگو تاریخ او  
 باز محبوب جهان شاه بهشت

تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادی  
 تاریخ وفات سید حسن بنیادی کیلانی  
 تاریخ وفات شاه رضا قادی لاهوری  
 تاریخ وفات شاه درگاه لاهوری  
 تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادی لوشاهی  
 تاریخ وفات سید نور محمد جره داله  
 تاریخ وفات حافظ بر خور دار نوشاهی  
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی

رحلتش هشت عادت سرست  
 در جهان یافت رتبه اعظم  
 سست در بای فضیلت تاریخش  
 حسن یافت در حلد برز  
 رحلتش شیخ حسن مطلب گو  
 باهمت غلذ گشت بر است  
 دل گفت که آفتاب غلذ است  
 گشت روشن چو رفت از دنیا  
 شیخ پیر است ارستمالش نیز  
 تاجدار حلد سید باغوشا  
 شده عیان سالش ز قیاض کبر  
 نیز سر و گفت سال وصال او  
 نور محمد آن مر عالم چو از جهان  
 شاه کریم شقی آمد وصال او  
 شده چو بر خور دار در باغ بهشت  
 حافظ عالم بگو تاریخ او  
 باز محبوب جهان شاه بهشت



از عمارات جهان بردشت دل	شیخ معصومی ولی دوجان
میشود ظاهر ز منظر سال او	مجتبی محمد و هم میگردد و عیان
تاریخ وفات خواجه محمد فاضل شالوسی قادری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود	
شیخ فاضل سرفضل اسل فضل	یافت چون از فضل حق خلد بریز
رحلتش مشتاق بر حق کن تم	بار دیگر فاضل علم اسل دین
تاریخ وفات شه محمد غوث قاری لاهوری در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود	
غوث قطب بن محمد غوث سیر	شد و در حین بصره لطف و خوشی
عارف محمد و م قطب آمد وصال	بار دیگر راه برسد سخی
تاریخ وفات شیخ پیر محمد سیمینار نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود	
چون محمد سیر با حق یافت وصل	سال وصل آن شد بر نا و سیر
طالب دیدار فیاض آیدت	هم در مسموم سیر و شکیار
تاریخ وفات شیخ عبدالرحمن المشهور پاک حین که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود	
چون جناب عبدالرحمان شیخ پاک	یافت جای پاک در خلد جلیل
سخت عالی مرتبت تاریخ او	هم مکرر عاشق رحمان جلیل
تاریخ ولادت و وفات شیخ عبدالقادر شاه که اگیلانی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و چهار بود وقوع آمد	
عبد قادر میر عالم کبیر سیر	شیخ اکبر میشو اے رهنما
شد و را تو کد صابر حق برست	باز فرما مرشد دین مجتبی
ارتحالش گویمسایون مرتبت	نیز مهدی مستقیمت
تاریخ وفات شاه فرید نوشاهی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود	
چون فرید زمانه سید دین	خود و یکتا بساغ خلد رسید
رحلتش واسل خلافت آن	هم بخوان آفتاب وقت فرید
تاریخ وفات سید حسین حمزه والکه که در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود وقوع آمد	
بصد حسن چون از جهان خجست	شه محمد آن پیر کمال حسین
گنج مجتبی شاه عرفان وصال	در رسید بو الفضائل حسین

تاریخ وفات شیخ معصومی ولی دوجان  
 تاریخ وفات خواجه محمد فاضل شالوسی قادری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شه محمد غوث قاری لاهوری در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ پیر محمد سیمینار نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ عبدالرحمن المشهور پاک حین که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ عبدالقادر شاه که اگیلانی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و چهار بود وقوع آمد  
 تاریخ وفات سید حسین حمزه والکه که در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود وقوع آمد

تاریخ وفات شیخ معصومی ولی دوجان  
 تاریخ وفات خواجه محمد فاضل شالوسی قادری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شه محمد غوث قاری لاهوری در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ پیر محمد سیمینار نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ عبدالرحمن المشهور پاک حین که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ عبدالقادر شاه که اگیلانی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و چهار بود وقوع آمد  
 تاریخ وفات سید حسین حمزه والکه که در سال یک هزار و یکصد و سه و وفات در سنه یک هزار و یکصد و پنجاه و دو بود وقوع آمد



[illegible]

۱۱۸۲	مہت غیب اللسان وصالش نیز	۱۱۸۲	مشتی مسیر عبد رزاق است
تاریخ وفات شیخ مصاحبان قادری لاہوری کہ در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری			
۱۱۹۰	چون مصاحب بر حجت باری	۱۱۹۰	یافت در بار گاہ حجت بار
۱۱۹۰	جو وصالش زیر نعمت فقر	۱۱۹۰	بار دیگر ز محزون الاسرار
تاریخ ولادت وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری			
۱۱۹۰	صدر عالم صدر دین صدر الفیض	۱۱۹۰	منظر دین مصد فیض سن
۱۱۹۰	جلوہ گر شد از خرد و مہتاب خلد	۱۱۹۰	سرور او لید آن والادلی
۱۱۹۰	باز شاہنشاہ سرور طر فتر	۱۱۹۰	سال تولدش ز دل شد بخیلی
۱۱۹۰	سن وصل آن شہ عالمی جناہ	۱۱۹۰	ہست صدر الدین اسیر مشتے
تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری			
۱۱۹۰	با شجاعت شد جو از دار فنا	۱۱۹۰	اسعد و در زمان شیخ طہور
۱۱۹۰	گوشتہ فیض است تار شیش و گر	۱۱۹۰	سید الابرار با وی مع نور
تاریخ وفات شیخ جامعہ قادری کہ در سال یکہزار و دو صد و شش ہجری			
۱۱۹۰	جو جان تازہ از وصل حد ایت	۱۱۹۰	شہ عالم دے جان محمد
۱۱۹۰	وصال او ریشخ رہنما جو	۱۱۹۰	و گر فرما عنے جان محمد
تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہور کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری			
۱۱۹۰	خالہ خلد شد جو از عالم	۱۱۹۰	شیخ عالم مکر م عتد اقد
۱۱۹۰	رحلتش صاحب طہور بگو	۱۱۹۰	نیز محمدی اعظم عتد اللہ
تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری			
۱۱۹۰	حادثہ و محمود چون زین ہریت	۱۱۹۰	بر رویش باب حجت گشت باز
۱۱۹۰	سال تر حلتش شد از سرور عیا	۱۱۹۰	مختہ محمود سیر نیاز
۱۱۹۰	تاج اختیار است و ہم اہل طفر	۱۱۹۰	سال وصل آن ولی اہل راز
تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ کیلانی لاہوری آشتو رتھو شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری			

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ کیلانی لاہوری آشتو رتھو شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری  
 تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری  
 تاریخ وفات شیخ جامعہ قادری کہ در سال یکہزار و دو صد و شش ہجری  
 تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہور کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری  
 تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری  
 تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ کیلانی لاہوری آشتو رتھو شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ کیلانی لاہوری آشتو رتھو شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری  
 تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری  
 تاریخ وفات شیخ جامعہ قادری کہ در سال یکہزار و دو صد و شش ہجری  
 تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہور کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری  
 تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و شانزہ ہجری  
 تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ کیلانی لاہوری آشتو رتھو شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و نو ہجری



تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والکه که در سال کهنزار و دوصد و چهل و هشت بود و قوم	
رفت چو زین دهر سبکدین	حاکم دین شاه غلام نبی
گفت بتاریخ وصالش خرد	طالب الله و غلام نبی
تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و بوقوع آمد و ولادت دینی رسته کهنزار یکصد و هشتاد و دو بود	
قطب اقطاب آن سید قطب الانام	میر قطب الدین و سلسله متع
سال تولدش زحیر خ چارمن	طرفه خورشید بنی شد منجلی
رحلتش محب و م نعمت کن قمر	نیز قطب الافضلین کامل و
تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و چهار	
جناب شیخ مسلم خان والا	سجبت رفت چون بن دهر بر شود
ولی مهر بلین شیخ است سار	و اگر آمد عیان محبوب منظر
کنج سیوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله حجت نیک	
تاریخ وفات خواجہ حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و دوه میازده	
خواجہ دوزمین آن محسن حسن جرج	زبصره زینت دین مقتدا و متقی
سال وصالش قطب کو اعلی دایان لک خوا	هم ولی امجد سالیون نادی ملک علی
میر عبدی ماه دین و طاق و با حق گفته	جامع و الی دین و کافی و زنده ولی
مسل کل سب و ساز و محب مکمل است	شد و گر ماه مال از اوج خاطر منجلی
نادی کامل محب دین و عابد پاکیز	دان وسیله بازگو اسل جمال از آگهی
تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هشت بود و قوم	
عبد واحد صاحب توحید سیر	فرد و یکتا شد جو آخر از زمان
سعدن جو دست و عابد رنده دل	سال و صل آن شه والا سکان
زبد دین عبد واحد کن قمر	هم امام عبد واحد کن مسان
نیز تارنجیر مثل اسل حق	دان یقین حق مین و در قطب جان
تاریخ وفات خواجہ فیصل بن عباس که در سال یکصد و هشتاد و هشت بود و قوم	
فیصل فیصل از فضل حق شد و پرست	سال و صل آن شه دار القرا

از تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والکه که در سال کهنزار و دوصد و چهل و هشت بود و قوم  
 تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و بوقوع آمد و ولادت دینی رسته کهنزار یکصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و چهار  
 تاریخ وفات خواجہ حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و دوه میازده  
 تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هشت بود و قوم  
 تاریخ وفات خواجہ فیصل بن عباس که در سال یکصد و هشتاد و هشت بود و قوم

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والکه که در سال کهنزار و دوصد و چهل و هشت بود و قوم  
 تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و بوقوع آمد و ولادت دینی رسته کهنزار یکصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال کهنزار و دوصد و پنجاه و چهار  
 تاریخ وفات خواجہ حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و دوه میازده  
 تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هشت بود و قوم  
 تاریخ وفات خواجہ فیصل بن عباس که در سال یکصد و هشتاد و هشت بود و قوم

۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰

سید قطاب و واقف کن شمار تا باند بصر و صلش یادگار باز صوفی کن ببالش خستیدار	ماه عالم پس امام عدل گو بوعلی با دمی احمد کن رقم صاحب مولی و اهل سیف نیز
تاریخ وفات سلطان ابراهیم بن ادهم که در سال دصد و شصت و هفت و یک یاد و داشت و هفت و شصت و یک بود و قوام آید	شیخ ابراهیم سلطان الولی دل بسال و صلح آن والا هم شد رتبه قطب معالی سال او
تاریخ وفات خواجه ندیقه المرحومی که در سال دصد و پنجاه و یک و صد و هفتاد و شش مرتضی بر حصان نگر و لے ارتحال آن شه و الاجاب	چون مخلص گشت در خلد برین قطب عالم گو و باره سیر و زین تاریخ وفات خواجه میره ابصری قدس سره که در سال دصد و شصت و هفت بود و قوام آید
باصر و اهل بصیرت شیخ حق رحلتش کامل امین الدین گو وصل و موصول شد ز آید کریم	شیخ بصیری چون سبخت یافت جا بار دیگر خوان جمال الاصفیا هم فانی الله شد از دل نه ا
تاریخ وفات خواجه خاوند مشاد و دیوری که در سال دصد و نود و شصت و هجری بود و قوام آید	چونکه اعلی علو و نور میران است و نیز و آقا پس خورشید و غریب و نور
تاریخ وفات خواجه امیر جهان که در سال دصد و نود و شصت و هجری بود و قوام آید	اگر شام و حرم و حرم وصل پاکش مست و مست با شمشیر و شمشیر
تاریخ وفات خواجه امیر جهان که در سال دصد و نود و شصت و هجری بود و قوام آید	اگر شام و حرم و حرم وصل پاکش مست و مست با شمشیر و شمشیر

۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰

۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰









زنده دین صاحب التوحید که	نیر اکبر جلال الدین وصال
مار پنج وفات نیم مجید ترک مار نومی که در سال ششصد و چهل و دو بود و قوام آمد	
چون محمد بعرضش کرد و عروج	سال ترحیل آن شه دمی شان
کاشف البحر کن و لا تخسر	بعد از آن متقی محمد خوان
مار پنج وفات خواجہ محمد الدین چیمبر می که در سال ششصد و پنجاه و سه بود و قوام آمد	
محمد اہل زمانہ فخر الدین	یافت از حق جو عز و فخر خان
خواجہ ابدال و خواجہ والا	رحمتش خوان مقتدا می زمانہ
مار پنج وفات شیخ بدر الدین غزنوی که در سال ششصد و پنجاه و دو بود و قوام آمد	
گشت روشن جو بدنگار دین و رعد	سال ترحیل آن پشہ حق بیز
کاشف راز اولیا فرما	نیر سیر سعید بدر الدین
مار پنج وفات شیخ جمال الدین قطب ماسومی که در سال ششصد و پنجاه و دو بود و قوام آمد	
شد جو روشن جمال و روحی بہشت	از جمال کمال دین بے
جلوہ گر شد بسال رحلت او	عارف حق جمال دین بے
قطعه ثانی	
شد جو در جنت بصیر حسن و جمال	شیخ حق آمین جمال اہل فقر
بر تو انگار شد عجب سال وصال	از جمال الدین جمال اہل فقر
سال ولادت و وفات شیخ فرید الدین و الدین گنجشکر ابو دہنی قدس کہ و لا	
در سال مائصد و پنجاه و پنج وفات در سنہ ششصد و شصت و چار یا شصت و پنجاه و پنج	
مقتدا می دین فرید الدین بے	فرد عالم فرد و سرور و دہان
گشت عاشر حق طلب قطب القیوم	از خرد تولید آن قطب زمان
ہم فرید الا اولیا سر آمد بہت	سرور تولید آن پشہ جہان
نیز تولیدش بقول آصف	شد فرید الدین امین الدین عیان
دب عالم فرد و عالم طرفہ تر	سال تولیدش عیان شد از ہنار
شد دگر ہمدے فرید العالمین	سال تولیدش ند از آسمان
عاشق حق کامل آمد حلتش	زاہد دین بر عالم گیس دین

در سال مائصد و پنجاه و پنج وفات در سنہ ششصد و شصت و چار یا شصت و پنجاه و پنج  
 مقتدا می دین فرید الدین بے  
 گشت عاشر حق طلب قطب القیوم  
 ہم فرید الا اولیا سر آمد بہت  
 نیز تولیدش بقول آصف  
 دب عالم فرد و عالم طرفہ تر  
 شد دگر ہمدے فرید العالمین  
 عاشق حق کامل آمد حلتش  
 در سال مائصد و پنجاه و پنج وفات در سنہ ششصد و شصت و چار یا شصت و پنجاه و پنج  
 مقتدا می دین فرید الدین بے  
 گشت عاشر حق طلب قطب القیوم  
 ہم فرید الا اولیا سر آمد بہت  
 نیز تولیدش بقول آصف  
 دب عالم فرد و عالم طرفہ تر  
 شد دگر ہمدے فرید العالمین  
 عاشق حق کامل آمد حلتش

در سال مائصد و پنجاه و پنج وفات در سنہ ششصد و شصت و چار یا شصت و پنجاه و پنج  
 مقتدا می دین فرید الدین بے  
 گشت عاشر حق طلب قطب القیوم  
 ہم فرید الا اولیا سر آمد بہت  
 نیز تولیدش بقول آصف  
 دب عالم فرد و عالم طرفہ تر  
 شد دگر ہمدے فرید العالمین  
 عاشق حق کامل آمد حلتش

<p>۶۶۲ رحلتش گویند شاه دین فرید</p> <p>۶۶۳ هم صیب حق فرید اله سدرگو</p> <p>۶۶۴ باز عالی جاه قطب الحق فرید</p> <p>۶۶۵ ناشن صاوتی دیگر فرماست</p> <p>۶۶۶ پس نه کامل فرید الدهرگو</p>	<p>۶۶۷ شمع نور آمد دیگر اید وستان</p> <p>۶۶۸ صوفی کامل فرید الدین بخوان</p> <p>۶۶۹ بنده فرد الفریدا می محربان</p> <p>۶۷۰ سال وصل آن شه عالمیکان</p> <p>۶۷۱ سرور اسال وصالش بی گنا</p>
قطعه ثانی	
<p>۶۷۲ مقدمه یقین فرید الدین</p> <p>۶۷۳ عده دین فرید حق گفتم</p> <p>۶۷۴ زبد دین فرید دهر آمد</p> <p>۶۷۵ سال ترحیل او خرد فرمود</p> <p>۶۷۶ قطب دوران فرید شدیدا</p> <p>۶۷۷ بنده حق فرید قطب البند</p>	<p>۶۷۸ فرد اهل جهان و لے زمان</p> <p>۶۷۹ سال تولد آن شه دمی شان</p> <p>۶۸۰ نیز سال ولادتش بربان</p> <p>۶۸۱ حب موعده فرید هر دو جهان</p> <p>۶۸۲ رحلت آن شه بنده دوران</p> <p>۶۸۳ وصل او گفت سرور نادان</p>
قطعه ثالث	
<p>۶۸۴ فرید دین فرید جمله عالم</p> <p>۶۸۵ فرید البند قطب ملک فرما</p> <p>۶۸۶ بخوان وصالش فرید اکبر اسلام</p>	<p>۶۸۷ شه فرخ لقافه خنده آمین</p> <p>۶۸۸ بی تولد پاک آن شه دین</p> <p>۶۸۹ دگر سالک فرید الدین حق مین</p>
قطعه رابع	
<p>۶۹۰ سریشگر گنج فرید زمان</p> <p>۶۹۱ سالک مسعود فرید ابدست</p> <p>۶۹۲ سال وصالش چو بختیم زدل</p>	<p>۶۹۳ حضرت مسعود و لے سعید</p> <p>۶۹۴ ماوه تولد و لے از دل بدید</p> <p>۶۹۵ گفت بگو باد شه دین فرید</p>
قطعه خامس	
<p>۶۹۶ فرد و دنیا و دین فرید الدین</p> <p>۶۹۷ رحلتش بنده خند انخوان</p> <p>۶۹۸ تاریخ وفات شیخ نجیب الدین</p> <p>۶۹۹ چون نجیب الدین متوکل عجب</p>	<p>۷۰۰ فرد و کیا تقرب و وصل سید</p> <p>۷۰۱ هم بدان فرد دین فرید وید</p> <p>۷۰۲ تاریخ وفات شیخ نجیب الدین</p> <p>۷۰۳ از توکل یاوت با حق انان</p>

منه از این شمع نور آمد دیگر اید وستان  
صوفی کامل فرید الدین بخوان  
بنده فرد الفریدا می محربان  
سال وصل آن شه عالمیکان  
سرور اسال وصالش بی گنا

استدلالی و قناعت در مضامین  
مقامات بنده و لے از دل بدید  
دی تا مدت هفتاد سال در دلی بگوشت کرد  
چنانچه اصدی از دنیا داران زلف



در بیان اینست که هر دو در منزلت  
کم و درجه خاوار  
بن علی است  
اسم محمد بن ابی حمزه  
برسد و در منزلت  
نخستین و بعد از  
علوی

در سال اول از سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در سال دوم از سال ۱۰۰۱ هجری قمری  
 در سال سوم از سال ۱۰۰۲ هجری قمری  
 در سال چهارم از سال ۱۰۰۳ هجری قمری  
 در سال پنجم از سال ۱۰۰۴ هجری قمری  
 در سال ششم از سال ۱۰۰۵ هجری قمری  
 در سال هفتم از سال ۱۰۰۶ هجری قمری  
 در سال هشتم از سال ۱۰۰۷ هجری قمری  
 در سال نهم از سال ۱۰۰۸ هجری قمری  
 در سال دهم از سال ۱۰۰۹ هجری قمری

طالب مقبول شمس الدین بود	نیر شمس الدین و سکه باصفی
شمس دین سلطان نامی شمعین	باز شمس دین امیر آمدند
هم ز شمس دین اکبر حبه ام	ارتمال آن و سکه مقتدا
قطعه نامه	
شمس دین شد جو در جهان روشن	مست تاریخ آن شمه حق بن
اهل دین شمس دین ولی حق	هم محققین شمس الدین
تاریخ وفات قاضی محی الدین کاشانی حنبلی که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری	تاریخ وفات خواجه علاء الدین حنبلی که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری
شربت جو زنده چو باد	زنده دل محی الدین ولی حق بن
رحلتش مست صاحب تحقیق	نیر مهتاب حسن محی الدین
تاریخ وفات خواجه علاء الدین حنبلی که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری	تاریخ وفات خواجه شمس الدین که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری
شربت جو از دهر خلد اسطیفا	شیخ دنیا و دین علاء الدین
محققین است تاریخش	نیر سید مستحق حق بن
یار حق کاشف و شریاح	مست و صلاش زینب و زینب
باز تاریخ رحلت آن شاه	گفته ام شمع حق علاء الدین
تاریخ وفات خواجه شمس الدین که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری	تاریخ وفات خواجه شمس الدین که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری
مغرب رفت از روی زمین آه	چو شمس الدین دلی محضر منور
بگو قطب اشرف انصاف فرما	بسال رحلت آن شاه رهبر
و اگر تاریخ و صلاش مبلوه گشت	ز شمس الاولیاء با دلی کبر
تاریخ وفات شیخ شرف الدین بوعلی قلندر ربانی بی که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری	تاریخ وفات شیخ شرف الدین بوعلی قلندر ربانی بی که در سال هفصد و نود و ده هجری قمری
بوعلی اشرف و شریف و نجیب	وصل شد چون بوصلت و دود
ارتمالش شرف و سکه زمان	نیر فرما شرف ولی محمود
بار دیگر شرف سعید بگو	سال ترحیل آن شمه با جو د
باز شد حسن رحلتش پیدا	زیب عالم قتلند مسعود
تاریخ ولادت وفات شیخ نظام الدین بداولی و دلی که ولادتش در سال	شمس دینی چار و وفات در سنه هفصد و سبست و پنج هجری قمری بوقوع آمد

در سال اول از سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در سال دوم از سال ۱۰۰۱ هجری قمری  
 در سال سوم از سال ۱۰۰۲ هجری قمری  
 در سال چهارم از سال ۱۰۰۳ هجری قمری  
 در سال پنجم از سال ۱۰۰۴ هجری قمری  
 در سال ششم از سال ۱۰۰۵ هجری قمری  
 در سال هفتم از سال ۱۰۰۶ هجری قمری  
 در سال هشتم از سال ۱۰۰۷ هجری قمری  
 در سال نهم از سال ۱۰۰۸ هجری قمری  
 در سال دهم از سال ۱۰۰۹ هجری قمری

در سال اول از سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در سال دوم از سال ۱۰۰۱ هجری قمری  
 در سال سوم از سال ۱۰۰۲ هجری قمری  
 در سال چهارم از سال ۱۰۰۳ هجری قمری  
 در سال پنجم از سال ۱۰۰۴ هجری قمری  
 در سال ششم از سال ۱۰۰۵ هجری قمری  
 در سال هفتم از سال ۱۰۰۶ هجری قمری  
 در سال هشتم از سال ۱۰۰۷ هجری قمری  
 در سال نهم از سال ۱۰۰۸ هجری قمری  
 در سال دهم از سال ۱۰۰۹ هجری قمری





در شهر سمرقند  
 از جانب خلیفه  
 سلطان بن خلیفه  
 الدین است و در شهر  
 خلیفه بن خلیفه  
 و در شهر سمرقند  
 از جانب خلیفه  
 سلطان بن خلیفه  
 الدین است و در شهر  
 خلیفه بن خلیفه

پایان نامه و مقصد بر قوع آمد	
گشت چون جلوه گر نصیر الدین	بجهان چون چراغ بر انوار
بهت هفتاب سیر و سب	سال ترحیل آن شاه ابرار
کن رقم نیز ز بهر فردوس	تا شود سال رحلتش اظهار
قبایه حق نصیر دین محمود	سال وصلش بنحوان تو با هموار
باز محبوب سیر اکبر	هم گویو سیر سید و سیردار
کن رقم باز رحلت آن شاه	طالب الله واقف اسرار
باز صدیق حق نصیر الدین	گفت دل سال رحلتش ای یا
شاه مامی نصیر شد سحریر	رحلت پاک او ز سر و زرار
تاریخ وفات شیخ اخراج الدین	چشتی که در سال مقصد و پنجاه و شش
چون سراج الدین سراج الدین	جلوه گر گشت بنسل مه اندر جهان
عارف اجمد سراج الدین	هم گشت نصیر تار سراج آن
عارف ز بهر دو بار کن رقم	ساگک محمد م سراج الدین خوان
تاریخ وفات شیخ صدر الدین	در سال مقصد و پنجاه و نه بر قوع آمد
صدر دین و دین و سب جهان	شد جو بر صدر ز خلد بند ز شیار
شاه جنت گویو تا بخشش	هم بنحوان شاه دین صدر الدین
تاریخ وفات شیخ قطب الدین	خور قدس سره که در سال مقصد و شصت و دوم
قطب جنت شد جو با صد خرد	قطب عالم قطب دین قطب اقبال
سال ترحیلش شد از فلک	قطب دنیا آفتاب اقبال دین
هم بنحوان مظهر منور قطب حق	سال وصل آن شده خلوت تیار
تاریخ وفات شیخ سعید الدین	خور قدس سره که در سال مقصد و شصت و یک
جو در اقلیم جنت یافت شاهی	مغنی اهل اعانت پر مغفور
سعید الدین سحر کل رقم کرد	تبار بخشش جو سهر و گشت نامور
و گرتاریخ ترحیلش عیان شد	سعید الدین کامل مطلع نور
تاریخ وفات شیخ علامه الدین	خور قدس سره که در سال مقصد و شصت و دو بر قوع آمد

در دی است و در شهر سمرقند  
 از جانب خلیفه  
 سلطان بن خلیفه  
 الدین است و در شهر  
 خلیفه بن خلیفه  
 و در شهر سمرقند  
 از جانب خلیفه  
 سلطان بن خلیفه  
 الدین است و در شهر  
 خلیفه بن خلیفه

در شهر سمرقند  
 از جانب خلیفه  
 سلطان بن خلیفه  
 الدین است و در شهر  
 خلیفه بن خلیفه



ز دنیا شد مقیم جنت الخلد	علاء الدین و اے صوفی حق
رقم شد ہر سال انتقالش	علاء الدین عارف صاحب حق
تاریخ وفات شیخ سراج الدین حشتی کہ در سال ہفتصد و شصت و دو بود وقوع	جلوہ گر گشت چون براج خبار
ماہ تابستان سال سراج الدین	ہمد گر صاحب گرامت عزت ان
ہفت اہل خلوص تاریخش	
تاریخ وفات شیخ جلال الدین یانی تپی کہ در سال ہفتصد و شصت و پنج بود وقوع	یافت با وصل خداوندی وصال
چون جلال الدین شہ اہل جلال	ہفت وصال آن شہ اہل کمال
بحر عرفانی جلال سب نیاز	نیز مفتح جلال حق جلال
سیر کامل پر عالیشان گبو	گیر بمبر رہائش تاریخ سال
میں ز اہل اللہ محبوب خدا	
تاریخ وفات شیخ حمید قلندر حشتی کہ در سال ہفتصد و شصت و شش بود وقوع آمد	شد محبت حامد رحمان حمید
چون بالطف جناب ذوالجلال	اہم بخوان سرور شہ عرفان حمید
شاہ عالیشان گبو تاریخ او	
تاریخ وفات سید محمد بن مبارک کرمانی کہ در سال ہفتصد و شصت و ہفت بود وقوع آمد	چو روشن شد محبت مثل محتاب
محمد شیخ دین آل محمد	فقیر فقر قسم گفتم درین باب
عجب سال وصالش حق پرست	وصال پاک او گفتیم با جناب
چو شام تہا حق باقی نذا کرد	محمد بن مبارک میرا قطاب
محمد درو عشق است و دودارا	
تاریخ وفات شیخ یوسف حشتی کہ در سال ہفتصد و شصت و ہشت بود وقوع آمد	کر و چون از جہان بجلد مکان
یوسف مصر دین حق یوسف	یوسف حسن ناہ نامان خوان
رحلتش یوسف حقیقت گبو	سال وصالش ستارہ حق دان
ماز کین ربع نور حق روشن	
تاریخ وفات شیخ تاج الدین بروجی حشتی کہ در سال دویصد و شصت و چار بود وقوع آمد	لوح دین اعزاز دینا شیخ حق بروج
شیخ تاج الدین شہ عالم کہ در او صاف	تاج مہر و نیز تاج شامی دین گوشت اند
ار شوالش شہد معصوم و دین سلطان خلد	

[illegible][illegible][illegible]

تاریخ وفات شیخ عبدالمقصد رحمتی که در سال متصد و شتا دویز یا نو دویک قریع آمد	
جوان باکر ام خداوندی فضل لاری	رفت از دار الفنا در غلده عالی مقصد
صاحب محمد و محمد و صاحبش و گربار خرد	گفت اولی مقصد فرمود و الی مقصد
تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سید لاهوری بنگالی که سال متصد و قریع	
بفرود آمد علی شد علاء الدین جوارع	زرویش نیت تازه بگزار جان آمد
ولی امیر علاء الحق و الدین است تاریخ	دگر و الی علاء الحق و لعلت علی آمد
تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال متصد و جوی بوقوع آمد	
شد جواد اصل بوصول حقانی	شیخ دین بیگ حسام الدین
گفت سرور رسال بر جلیت او	شاه مرد و بی حسام الدین
نیز دان متقی قطب الحق	هم و لے متقی حسام الدین
تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر بمالی که در سال متصد و منت بوقوع آمد	
مشرق گشت مالغاست جنت	جوشیم اشرف ان میر شرف میر
شریف الاوقاف آمد ارتحالش	دو بار از او بر قطب جهانگیر
دگر گردم رقم در سال ترحیل	امام مومنان سیر جهانگیر
بنوان سال وصالش بار دیگر	کامل عارف و الا جهانگیر
ولی سید میر جنت آمد	چون شد وصالش لوک خامه تحریر
وصالش و اصل کامل شریفیت	اگر خواست بکن ای یار تقیر
تاریخ وفات شیخ احمد تها نسیری که در سال متصد و لب بوقوع آمد	
شیخ دین احمدی احمد و لے	شد جوار و بنا سیمات النعیم
ست محمد و م کامل و لے	هم محمد متقی عابد سلیم
تاریخ وفات شیخ فتح الله او دوسنه که در سال متصد و منت بوقوع آمد	
جوشم الله از حق یافت مفتوح	مبطل تملط حبسی باب
امام اولکب صاحب ست سال	دو باره نور دین قلیح انوار
تاریخ وفات شیخ عین الدین قبال که در سال متصد و لب بوقوع آمد	
چو عین الدین ولی عین حقیقت	که ذات عین و نیش عین وین بود

تاریخ وفات شیخ عبدالمقصد رحمتی که در سال متصد و شتا دویز یا نو دویک قریع آمد  
 جوان باکر ام خداوندی فضل لاری  
 صاحب محمد و محمد و صاحبش و گربار خرد  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سید لاهوری بنگالی که سال متصد و قریع  
 بفرود آمد علی شد علاء الدین جوارع  
 ولی امیر علاء الحق و الدین است تاریخ  
 تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال متصد و جوی بوقوع آمد  
 شد جواد اصل بوصول حقانی  
 گفت سرور رسال بر جلیت او  
 نیز دان متقی قطب الحق  
 تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر بمالی که در سال متصد و منت بوقوع آمد  
 مشرق گشت مالغاست جنت  
 شریف الاوقاف آمد ارتحالش  
 دگر گردم رقم در سال ترحیل  
 بنوان سال وصالش بار دیگر  
 ولی سید میر جنت آمد  
 وصالش و اصل کامل شریفیت  
 تاریخ وفات شیخ احمد تها نسیری که در سال متصد و لب بوقوع آمد  
 شیخ دین احمدی احمد و لے  
 ست محمد و م کامل و لے  
 تاریخ وفات شیخ فتح الله او دوسنه که در سال متصد و منت بوقوع آمد  
 جوشم الله از حق یافت مفتوح  
 امام اولکب صاحب ست سال  
 تاریخ وفات شیخ عین الدین قبال که در سال متصد و لب بوقوع آمد  
 چو عین الدین ولی عین حقیقت  
 که ذات عین و نیش عین وین بود

تاریخ وفات شیخ عبدالمقصد رحمتی که در سال متصد و شتا دویز یا نو دویک قریع آمد  
 جوان باکر ام خداوندی فضل لاری  
 صاحب محمد و محمد و صاحبش و گربار خرد  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سید لاهوری بنگالی که سال متصد و قریع  
 بفرود آمد علی شد علاء الدین جوارع  
 ولی امیر علاء الحق و الدین است تاریخ  
 تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال متصد و جوی بوقوع آمد  
 شد جواد اصل بوصول حقانی  
 گفت سرور رسال بر جلیت او  
 نیز دان متقی قطب الحق  
 تاریخ وفات میر سید اشرف جهانگیر بمالی که در سال متصد و منت بوقوع آمد  
 مشرق گشت مالغاست جنت  
 شریف الاوقاف آمد ارتحالش  
 دگر گردم رقم در سال ترحیل  
 بنوان سال وصالش بار دیگر  
 ولی سید میر جنت آمد  
 وصالش و اصل کامل شریفیت  
 تاریخ وفات شیخ احمد تها نسیری که در سال متصد و لب بوقوع آمد  
 شیخ دین احمدی احمد و لے  
 ست محمد و م کامل و لے  
 تاریخ وفات شیخ فتح الله او دوسنه که در سال متصد و منت بوقوع آمد  
 جوشم الله از حق یافت مفتوح  
 امام اولکب صاحب ست سال  
 تاریخ وفات شیخ عین الدین قبال که در سال متصد و لب بوقوع آمد  
 چو عین الدین ولی عین حقیقت  
 که ذات عین و نیش عین وین بود



تاریخ وفات فاضل شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و پنجاه و هفت بود	
چو باوج جهان شد بر تو فلک	شهاب الدین دلی عالی مد علم
وصالش کن تو تو قیر اسلام	وگر دریا شهاب الدین شد علم
تاریخ وفات میرزا الله چشتی که در سال مشقده و پنجاه و نه بود	
دست خدا میرزا الله	سرور دین راه بر راه حق
رفت چو گو مرد خدا رحلتش	نیز به الله شهباه حق
تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک بود	
چو نور الدین بعد انوار و سراج	سوزش بعد بر دوس
نگو تاریخ او شمس الهدایت	وگر قطب الهدایه نور سراج
ز محمد و ماکمل رحلتش جو	و باره ابر رحمت کن هویدا
محب دوو الجلال ابد وصال	وگر سرست کامل گشت پیدا
تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه بود	
جای اعلیٰ سجد عالی قیامت	چون شه مقتدر علاء الدین
ست دیدار خلد تاریخیست	هم دلی علاء الدین
تاریخ وفات شیخ کبیر حقی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و شش بود	
چو برفت در خلد اکبر مقام	کبیر آن شه و سیر بر ناو سیر
وصالش شده بحر رحمت روا	وگر قبله اهل جنت کبیر
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و پنجاه و دو و وفاتش در سال مشقده و پنجاه و شش بود	
دلی مفتاح دین مادی ابو الفتح	که ذاتش بر سیر راه صواب است
دلی بین ثواب الفتح سرور	بی تاریخ تو زیدش خطاب است
ز بحر استخاش باقی غیب	بگفتا نور حق نیت حاج باب است
تاریخ وفات شیخ عارف حقی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه بود	
تقریب معرفت اندر جهان قیامت	چو عارف شیخ عارف واقف حق
بجو مجذوب حق سالش دو بار	ز قطب الحق معکے عارف حق

تاریخ وفات فاضل شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و پنجاه و هفت بود  
 چو باوج جهان شد بر تو فلک  
 وصالش کن تو تو قیر اسلام  
 تاریخ وفات میرزا الله چشتی که در سال مشقده و پنجاه و نه بود  
 دست خدا میرزا الله  
 رفت چو گو مرد خدا رحلتش  
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک بود  
 چو نور الدین بعد انوار و سراج  
 نگو تاریخ او شمس الهدایت  
 ز محمد و ماکمل رحلتش جو  
 محب دوو الجلال ابد وصال  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه بود  
 جای اعلیٰ سجد عالی قیامت  
 ست دیدار خلد تاریخیست  
 تاریخ وفات شیخ کبیر حقی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 چو برفت در خلد اکبر مقام  
 وصالش شده بحر رحمت روا  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و پنجاه و دو و وفاتش در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 دلی مفتاح دین مادی ابو الفتح  
 دلی بین ثواب الفتح سرور  
 ز بحر استخاش باقی غیب  
 تاریخ وفات شیخ عارف حقی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه بود  
 تقریب معرفت اندر جهان قیامت  
 بجو مجذوب حق سالش دو بار

۵۶  
 تاریخ وفات

این عید الدین صوفی نامی است که در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 تاریخ وفات فاضل شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و پنجاه و هفت بود  
 چو باوج جهان شد بر تو فلک  
 وصالش کن تو تو قیر اسلام  
 تاریخ وفات میرزا الله چشتی که در سال مشقده و پنجاه و نه بود  
 دست خدا میرزا الله  
 رفت چو گو مرد خدا رحلتش  
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک بود  
 چو نور الدین بعد انوار و سراج  
 نگو تاریخ او شمس الهدایت  
 ز محمد و ماکمل رحلتش جو  
 محب دوو الجلال ابد وصال  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه بود  
 جای اعلیٰ سجد عالی قیامت  
 ست دیدار خلد تاریخیست  
 تاریخ وفات شیخ کبیر حقی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 چو برفت در خلد اکبر مقام  
 وصالش شده بحر رحمت روا  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و پنجاه و دو و وفاتش در سال مشقده و پنجاه و شش بود  
 دلی مفتاح دین مادی ابو الفتح  
 دلی بین ثواب الفتح سرور  
 ز بحر استخاش باقی غیب  
 تاریخ وفات شیخ عارف حقی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه بود  
 تقریب معرفت اندر جهان قیامت  
 بجو مجذوب حق سالش دو بار

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح عیسیٰ قریشی کالیوسی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام  
 ابو الفتح باب جنّت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ماوسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش ستم از دل  
 بگفتا میردین ماوسی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح عیسیٰ قریشی کالیوسی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام  
 ابو الفتح باب جنّت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ماوسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش ستم از دل  
 بگفتا میردین ماوسی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح عیسیٰ قریشی کالیوسی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	ابو الفتح باب جنّت شد مشرف	جو آن اهل یقین ماوسی ابو الفتح	جو سال انتقالش ستم از دل	بگفتا میردین ماوسی ابو الفتح
تاریخ وفات شیخ سید احمدی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چو شد یکبار لغز و وس	جناب صاحب لغزید بسیار	تو از سر حد اوصلش بگو نیز	ز کمال صاحب التوحید بسیار
تاریخ وفات شیخ محمد السورشی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چو سکن یافت اندر قصر محمود	محمد شاه دین مقبول احمد	وصالش کن بیان محمد و مسمود	وصال آن شه حق بن برآمد
تاریخ وفات شیخ سید محمد الدین طاهر که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چو شمس الدین بخت شد شاد	وصال پاک آن خورشید افراشته	و بار ابله که شد شمع عشق	و بار ابله که شد شمع عشق
تاریخ وفات شیخ سید جلال الدین که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چو شد جلال در جنّت	شیخ والا جلال عالمی جاه	و سال حقی جلال شاهنشاه	و سال حقی جلال شاهنشاه
تاریخ وفات شیخ کاوشینی لاهوری که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	حکومت یافت در اقلیم فردک	چو شاهنشاه والا جاه کاکو	و بار اشاه اکبر شاه کاکو	و بار اشاه اکبر شاه کاکو
تاریخ وفات شیخ سید حسام الدین مانگ پوری که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چون جیام از دهر در جنّت مقام	کر دسال وصل این اهل یقین	و دی مشکلات مطلوب دین	و دی مشکلات مطلوب دین
تاریخ وفات شیخ سید احمد الدین خیر آبادی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام	چو جواد سعادت از دنیا	سعد دین سعد و سعید امین	کاشف حق سعد سعید الدین	کاشف حق سعد سعید الدین

تاریخ وفات شیخ سید احمدی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام  
 ابو الفتح باب جنّت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ماوسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش ستم از دل  
 بگفتا میردین ماوسی ابو الفتح

تاریخ وفات شیخ سید احمدی که در سال مشقده و هشتاد و دو بود و قوام  
 ابو الفتح باب جنّت شد مشرف  
 جو آن اهل یقین ماوسی ابو الفتح  
 جو سال انتقالش ستم از دل  
 بگفتا میردین ماوسی ابو الفتح

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی چشتی کہ در سال ہنصد و نو و یک ہجری قمری

رفت در جنت بزم احمد	چون محمد شیر دین بود و شہنشاہ
رعلتش فیاض گویا و دیگر جوان	سید آل محمد دستگیر
باز سیر ستم کاہل بگو	سال وصل آن شہ برناویر
بزم جنتاب ستم جلوہ گر	گشت در تاریخ آن سیر و فقیر
تاریخ وفات شیخ بنید حصاری کہ در سال ہنصد و ہجری الاقدس ہجری قمری	
کہ چون در جنت الاسل علی تمام	شیخ عالم عالم و عیال جلیل
خاص دہر آمد وصال پاک او	نیز کامل خواجہ و اصل جلیل
تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہنصد و یک ہجری قمری	
یافت چون نور حسن در جنت	مرد محسن حسین نور العین
خارف شفی است تاریخش	ہم نیرا امام خاص حسین
تاریخ وفات راجی حامد شاہ چشتی کہ در سال ہنصد و یک ہجری قمری	
شد جو راج فخر جنت خلد	حامد ذات احمدی دولی
یار محمد و مگو و صالاش نیز	قطب دین حامد خداوست
تاریخ وفات شیخ حسن طابری کہ در سال ہنصد و نہ ہجری قمری	
داد چون در بہشت جلوہ جن	احسن و حسن و حسن مرحوم
ہر دو تاریخ رعلتش سرور	زیب فیض قطب حق محمد و م
تاریخ وفات شیخ بختیار چشتی کہ در سال ہنصد و دہ ہجری قمری	
شاہ اسل بخت شیخ بختیار	چون بہ بخت خوش بخت یاقب
بہر فیض است سال وصل او	نیز یار حق و مکتد
فصل و شیخ و خیر اسل دین گو	باز در ویش فقیر ای با صفا
تاریخ وفات شیخ احمد مجد و شیشانی کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمری	
رفت چون احمد بزم احمد	سال وصل آن شہ روی میر
بہشت محبوب ہی بیکر حلال	بار دیگر جوز احمد حیدر دین
تاریخ وفات شیخ عبد اللہ و س لنگوی کہ در سال ہنصد و چہل و نہ ہجری قمری	

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی چشتی کہ در سال ہنصد و نو و یک ہجری قمری

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی چشتی کہ در سال ہنصد و نو و یک ہجری قمری

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی چشتی کہ در سال ہنصد و نو و یک ہجری قمری









[illegible]

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر یانی تپی که در سال هجری ۹۰۰ در بوقوع آمد	شیخ عثمان پیر عالم گیر حجت
یافت چون در روضه جنت مکان	رحلتش کن حسان عثمان کبیر
باز قطب الواصلین عثمان بنحو	تاریخ وفات شیخ نظام نار توی که در سال هجری ۹۰۰ در بوقوع آمد
بالمقام حق مکان در باب جنت	نظام الدین جو از دنیا می رفت
محب اولیا صواب جنت	حسان شد شیخ بهرام رحلتش نیز
تاریخ وفات شیخ شهید کارونی حبشی که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد	لذت وصل خدا و رعایت
منته پیر با حجب شیرین کلام	حسب فیاض همایون رحلتش
هم بنحو الاقدار شیرین کلام	تاریخ وفات شیخ عبدالقادر سی سلطان پوری که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد
رحلت آن عابد دور زمان	از باده یافت حجت
بار دیگر آفتاب عاشقان	آفتاب فقر عبده الله کو
تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد	اختیار الدین جو با صفا اختیار
گشت خود مختار در حلد برین	پیر سال انتقال آن جناب
گفت سرور اعظم و شیخ عزیز	تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حبشی که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد
باجلال و کمال شد بجهان	چون جلال آن ولی اهل جلال
باز شفاق حق جلال بنحو	ست شیخ زمانه تاریک نشین
تاریخ وفات خواجہ حاجی اوئیس و توی قصوری که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد	قبله اهل جنان شد از حسان
شیخ حاجی کعبه اهل یقین	شیخ نور عارف رقم کن سال او
بار دیگر شیخ حاجی پاک بین	تاریخ وفات شیخ نظام الدین بک حبشی که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد
باب جنت برور و اشک کشت باز	چون نظام الدین زوار دهریت
استخاش هم نظام پاک باز	وان حضوری افضل اطاب نیز
تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله حبشی که در سال کیمزار دسه بوقوع آمد	

یسخ وفات شیخ عثمان زنده پیرانی تی که در سال هجده و نود و دو قمر	یسخ عثمان پیر عالم گیر حجت	یافت چون در در و ضیعت مکه
یسخ وفات شیخ نظام نار قوی که در سال هجده و نود و دو قمر	یسخ کن حسان عثمان	یاز قطب الواسطین عثمان بنون
یسخ وفات شیخ محمد کاکر و فی حجتی که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ نظام الدین جو از دیناچی و ن	یاطیف حق مکان در باب حجت
یسخ وفات شیخ عبدالقادر نصاری سلطان پوری که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ فیاض بنماون رحلتش	یحب اولیا صیاب حجت
یسخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ وفات یافت شیخ عبدالقادر	یرحلت آن عابد و دور زمان
یسخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حجتی که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ اختیار جو با صد اختیار	یگشت خود مختار در خلد برین
یسخ وفات شیخ ابراهیم حاجی اوین و قوزی قصوری که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ انتمال آن جناب	یگفت بهر و اعظم و شیخ این
یسخ وفات شیخ نظام الدین بکلی حجتی که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ جلال آن ولی ابل جمال	یاجلال و کمال شد بجمان
یسخ وفات شیخ محمد بن فضل الدین که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ ابراهیم بن حارث رقم کن سال او	یاز مشتاق حق جمال بنون
یسخ وفات شیخ محمد بن فضل الدین که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ نظام الدین زور و در وقت	یاب حجت بر و اشک گشت باز
یسخ وفات شیخ محمد بن فضل الدین که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ ان حضور فی افضل اطاب نیز	یاستمالش هم نظام پاک با
یسخ وفات شیخ محمد بن فضل الدین که در سال یک هزار و دوه و نود و دو قمر	یسخ وفات یافت شیخ عبدالقادر	یگشت خود مختار در خلد برین





کلمات خاص  
 و بیام نهانی هوری و  
 معنی بود و قول عظیم  
 هزار بار میدان و نهانی  
 دور در از وقت عظیم  
 خوارق و سبب کتب  
 اشعار ابد از قلم  
 شاه ابو الحسین  
 شاه به عظیم  
 چینی است و در  
 مشرفند و بی  
 دلت بود و بی  
 مریدان و بی  
 بیگانه و بی  
 بیگانه و بی

جو از حکم قضاگر دید آن سر	بافج خلد روشن مثل میبیکه
گفتا دل بسا لش مفتی اشترع	خرد فرمود تاج فقر شیهه
تاریخ وفات سید عشق الله شیش جالدهری که در سال کهنزار و یکصد و دیک بود	و لکه جهان سریران عشق
ز دنیا بیرون چون بفرودش	دوباره گو میر میران عشق
شهنشاه عشق است تاریخ او	تاریخ وفات شیخ بچی هنی حیتی که در سال کهنزار و یکصد و چهل و یک بود
باز شیخ زنده دل شب زنده د	گشت چون زنده نجات النعم
کن رقم عاشق سخن تاریخ او	نیز سخن جسته سقیم
تاریخ وفات شیخ کلیم الله جهان آبادی که در سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود	کلیم الله محبوب کن ترانه
سجرت یافت از حق جلوه حق	و گر عرفان دین موسی ثانی
گو موسی ثانی کاشفین	تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی در سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود
تاریخ وفات نظام الدین اورنگ آبادی در سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود	نظام دین و دنیا شیخ محبوب
بنظم خلدش منظم آخر	و گر فرات نظام دین مطلوب
وصال او ز شیخ العالمین جو	تاریخ وفات شیخ الله حیتی که در سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود
تاریخ وفات شیخ الله حیتی که در سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود	بعد فوت خود تقرب حق و حصول
شد خولطف الله با لطاف اله	بار دیگر کن بیان فیض رسول
کن رقم اسهل نظر تاریخ او	تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین مخز جهان دهلوی که ولادتش در
تاریخ ولادت و وفات مولانا فخر الدین مخز جهان دهلوی که ولادتش در	سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود
سال کهنزار و یکصد و چهل و دو بود	فخر دین مخز جهان با فخرتار
فخر دین مخز جهان با فخرتار	گشت فخر الدین علامه عیان
گشت فخر الدین علامه عیان	طرفه سال انتقال آنجناب
طرفه سال انتقال آنجناب	تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جاندهری که ولادتش در سال کهنزار
تاریخ ولادت و وفات سید علیم الله جاندهری که ولادتش در سال کهنزار	یکصد و نه و وفات در سنه کهنزار و دوهصد و دوهجری بود
یکصد و نه و وفات در سنه کهنزار و دوهصد و دوهجری بود	حضرت سید علیم الله پیر
حضرت سید علیم الله پیر	شیخ حق آگاه محبوب الانام

[illegible]



[illegible]

[illegible]







و قضاى بيمه  
از سادات نظام  
محبين محمد النجاشى  
و نامى در

رحلتش محمد دوم صاحب کن قمر	هم بنحو ان محمد دوم نامی همچنان
شاه الاشان جهان الدین امام باهنه	انکه شد روشن بنام باکمال لغت
بهت محمد دوم ازل تولد سال طغر	گویند والدین امام باکمال لغت
تاریخ وفات شیخ علاء الدین عطار تجاری که در سال شصت و دو بود	سجبت رفت زین مهر ای بهار
چو از دنیا علاء الدین عالمی	ز نور دین علاء الدین عطار
عجب تاریخ و صلش جمله گر شد	عیان شد پیر و شندل بکار
و گر محمد دوم دوازده سالش	چو خواست رحلت آن شاه ابرار
زیر عقل قطب خاص بدست	چو خست از دل وصالش سر و زار
زمانه کشف شد کشف عرفان	رفت شد رحلت آن پیر حق یار
و گر باره و سه است محمد دوم	تاریخ وفات میر سید کمال که در سال شصت و سه بود
شد سجبت خون غنچه مثل عمر	روح او با وصل حق موصول شد
رحلتش محمد دوم اقطاب است	هم امیر دین محمد مقبول شد
تاریخ وفات خواجه شاه میر سید کمال که در سال شصت و چهار بود	سرور عشاق امجد شاه میر
نور جنت شد چو باغ و قمار	زنده آفاق امجد شاه میر
گفت تاریخ وصال او خرد	تاریخ وفات خواجه عارف دیک که زانی که در سال شصت و پنج بود
نور عرفان جمله و الا یافت	عارف متقی شه جنت
عارف جنت است تاریخش	هم بفرما و سه شه جنت
تاریخ وفات میر ربان بن میر کمال که در سال شصت و پنج بود	نور عرفان جنت
میر ربان صاحب ربان بود	شد سجبت سال و صلش ای میر
میر ربان پیر دین طیب بود	نیز ربان میر ربان نامور
تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کمال که در سال شصت و شش بود	یافت عزت با غنچه و وقار
میر حمزه سید سادات دیر	

[illegible]





[illegible]









[illegible][illegible]

در این کتاب  
تاریخ و وفات  
شیخ محمد اسماعیل  
غوری که در سال  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن

در این کتاب  
تاریخ و وفات  
شیخ محمد اسماعیل  
غوری که در سال  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن

۱۱۰۴	بسم شهنشاه و لایست شد عیان	سال وصل آن شهر دشمن جنمیر
۱۱۰۴	تاریخ وفات شیخ محمد اسماعیل غوری مجد دی که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	چونکه معصوم و بهر اسماعیل
۱۱۱۱	پاک فت از جهان بحد برین	نیز محمد دوم و بهر اسماعیل
۱۱۱۱	رحمتش هست عارف سرت	تاریخ وفات حافظه عبد الغفور سیاه وری که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود
۱۱۱۶	شیخ عبد الغفور حافط دین	چون فد اگر د جان بنام اله
۱۱۱۶	حافط و اصل است تار بخش	هم بخوان حافط کلام اله
۱۱۱۶	تاریخ وفات خواجه احمد سیوه نقشبندی که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	بهر تاریخ آن شهر اله
۱۱۱۶	شیخ احمد جوهر و احمد رفت	فاضل علم احمدی فرما
۱۱۱۶	کهن شهنشاه محبت سحر	تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود
۱۱۱۶	تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	شیخ محمد مراد و عشاق با مراد
۱۱۱۶	رحمت سفره سبب دوزن و او دین بحد	گفتا دگر که طالب مشتاق با مراد
۱۱۱۶	تاریخ و وفات سید نور محمد بدایونی که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	چراغ سنج تن نور محمد
۱۱۳۵	چو در خلد معصی جلوه گر شد	ز محمد دوم زمین نور محمد
۱۱۳۵	تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجد دی که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	قطعه ناسی
۱۱۳۵	چون بصد صدق از جهان بحد رفت	زیر ارشش ماه مستور
۱۱۳۵	است اهل دین که بهر اسل غلق	محمد تون گنج نور بر نور
۱۱۳۵	تاریخ وفات شیخ عبد الله محمد مجد دی که در سال کهنزار و یکصد و هشتاد و دو بود	ارشش طرفه با صدق و صفا
۱۱۳۵	با جدیوست از د ارفنا	نیز اهل فضل قطب الاولیا
۱۱۳۵	مست شیخ العالمین تاریخ او	فرودین عبد الله نور علی
۱۱۳۵		هم بخوان شیخ کبیر ای متقه

در این کتاب  
تاریخ و وفات  
شیخ محمد اسماعیل  
غوری که در سال  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن  
۱۱۰۴ در سن

باز شد پیدار دل سال وصال	مقتدا عبد الاحد میگاوای
تاریخ وفات خواجہ محمد افضل مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و دو بود تو	
فاضل و افضل و لے اہل فضل	فاضل جنت چونکہ از حق یافت نعمت
عقل افضل و اصل حق سال او	آفتاب حسن عالم تاب گفت
تاریخ وفات حافظ محمد محسن مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و دو بود تو	
محسن دین حسن الاخلاق پیر	یافت از حق چونکہ شہنشاہ
وصل او حافظ محب حق بود	نیز حافظ محسن اہل ارشاد
بد رعیت عاشق سخنو ان سالش نگر	شاہ شہناز است تاریخ وصال
تاریخ وفات حافظ محمد اسد مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو	
باسادات چونکہ سعد اللہ رفت	در مقام اسعد خیلد برین
ارشاد او سرور شد عیان	حافظ پاکیزہ دل بادی دین
ساکت شہناز سعد اللہ گو	سال تیرتیش بسعد صدق نشین
سرور حافظ عجیب عالم است	باز وصل پاک آن خلوت نشین
تاریخ وفات خواجہ محمد پیر و ہونوی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو	
روح پاک خواجہ والا نور	رفت چون از قرین بر جنت برین
سبب شہادت الاقطاب زمان	سال وصل آن اہل ایمان
شد عیان از نقش دل تاریخ او	نقشبند پاک انقش یقین
نیز شمس المعارضین کامل زہیر	ظاہر آمد ارشاد آن امین
تاریخ ولادت و وفات خواجہ نور الدین محمد آفتاب شہسوی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو	
نور دین آفتاب نور دین	بود محض سر عزت و جاہ
آفتاب آفتاب حسن گو	سال تولد آن شریا جاہ
شیخ معصوم و محضر افضل	سن ترحیل او بحسرت و اند
تاریخ وفات شیخ محمد غلام مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو	
غلام دین عبد حق خیر العباد	از عبادت یافت چون ملکات م

در این کتاب مذکور است  
 تاریخ وفات خواجہ محمد افضل مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و دو بود تو  
 تاریخ وفات حافظ محمد محسن مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و دو بود تو  
 تاریخ وفات حافظ محمد اسد مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو  
 تاریخ وفات خواجہ محمد پیر و ہونوی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو  
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ نور الدین محمد آفتاب شہسوی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو  
 تاریخ وفات شیخ محمد غلام مجددی کہ در سال یکہزار و یکصد و پنجاہ و دو بود تو



شیخ ملا گاه شاه و الاجاه ماشق خاص کن رقم سرور مہت تاریخ رحلت پاکش	حاکم دین زمانہ ناما ہے سال تولد او اگر خواہے زادہ منہ شاہ در گاہے
تاریخ وفات شیخ صفی الدین المشہور صفی القدر کہ در سال کبیرار دود و دوشین شش تو	صفی با صفا محبوب ہوئے نیشخ اصفا محبوب ہوئے
تاریخ ولادت و وفات شاہ عبداللہ المشہور رسید غلام علی دہلوی مجدد کہ ولادتش در سال کبیرار و یکصد و پنجاہ و ہشت و وفاتش کبیرار دود و دوشین شش تو	امام دو عالم علیؑ کے تبارخ تولد آن متے و گرافات شہادت کے
تاریخ وفات مولانا خالد مجددی کہ در سال کبیرار دود و دوشین شش تو	چو خاکہ جاذب و محبوب ہوئے سبحان تاریخ حق آن مطلوب ہوئے ز خالد بختے محبوب ہوئے
تاریخ ولادت و وفات خواجہ ابوسعید مجددی کہ ولادتش در سال کبیرار و یکصد و نو و شش و وفات در سنہ کبیرار دود و دوشین شش تو	چشم عالم آنکہ مثل او ندید نیز شہ منظور سے گفت و شنید مادی حق پر آید بدید ہم سے شیخ والا ابوسعید
تاریخ وفات شاہ رؤف المتخص صفت کہ در سال کبیرار دود و دوشین شش تو	یافت درو ار القرار آخر قرار سال وصل آن شہ والا تبار باز جو سالش زرافت شہسوار
شاہ یافت صاحب یافت رؤف شہ عیان یافت حبیب متے نیز یافت عاشق نامی بخوان	

شیخ و درگاه شاه و الیاه	حاکم دین زمانه نام است
ماشق خاص کن رقم سرور	سال تولد او اگر خواست
مهرت تاریخ رحلت پاکش	ز ابره مند شاه درگاه است
تاریخ وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال کبیر از دودوشی شش تو	
می صافی بجنبت کرد چون نوش	صفی با صفا محبوب بوسه
مصفا تر وصالش جلوه گر شد	ز شیخ اصفا محبوب بوسه
تاریخ ولادت و وفات شاه عبداللہ المشہور سید غلام علی دہلوی مجید	
که ولادتش در سال کبیر و یکصد پنجاه و ہشت وفات ویکہ کبیر از دودوشی شش تو	
شہید و رہبر دوجہان	امام دوعالم علی قسے
شہد روشن از غلام لوحش	بتاریخ تولد آن متقی
وصالش غلام سیکہ ہدی است	در آفتاب ترکات سیکہ
تاریخ وفات مولانا خالد مجید دی که در سال کبیر از دودوشی شش تو	
بطیف حق محبت گشت در خلہ	چو خالکہ جاذب و مجذوب بوسه
ولی منظور و منظور است	سبحان تاریخ حق آن مطلوب بوسه
دوبارہ کبیر سال ارتحالش	ز خالہ جغتے محبوب بوسه
تاریخ ولادت و وفات خواجہ ابوسعید مجید دی که ولادتش در سال کبیر	
و یکصد و نو دہشت و وفات در سنہ کبیر از دودوشی شش تو	
ابوسعید آن سعد و اسعد کنکرات	حشمر عالم آنکے شغل او نہ بد
شد عیان تولد پاکش شاہ فقیر	نیز شہد منظور ربے گفت و شنید
رحلتش مجید و م نعمت از خرد	ما دی حق سیر ۲ بد بد بد
سین رفیق فیض گفتہ سال او	ہم سیکہ شیخ و الیہ سعید
تاریخ وفات شاہ رؤف المتخاص	رافت کہ در سال کبیر از دودوشی شش تو
شاہ را فت صاحب فت رؤف	یافت در و ار التقرار آخر قرار
شد عیان فت حبیب متقی	سال وصل آن شہد و الیہ تبار
نیز را فت عاشق نامی سنجوان	باز جو سالش ز را فت شہبوا

سنة ١٢٤٠

[illegible]

سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۱۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۲۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۳۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۴۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۵۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۶۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۷۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۸۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۹۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً  
 ۱۰۔ سادہ لکھنے کے لیے  
 کچھ ایسے نوٹ لکھیں  
 جو دیکھ کر آپ کو یاد  
 آجائے۔ مثلاً







فہرست







تاریخ وفات سید علم الدین پلانی که در سال شصت و هشت به قتل آمد	
رفت از عالم جو با عسل و عسل	علم الدین آن عالم و عامل و عالم
تاج ابرار است تاریخ و تاریخ	عالم اسیر از عالم است
تاریخ وفات شیخ بکر الدین سماعیل هرودی که در سال شصت و نهم به قتل آمد	
جلوه و بوسه جو اندر خلعت یافت	مصر عالم ماه دین اکبر کبر
پادشاه القبا گو و خلعتش	بار دیگر شاه دین اکبر کبر
تاریخ وفات سید صدر الدین راجن قال آچی که در سال شصت و دهم به قتل آمد	
چو صدر الدین ولی صدر دو عالم	اصغر خلعت شد چو سال اصال
رسید شاه صدر الدین محبوب	دو باره آدودین بر قتل
و گراسخو اجه فرما تو اجه پیر	سال رحلت آن شاه ذی عالم
تاریخ وفات سراج الدین هرودی که در سال شصت و سی به قتل آمد	
مسل خورشید پر تو افکن جهان	چون سراج الدین ولی ستی
مادی خیر است سال رحلتش	باز شد روشن سراج روشن
جلوه گر شد باز محمد و محم	ارتحال آن سراج الدین
تاریخ وفات سید ناصر الدین بن محمد و هم پلانیان آچی که در سال شصت و سی و یک به قتل آمد	
بصد نصرت چو شد ناصر سجت	سجده آن سال وصال آن شه دین
ز عارف ناصر دین کامل اول	و گرتب کرم ناصر الدین
چون نفع و نصرت اندر خلعت شد	ناصر الدین پاکیزه دین
گشت تاریخ وصال او عیان	شاه سید ناصر دین
تاریخ ولادت و وفات سید برهان الدین قطب العالم که ولادتش در سال شصت و نود و وفات در سنه شصت و پنجاه هجری به قتل آمد	
حضرت برهان دین برهان	قطب عالم شاه قطب الاکرم
هست تولیدش سید سید ولی	هر و کشف قطب العالمین
زنده دل محمد و محمد سید	نیز تولیدش بقول من لحن
طرفه تر تولید از معرفت	کن بیان چهار پس فانی

تاریخ وفات سید علم الدین پلانی که در سال شصت و هشت به قتل آمد  
 رفت از عالم جو با عسل و عسل  
 تاج ابرار است تاریخ و تاریخ  
 عالم اسیر از عالم است  
 تاریخ وفات شیخ بکر الدین سماعیل هرودی که در سال شصت و نهم به قتل آمد  
 جلوه و بوسه جو اندر خلعت یافت  
 مصر عالم ماه دین اکبر کبر  
 بار دیگر شاه دین اکبر کبر  
 تاریخ وفات سید صدر الدین راجن قال آچی که در سال شصت و دهم به قتل آمد  
 چو صدر الدین ولی صدر دو عالم  
 اصغر خلعت شد چو سال اصال  
 دو باره آدودین بر قتل  
 سال رحلت آن شاه ذی عالم  
 تاریخ وفات سراج الدین هرودی که در سال شصت و سی به قتل آمد  
 چو سراج الدین ولی ستی  
 باز شد روشن سراج روشن  
 ارتحال آن سراج الدین

تاریخ وفات سید ناصر الدین بن محمد و هم پلانیان آچی که در سال شصت و سی و یک به قتل آمد  
 بصد نصرت چو شد ناصر سجت  
 سجده آن سال وصال آن شه دین  
 ناصر الدین پاکیزه دین  
 شاه سید ناصر دین  
 تاریخ ولادت و وفات سید برهان الدین قطب العالم که ولادتش در سال شصت و نود و وفات در سنه شصت و پنجاه هجری به قتل آمد  
 حضرت برهان دین برهان  
 قطب عالم شاه قطب الاکرم  
 هر و کشف قطب العالمین  
 نیز تولیدش بقول من لحن  
 کن بیان چهار پس فانی

<p>بهشت سال ارشمال آنجناب باز مهدی قطب عالم مقتدا سید مهاب برهان المومنان</p>	<p>کاشف دین اهل دین برهان دین انتقال دوست از روی یقین نیز زاهد شمع حق برهان دین</p>
<p>شیخ ولادت و وفات پیدشاه عالم بخاری که ولادتش در سال هشتصد و هفتاد و وفات در سنه شصت و شش و سی بود قوم آرد</p>	<p>نصرت ای دین امیر المومنین بار دیگر شاه عالم شاه دین بهشت تولدش بعد صدق پیشین</p>
<p>شاه عالم پادشاه اهل عالم صاحب توفیق خواجه تالیف او نیز پیدشاه عالم نامدار</p>	<p>از امین البیت امام المتقین نور اهل دل امام العارفین بهشت وصل آن شه روی دین</p>
<p>گشت سال انتقالش ملوه گر باز شد رویش در دل سال وصال شاه عالی شان ولی الله نیز</p>	<p>رحلت آن شاه قطب الاکرمین ارشمال آن شه خلوت نشین ار شمال آن شه خلوت نشین</p>
<p>لیلیا خلق اهل دل بخون فخر گو فرخ سخنان شفقت بدین</p>	<p>تاریخ وفات شیخ عبد اللطیف داور الملک سید قریشی که در سال هشتصد و هشتاد و هشتاد و نود و وفات در سنه شصت و شش و سی بود قوم آرد</p>
<p>داور الملک آن شهید اهل عالم سال تر جیش عیان شد طرفه تر باز شد نامی شهید شسته</p>	<p>یافت چون از خلد یطعن مزید از ولی پیر امین داور شهید سن و سال ارشمال او پدید</p>
<p>تاریخ وفات شیخ سواد الدین دیوبندی که در سال هشتصد و هشتاد و هشتاد و نود و وفات در سنه شصت و شش و سی بود قوم آرد</p>	<p>که در ارض و سما بجایش و این قصا تاریخ تر جیش عیان شد دو بار و شصت عارفان یار</p>
<p>سواد الدین و سلم سهرورد چو از حکم قضا رخت سرفروخت در مهابت جنت گشت روشن</p>	<p>بر روی او کشف و از فضل حق نود سال انتقالش فصل در باب ند آید که مهابت جهان تاب</p>
<p>تاریخ وفات شیخ عبد الجلیل قطب العالم الشیرازی که در سال هشتصد و هشتاد و هشتاد و نود و وفات در سنه شصت و شش و سی بود قوم آرد</p>	<p>شاه عبد الجلیل آن قطب عالم چو در جنت فضیلت یافت انحق و در رختش از اوج افلاک</p>

قطر نامے	
جو عبد الجلیل از جهان رخت بخت یکی تاج عرفان امجد مجید	ابو سال و صلح بطریق میل در مہدی حق قلیل حبیل
تاریخ وفات قاضی نجم الدین کزانی کہ در سال ہنصد و یازدہ ہجری قمریہ گشت نجم الدین چوروش مثل باہ	در جهان از رحمت پرور و کار رحلت آن قاضی امیل و کار
جلوہ گر شد نجم دین محمد و مہرین باز سال انتقال بختاب	صاحب حیرت و فاضل در شمار
تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاہوری کہ در سال ہنصد و دو از دہ ہجری قمریہ سیر عثمان جو گشت سر بہشت	یافت از حق با وجہ عن مکان معدن جو دسمہ عثمان
تاریخ وفات سید علم الدین جونی وال کہ در سال ہنصد و شانزدہ ہجری قمریہ شد جو از عالم تبسم حق سجاد	عالم علم لیسے علم دین کاشف دین عالم علم یقین
تاریخ وفات قاضی محمود دگرانی کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمریہ چون نگلی محمود و محمود بہشت	از جهان شد حمد گویند از جهان ساکت شکست محمود دان
تاریخ وفات شیخ موسیٰ انبکہ لاہوری کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمریہ چو نور پور عرفان شیخ موسیٰ	بس تحصیل است و سعی سیرایان
تاریخ وفات شیخ موسیٰ انبکہ لاہوری کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمریہ دل سرور و صالح طرہ رحبت	شدہ در کشتن سجدہ با و دانے ز سلطان زمان موسیٰ دانے
تاریخ وفات سید حاجی عبد الوہاب دہلوی کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمریہ از جهان در روضہ بہشت رسید	ما شبے حرمین واسلے بہا کن ر قم سال و صالح سرور
تاریخ وفات شیخ جمال التملک بجالی سہروردی کہ در سال ہنصد و بہشت ہجری قمریہ باز گو تا رخ و صلح آفتاب	میشو آجائے و سلسلے بہشت





شاه شهاب الدین سید جمال الدین لاہوری کے دربار میں جو کچھ ہوا وہ یہ ہے کہ  
 یہ شہزادہ تھا جس کا نام شہزادہ شمس الدین تھا۔ اس کا والد شہزادہ شہاب الدین تھا۔  
 شہزادہ شہاب الدین نے اپنے والد کے بعد حکومت سنبھالی۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔  
 اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔

سید پاک بحیرہ خاں نے سید دین پیر روشن دل طرفہ تارخ انتقال او	تاریخ وفات سید جمال الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ چون جمال الدین جلالت غلہ بہشت خواجہ کشف و عاشق مقصد بہشت
تاریخ وفات سید عماد الملک لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ ستون روضہ خلد برین شد تاریخ وفات شہزادانی قادیانی سہروردی کہ در سال کبیر از دشتار دہ	تاریخ وفات سید جمال الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ یافتم از ان وصال زودانی کن رقم سرور اچو تنوانی نیز عاشق کرم ارر آئے
تاریخ وفات سید شہاب الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ ر دنیا چوسوی لب رخت بہت ز بابت قدم ارشادش بجز	تاریخ وفات سید شہاب الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ یافتم از ان وصال زودانی کن رقم سرور اچو تنوانی نیز عاشق کرم ارر آئے
تاریخ وفات سید جمال الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ سن جاویدی جمال غلہ یافت رطش فیاض حسن کفایت ام	تاریخ وفات سید جمال الدین لاہوری کہ در سال کبیر از دشتار دہ یافتم از ان وصال زودانی کن رقم سرور اچو تنوانی نیز عاشق کرم ارر آئے

۹۵  
 شہزادہ شہاب الدین لاہوری کے دربار میں جو کچھ ہوا وہ یہ ہے کہ  
 یہ شہزادہ تھا جس کا نام شہزادہ شمس الدین تھا۔ اس کا والد شہزادہ شہاب الدین تھا۔  
 شہزادہ شہاب الدین نے اپنے والد کے بعد حکومت سنبھالی۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔  
 اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔

شہزادہ شہاب الدین لاہوری کے دربار میں جو کچھ ہوا وہ یہ ہے کہ  
 یہ شہزادہ تھا جس کا نام شہزادہ شمس الدین تھا۔ اس کا والد شہزادہ شہاب الدین تھا۔  
 شہزادہ شہاب الدین نے اپنے والد کے بعد حکومت سنبھالی۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔  
 اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔ اس کا شمار شاہی خاندان میں ہوتا ہے۔



حکایت و کتب حدیث از امام رضا علیه السلام

زور رشید عادل جنت سالش	دگر فرمود رضی الله عنه
تاریخ وفات سکندر شاه قریشی که در سال یک هزار و دوصد و چار بود قیام آمد	
چون سکندر پادشاه اهل بابه	یافت از حق دولت ایصال مفت
عقل سال ارشال آن جناب	مارت کبر سکن در شاه گفت
تاریخ وفات شیخ مراد بخش قریشی که در سال یک هزار و دوصد و پانزده بود قیام آمد	
چون مراد فایز در دیار خت بست	رفت در گلزار حنت با مراد
سال وصلش گوئی منتهی	هم بخوان شاه که امت با مراد
تاریخ وفات مفتی رحیم الله بهر روی که در سال یک هزار و دوصد و شصتی پنج بود قیام آمد	
رحیم الله چو شد مرحوم مغفور	باز در بهر سال وصل رضوان
که تاج انتقا مصهر جمال است	دگر مفتی شریع اظهر ایمان
رحیم الله فاضل رحلتش گوئی	دگر قاضی رحیم الله بر خوان
عیان آمد ز سرور چشمه فیض	عجبت تاریخ آن نعت دوران
تاریخ ولادت و وفات شیخ قلندر شاه قریشی که ولادتش سال یک هزار و دویست و شصت بود قیام آمد	
شهادت و وفات در سنه یک هزار و دوصد و چهل و شصت بود قیام آمد	
قلندر شاه شیخ بهر دو عالم	که ذاتش پیر پیر برینا و پیرت
بگو تو لید آن خورشید اجلال	دصالتش زاده صافی ضمیر است
گنج ششم در ذکر حضرات متفرقات دیگر خانواد و نامی عظام تفرقه قدس الله سرهم	
تاریخ وفات خواجہ اویس قرنی که در سال سی و دو و یاسی نعت یابی نه بود قیام آمد	
آن اویسی بی شیم زنان محبوبت	سروستان ولایت نوگل باغ پیر
یشود از دل قبول مختلف سالش عیان	اصل کرامت از زمین رفت محبوب زهر
تاریخ وفات حضرت ابهر بره رضی الله عنه که در سال سی و هفت یا سی و هشت بود قیام آمد	
بوهر بره و لے دین عالی	بود از اصحاب حضرت بنو
از جہان چون که رحلتش فرمود	سال نیجاہ و هفت هجری بود
نیز نیجاہ نه بیان کردند	آنکه تر حیل او عیان کردند
سال تر حیل وے چو دریافت	طرفه تر صبا ۱۰ احد گفتیم

فرمودند که در سنه ۱۱۱۱  
 سال یک هزار و دویست و شصت  
 در سنه ۱۱۱۲  
 در سنه ۱۱۱۳  
 در سنه ۱۱۱۴  
 در سنه ۱۱۱۵  
 در سنه ۱۱۱۶  
 در سنه ۱۱۱۷  
 در سنه ۱۱۱۸  
 در سنه ۱۱۱۹  
 در سنه ۱۱۲۰  
 در سنه ۱۱۲۱  
 در سنه ۱۱۲۲  
 در سنه ۱۱۲۳  
 در سنه ۱۱۲۴  
 در سنه ۱۱۲۵  
 در سنه ۱۱۲۶  
 در سنه ۱۱۲۷  
 در سنه ۱۱۲۸  
 در سنه ۱۱۲۹  
 در سنه ۱۱۳۰  
 در سنه ۱۱۳۱  
 در سنه ۱۱۳۲  
 در سنه ۱۱۳۳  
 در سنه ۱۱۳۴  
 در سنه ۱۱۳۵  
 در سنه ۱۱۳۶  
 در سنه ۱۱۳۷  
 در سنه ۱۱۳۸  
 در سنه ۱۱۳۹  
 در سنه ۱۱۴۰  
 در سنه ۱۱۴۱  
 در سنه ۱۱۴۲  
 در سنه ۱۱۴۳  
 در سنه ۱۱۴۴  
 در سنه ۱۱۴۵  
 در سنه ۱۱۴۶  
 در سنه ۱۱۴۷  
 در سنه ۱۱۴۸  
 در سنه ۱۱۴۹  
 در سنه ۱۱۵۰  
 در سنه ۱۱۵۱  
 در سنه ۱۱۵۲  
 در سنه ۱۱۵۳  
 در سنه ۱۱۵۴  
 در سنه ۱۱۵۵  
 در سنه ۱۱۵۶  
 در سنه ۱۱۵۷  
 در سنه ۱۱۵۸  
 در سنه ۱۱۵۹  
 در سنه ۱۱۶۰  
 در سنه ۱۱۶۱  
 در سنه ۱۱۶۲  
 در سنه ۱۱۶۳  
 در سنه ۱۱۶۴  
 در سنه ۱۱۶۵  
 در سنه ۱۱۶۶  
 در سنه ۱۱۶۷  
 در سنه ۱۱۶۸  
 در سنه ۱۱۶۹  
 در سنه ۱۱۷۰  
 در سنه ۱۱۷۱  
 در سنه ۱۱۷۲  
 در سنه ۱۱۷۳  
 در سنه ۱۱۷۴  
 در سنه ۱۱۷۵  
 در سنه ۱۱۷۶  
 در سنه ۱۱۷۷  
 در سنه ۱۱۷۸  
 در سنه ۱۱۷۹  
 در سنه ۱۱۸۰  
 در سنه ۱۱۸۱  
 در سنه ۱۱۸۲  
 در سنه ۱۱۸۳  
 در سنه ۱۱۸۴  
 در سنه ۱۱۸۵  
 در سنه ۱۱۸۶  
 در سنه ۱۱۸۷  
 در سنه ۱۱۸۸  
 در سنه ۱۱۸۹  
 در سنه ۱۱۹۰  
 در سنه ۱۱۹۱  
 در سنه ۱۱۹۲  
 در سنه ۱۱۹۳  
 در سنه ۱۱۹۴  
 در سنه ۱۱۹۵  
 در سنه ۱۱۹۶  
 در سنه ۱۱۹۷  
 در سنه ۱۱۹۸  
 در سنه ۱۱۹۹  
 در سنه ۱۲۰۰



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

این محبت خداجیب بنی  
زود و در عالم کمال  
از غایت کمال و در عالم کمال  
نخستین و در عالم کمال  
وقت رسالت و در عالم کمال  
نخستین و در عالم کمال  
نخستین و در عالم کمال  
نخستین و در عالم کمال

۹۹

شکستنی و در عالم کمال  
حاصل کرده و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال  
شکستنی و در عالم کمال

هم با تو ای اهل بوش باز سال ارتحال آسجانب	لفظ عالمیه تاریخش بدان شد محبت کامل از سر و بیان
قطعه ناسی	
آن محبت خداجیب بنی گفت سرور حبیب حسن گو عابد و پیش فانی و مصباح است احسان کفیل تاریخش	رفت چون از جهان با غم جان سال ترخیل آن امام زمان عالم و لائق و امام جهان پس ولی نه حسین و هم سار
رفت مثل گل جو در باغ شربت هر دو سال نوشل آن عالی جناب باز محبوب الان محبتی بگوید اهل لطف و نیز گو اهل فلاح	تاریخ وفات حضرت صفیان توری که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود حضرت توری و سکه و دوجا کعبه دین مادی عالم بخوان همگر مدتی اهل الله دان والی حق کن و دوباره ترجمان
جو آن شاه زمان داد و نمود بزرگش گو سلطان داد و	تاریخ وفات شیخ داد و طای که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود بخت یافت از دنیا رسانی دوباره زین حق داد و طای
شیخ نامی عتبه بن الفدا م سال ترخیش گو عالی جناب	تاریخ وفات امام عتبه بن الفدا م که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود آخرش در غم والا یافت هم امین الله خوان با صد خدا
از عبادت جو یافت خلد برین وصل او قطب اهل دل گفتم	تاریخ وفات امام عتبه بن الفدا م که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود آن امام محبت عتبه الله نیز از حبیب عتبه الله
رفت چون این حکم از دار تو سال ترخیش خمد کمال است	تاریخ وفات شیخ محمد سماک که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود شد جو گنج باک بشش ز رخاک بار دیگر طالب مادی سماک
تاریخ شهادت خواجه شعیق که در سال یکصد و شصت و یک یکصد و پنجاه و پنج بود	



[illegible]





۱۹۸۰	۱۹۸۱
۱۹۸۲	۱۹۸۳
۱۹۸۴	۱۹۸۵
۱۹۸۶	۱۹۸۷
۱۹۸۸	۱۹۸۹
۱۹۹۰	۱۹۹۱
۱۹۹۲	۱۹۹۳
۱۹۹۴	۱۹۹۵
۱۹۹۶	۱۹۹۷
۱۹۹۸	۱۹۹۹
۲۰۰۰	۲۰۰۱
۲۰۰۲	۲۰۰۳
۲۰۰۴	۲۰۰۵
۲۰۰۶	۲۰۰۷
۲۰۰۸	۲۰۰۹
۲۰۱۰	۲۰۱۱
۲۰۱۲	۲۰۱۳
۲۰۱۴	۲۰۱۵
۲۰۱۶	۲۰۱۷
۲۰۱۸	۲۰۱۹
۲۰۲۰	۲۰۲۱
۲۰۲۲	۲۰۲۳
۲۰۲۴	۲۰۲۵
۲۰۲۶	۲۰۲۷
۲۰۲۸	۲۰۲۹
۲۰۳۰	۲۰۳۱
۲۰۳۲	۲۰۳۳
۲۰۳۴	۲۰۳۵
۲۰۳۶	۲۰۳۷
۲۰۳۸	۲۰۳۹
۲۰۴۰	۲۰۴۱
۲۰۴۲	۲۰۴۳
۲۰۴۴	۲۰۴۵
۲۰۴۶	۲۰۴۷
۲۰۴۸	۲۰۴۹
۲۰۵۰	۲۰۵۱
۲۰۵۲	۲۰۵۳
۲۰۵۴	۲۰۵۵
۲۰۵۶	۲۰۵۷
۲۰۵۸	۲۰۵۹
۲۰۶۰	۲۰۶۱
۲۰۶۲	۲۰۶۳
۲۰۶۴	۲۰۶۵
۲۰۶۶	۲۰۶۷
۲۰۶۸	۲۰۶۹
۲۰۷۰	۲۰۷۱
۲۰۷۲	۲۰۷۳
۲۰۷۴	۲۰۷۵
۲۰۷۶	۲۰۷۷
۲۰۷۸	۲۰۷۹
۲۰۸۰	۲۰۸۱
۲۰۸۲	۲۰۸۳
۲۰۸۴	۲۰۸۵
۲۰۸۶	۲۰۸۷
۲۰۸۸	۲۰۸۹
۲۰۹۰	۲۰۹۱
۲۰۹۲	۲۰۹۳
۲۰۹۴	۲۰۹۵
۲۰۹۶	۲۰۹۷
۲۰۹۸	۲۰۹۹
۲۱۰۰	۲۱۰۱
۲۱۰۲	۲۱۰۳
۲۱۰۴	۲۱۰۵
۲۱۰۶	۲۱۰۷
۲۱۰۸	۲۱۰۹
۲۱۱۰	۲۱۱۱
۲۱۱۲	۲۱۱۳
۲۱۱۴	۲۱۱۵
۲۱۱۶	۲۱۱۷
۲۱۱۸	۲۱۱۹
۲۱۲۰	۲۱۲۱
۲۱۲۲	۲۱۲۳
۲۱۲۴	۲۱۲۵
۲۱۲۶	۲۱۲۷
۲۱۲۸	۲۱۲۹
۲۱۳۰	۲۱۳۱
۲۱۳۲	۲۱۳۳
۲۱۳۴	۲۱۳۵
۲۱۳۶	۲۱۳۷
۲۱۳۸	۲۱۳۹
۲۱۴۰	۲۱۴۱
۲۱۴۲	۲۱۴۳
۲۱۴۴	۲۱۴۵
۲۱۴۶	۲۱۴۷
۲۱۴۸	۲۱۴۹
۲۱۵۰	۲۱۵۱
۲۱۵۲	۲۱۵۳
۲۱۵۴	۲۱۵۵
۲۱۵۶	۲۱۵۷
۲۱۵۸	۲۱۵۹
۲۱۶۰	۲۱۶۱
۲۱۶۲	۲۱۶۳
۲۱۶۴	۲۱۶۵
۲۱۶۶	۲۱۶۷
۲۱۶۸	۲۱۶۹
۲۱۷۰	۲۱۷۱
۲۱۷۲	۲۱۷۳
۲۱۷۴	۲۱۷۵
۲۱۷۶	۲۱۷۷
۲۱۷۸	۲۱۷۹
۲۱۸۰	۲۱۸۱
۲۱۸۲	۲۱۸۳
۲۱۸۴	۲۱۸۵
۲۱۸۶	۲۱۸۷
۲۱۸۸	۲۱۸۹
۲۱۹۰	۲۱۹۱
۲۱۹۲	۲۱۹۳
۲۱۹۴	۲۱۹۵
۲۱۹۶	۲۱۹۷
۲۱۹۸	۲۱۹۹
۲۲۰۰	۲۲۰۱
۲۲۰۲	۲۲۰۳
۲۲۰۴	۲۲۰۵
۲۲۰۶	۲۲۰۷
۲۲۰۸	۲۲۰۹
۲۲۱۰	۲۲۱۱
۲۲۱۲	۲۲۱۳
۲۲۱۴	۲۲۱۵
۲۲۱۶	۲۲۱۷
۲۲۱۸	۲۲۱۹
۲۲۲۰	۲۲۲۱
۲۲۲۲	۲۲۲۳
۲۲۲۴	۲۲۲۵
۲۲۲۶	۲۲۲۷
۲۲۲۸	۲۲۲۹
۲۲۳۰	۲۲۳۱
۲۲۳۲	۲۲۳۳
۲۲۳۴	۲۲۳۵

۱) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۲) سید الشہداء کا عقیقہ  
 ۳) عکاسی کی آج کی یادگار  
 ۴) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۵) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۶) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۷) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۸) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۹) کربلا کی آج کی یادگار  
 ۱۰) کربلا کی آج کی یادگار

[illegible]

۱۰۴  
 قطع بود و ریاضت بارک و انضام  
 سال بکار زمین نهادن و آب نکرده و در پیش پایگاه  
 داشت است میرده و من از زمین بزرگ القوم  
 بعد از حق منقول انداخت نام نامی دست  
 احسن بخداست و ملک فی دینی و فی دنیا  
 از این امور آب غنی حاصل کرد و بعد از این  
 بنده نام یاد کرد و ده دانه کشت و در  
 و بعضی از بنیانی فاسد است و بعضی از  
 شون و بعضی از کشت و در بعضی از  
 عالی دارد و بعضی از کشت و در بعضی از  
 سر و در بعضی از کشت و در بعضی از  
 تحصیل کرد و در بعضی از کشت و در بعضی از  
 در بعضی از کشت و در بعضی از کشت

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



خواه والاقتدره مقرر بنان	سال تریجیل آن اباقاسم
تاریخ وفات شیخ ابوالعباس بیاری که در سال سصد و چهل و دو یا چهل و سه	چوباق وصل شد از رحمت حق
چوباق وصل شد از رحمت حق	شیخ ابوالعباس حق در آن
میطلع باری و سپه بامل	انام بملکین شد رحلت آن
ابوالعباس حق بنین رقتش گو	ابوالعباس مهدی قطب برزوان
ز قطب اعلیٰ حق جو آرتشالش	ابو قطب کبیر ای صاحبان
تاریخ وفات شیخ ابوالخیر نشانی که در سال سصد و چهل و سه یا چهل و چهار	حضرت ابوالخیر اهل خیر بر
شده بخیر از دهر در خصله برین	گوزنی محب و ربانی فعال
بار دیگر قتل اهل بملکین	تاریخ وفات شیخ ابو عمر و زجاجی که در سال سصد و چهل و شش یا چهل و هفت
چو عمر جاو دانی در خان یافت	ابو عمر و زجاجی شیخ نبابت
وصال او محب مهربان است	وگر باره ابو عمر و زجاجی
قطعه ناست	
ابو عمر و زجاجی رهبر دین	ز دنیا شد چو سومی غلدر آ
وصال او در سال سصد و چهل و شش	دو باره دوان ولی نورانی
تاریخ وفات شیخ خضر نصیر غلدری که در سال سصد و چهل و شش یا چهل و هفت	چو خضر شیخ غلدری مالک غلدر
ز دنیا رفت در خصله برین	شیخ ان میرزایان بامیر محمود
بسال رحلت آن شاه کیتا	گو امجد ملکه طالب حق
وگر باره محمده نور فرما	تاریخ وفات شیخ ابوالحسن کبیر شیخی که در سال سصد و چهل و شش یا چهل و هفت
چو ابوالحسن جون از جباران ملکت مود	وصل پر آن حسن ولی حسن جهان
کرن قسم محبوب بن حق حسن	و وصل دین بو الحسن کبیر جهان
قطعه ناست	
چون جن زمانه بو الحسن بر	از دیده غلدری و سپه رحمت
دل مهربان صال آن شه دین	محبوب بی سینه حسن گفت

نام و نام خانوادگی صاحبان  
 در این کتاب است که از فضیلت و جلال  
 و کرامت و عبادت و جلال  
 و کرامت و عبادت و جلال  
 و کرامت و عبادت و جلال  
 و کرامت و عبادت و جلال

۵۰

کتابت در ایام و اصل از بنده اوست  
 و غلدری از غلدری بنده اوست  
 و غلدری از غلدری بنده اوست  
 و غلدری از غلدری بنده اوست  
 و غلدری از غلدری بنده اوست  
 و غلدری از غلدری بنده اوست











کتابت ای از علی از ابداً بنیاد  
خدا و دود و بهتری است که بهجت است

کتاب نامی است از ابن ابراهیم  
بن اسماعیل بن سمعون و ابوالفضل  
داشت و این سمعون بنیاد بود و  
خدا و در توحید سخن بالا است

کتابی ۱۱۰

کتاب از شیخ نظام و ادیب که  
بنیاد بود و مولد و شیخ  
احمد بن صالح بن ابوالحسن بن ابی  
نصیف که در کتاب است و در کتاب  
کتاب نامی است و در کتاب است و در کتاب  
کتاب نامی است و در کتاب است و در کتاب

عارف آیز وی است تاریخش	خوان دگر بار اهل حق مقصود
قطع کرالنج	
پیرمقل خواجه مقبول پیر	یافت با اقبال در فردوس جا
رحلتش سر است عابد است	شاه عابد نیز رکن الاصف
تاریخ وفات شیخ ابراهیم بنو حنیف که در سال سصد و ششاد و ششش بود قوم آمد	
یافت بی گفت و ز حق خست	صاحب مال و قبال ابراهیم
رحلتش نو عین و منصوص است	نیز اسل کمال ابراهیم
تاریخ ولادت و وفات بو حنیف که در سال سصد و ششاد و ششش بود قوم آمد	
ولی حسن سمعون بود حکیم است	امین و مامن و نامی مامون
شیر آید ز دل تو کینه باکش	کرم شد عیان از طبع موزون
وصالش سالکستی بو حنیف است	دگر احمد و کله الله سمعون
دگر حکیم ولی و الهی جو دست	ز دل شاه عطاشد در طریقه برکن
وصالش کن رقم سمعون اهل حق	بنخوان مهدی احمد ابن سمعون
قطع نامه	
شد دین مقدای اهل اسلام	خبا باین سمعون شیخ والا
تولیدش رقم کن سیر ابراهیم	محب میر و سلطان معلی
چهارم سال تولیدش دوباره	ز دل شد طالب الهی ابراهیم
سال انتقال آن شه دین	امام المؤمنین عابد لفرما
تاریخ وفات شیخ ابوطالب محمد بن علی کی عارفی که در سال سصد و ششاد و ششش بود قوم آمد	
شیخ ابوطالب و کله مطلوب حق	شد جواز و نیابان غبته
مرد طالب اهل دین تاریخ است	بار دیگر محضر بان طالب کله
رحلتش قطب المذاهب است دگر	طالب نام محمد بن سله
تاریخ وفات شیخ ابوبکر موسی که در سال سصد و ششاد و ششش بود قوم آمد	
پیر موسی که بود شیخ جهان	داشت با ذکر و فکر مانوسه
میر موسی است سال رحلت او	باز بو کبریا و کله موسه

تاریخ

تاریخ

تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ وینوری که در سال سعید نو د وخت بود	
قیمت خود یافت چون قاسم خلد	سال وصل آن شده کون و مکان
بهت محبوب زبان غیب الصمد	نیز ابوالقاسم ولی عالی بدان
نور عالم پس سراج الطالبین	جدی محبوب وینوری بخوان
تاریخ وفات خواجه یحیی بن عمار باسر که در سال چار صد و د و بود	
یافت چون یحیی حیات دانی	در جهان تاریخ آن و الاسکان
بهت غایب نامور سبک بگو	نیز یحیی قطب رسانی بخوان
از فرید حق سبک تا رخ او	باز در الدین امین کن طراز
تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود	
محقق خدا چو شد بزمان	شیخ دقاق عاشق مشتاق
بهت تاریخ رحلت آن شاه	زاهد دین اوست دقاق
ناصر دین مطلع نور است	نیز دقاق زنده آفاق
تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چهار صد و ده بود	
چون سلامت رفت در خلد	از جهان سلمی محمد بن حسین
نیز ششم سال وصل او	هم نسخه آن سلمی
قطعه ناسی	
چو در خلد برین شد عبد الرحمن	از رحمت یافت عمر را و دین
وصالش زنده آفاق پیر	ز طبعم شد در آن سیر
تاریخ وفات شیخ ابوسعید المینی که در سال چهار صد و ده بود	
باسعادت چو شد سبک خلد	سال تاریخ آن
حق طلب قطب ابوسعید بگو	هم حسن نوشته ایست
قطعه ناسی	
یافت چون ابوسعید اسعید	باسعادت سبک خلد
رحلتش صاحب العروج بگو	نیز نبول کسر
تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن صبر بدانی که در سال چهار صد و ده بود	

تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ وینوری که در سال سعید نو د وخت بود

تاریخ وفات خواجه یحیی بن عمار باسر که در سال چار صد و د و بود

تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود

تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چهار صد و ده بود

تاریخ وفات شیخ ابوسعید المینی که در سال چهار صد و ده بود

تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن صبر بدانی که در سال چهار صد و ده بود

تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ وینوری که در سال سعید نو د وخت بود

تاریخ وفات خواجه یحیی بن عمار باسر که در سال چار صد و د و بود

تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود

تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چهار صد و ده بود

تاریخ وفات شیخ ابوسعید المینی که در سال چهار صد و ده بود

تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن صبر بدانی که در سال چهار صد و ده بود

۱۱۱



اشرف الخلق و اکرم المخلوق	قره العین حیدر کرار
سال تولد او ست مطلع نو	صاحب قدر کن دگر تکرار
ارتخاش جمال فردوس است	نیردین اهل دین ای یار
گفته ام باز بسید فردوس	طرفه تاریخ آن شه ابرار
نیز اهل جلال سر دین	گو تو صیل آن شه وندار
وصل او سید الشهدا بخون	مرد مستعد و جسم بکن اظهار
گفت تاریخ آن شه کوئین	ولی مهدی سید سرور زار
ست سالش شهید عابد مال	هم با قوال بعضی از اخبار
سیر اهل صفای دگر باره	باز در مایه کمدی ای حق یار
شد مرا قول او لیلن تصدیق	بهر تاریخ وصل آن سرور
قطعه ثانی	
خانبه سواد سالار	بیدان شهادت مرد مکتا
بنویش گو سالار آفتاب	دو بار اسید الشیطان معطلی
شهید عادل آمد ارتخاش	جیب عارفان کردم هویدا
دگر مستعد سلطان عزیزا	بوصل آن دلی واسی والا
تاریخ وفات میرزا ابوعلی که در سال چارصد و سبت و سه بود	
میرزا بوگیت چون میرشت	از عطا و فضل رب العالمین
رحمتش میرزا امین سا هو گبو	نیز اهل دین حمید اسلمین
هم بعلی قبله کوئین خوان	بار ساری حق طلب کن و نشین
تاریخ وفات سید ابوعلی شاه که در سال چارصد و سبت و چار بود	
چون بلطف و خالق ارض و سما	یافت اندر خلد شاهی بوعلی
بوعلی شاه است سال وصل او	هم بخوان سید بوعلی
تاریخ وفات شیخ ابوالسحاق بن شهریار گکاندونی که در سال چارصد و سبت و چار بود	
یافت جامی خوشین در خلد بربر	چون ابوالسحاق با صد غروشان
گو دلی فقر سال وصل او	همگر حسن دلی عالی مکان

در بزرگاری سید سالار  
 است روی چو اندر دغای صاحب  
 در شجاعت جلی و خط سحر از لبت  
 حاکم اندر عجب و بند وستان آمد و رفت  
 با بسببیک اختر خوشال سر زید و بیام  
 شکر که بکار خود در دست داشت و با ابوبهار  
 دلی از اکابر شایسته و داشت و

در سال  
 در سال

در سال روز دوازده داریا با نام  
 است نام دس ابراهیم و اصل از قاضی  
 فیروز و سبت اراوت با علی بن محمد  
 در سال دوازده داریا با نام  
 در سال دوازده داریا با نام

سالمک عالی حبیب مصطفیٰ	نیز بوسحاق سلطان بن مان
کا ورونی زین قطابی پیر	رحلتش نو رقصین فرمایان
باز اسهل الله قطب الاصفیا	بار دیگر مادی حق مهربان
قطعه ثانیه	
شیخ دین طاق شاه بوسحاق	یافت از دیر چون سجد مکان
شاه احسان است سال تر جیش	همه که باد شاه جان جهان
سرور اباد شاه اقطاب است	رحلتش آن دست دوزبان
تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی و یکم بود	بانه از ان شیخ و نصرت از عدم
شد جو در نیم محمود در ملک بقا	بابو محمود و جسم منصور دم
پیر کاقل و اخشل آمد و نسل او	میشو اسلاک ششم کن از قلم
تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چهار بود	در صفت اسهل بر از مهر است
شیخ والا اماز محمد جهان	باز عارف ایاز جان باز است
گروه سالش ایاز عالی قدر	
قطعه ثانی	
سیر دین جان باز چون شیخ ایاز	باز شد در خلد از روی زمین
سالمک روی زمین تاریخ است	نیز گوهر و امام الاکریمین
تاریخ وفات شیخ احمد قدوری که در سال چارصد و سی و هفت بود	شد جو در نیم محمد از جهان
شد جو در نیم محمد از جهان	شیخ دین احمدی احمد ولی
گوشه اسلام سال وصل او	بار دیگر نور حسن احمدی
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابوالخیر که در سال صد و پنجاه و هفت بود	در سال چارصد و چهل و یکم بود
تاریخ وفات و ولادت شیخ ابوسعید	مقتدائی اولیا و الفت
سالمک و محمود شد تولد او	رحلتش گفتم سید رشتا
شد زول ایاسید نامدار	باز محمود بوسعید آمد اندا

نکته از زبان قدید و پور است و در  
سید ضیاء نسل داشت و اگر چه صاحب  
نقد از اصفین تا نیم وصل دمی اقامت از کاف  
و دار فانی کا فقه و سبب خیز او هفت و دو  
شهر است اینست که این بزرگ ایاز  
علام و محبوب سلطان محمود غزنوی است

نکته دیگر

نکته از عهد و خلا و در هر دو فصل  
و در کتاب قدوری از اشعار و در  
نکته نام نایاب است فصل و در  
نکته از زبان قدید و پور است و در  
سید ضیاء نسل داشت و اگر چه صاحب  
نقد از اصفین تا نیم وصل دمی اقامت از کاف  
و دار فانی کا فقه و سبب خیز او هفت و دو  
شهر است اینست که این بزرگ ایاز  
علام و محبوب سلطان محمود غزنوی است

[illegible]

خوان ولی اہل دین سلطان سعید	عارف محبوب سالش سرور
قطعہ ثانی	
سفر کردچون با سعادت رودہر	سعید جہان بوسید سعید
مکرم سلیم است سالش دگر	ولی زمان بوسید سعید
تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ ماکو کہ در سال چار صد و چہل و دو و تو	از عبادت یافت در خلد برین از خدا
عابد محبوب و عبد اللہ شیخ دین حق	نزد عبد اللہ منیر از خاطر شد ترا
اہل شوق و طالب گفتند و صلوات	عارف کامل بخوان قطب المکرم کن
باز عبد اللہ مکرم گو سال رحلتش	تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری کہ در سال چار صد و چہل و ہشت و تو
یافت آخر مکان بخلد برین	چون شد دین فقید اسمعیل
سال و صلش فقیر محبوب است	نیز بر وجہ اسمعیل
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی کہ در سال چار صد و پنجاہ و یک و تو	رواق خلد شد باغ ہشت
رواق خلد شد باغ ہشت	بہجہ سر و سہی حسین روزی
عارف زندہ دل گو سالش	نیز فرست علی حسن روزی
قطعہ ثانی	
چون زد و بنا حسن جنت شد حسن	ہست سال آن حسن الحنین
و اسے ابراہیم و ہم والی تاج	بار دیگر عالم علم تقین
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن خلی کہ در سال چار صد و پنجاہ و تیر و تو	چون ابو الفضل افضل الابرار
رواق خلد و فضل جنت شد	کن رقم نیز سعد ان الالوار
ار شحالش و س کے رہبر خوان	تاریخ وفات حضرت شیخ محمد دم علی گنج بخش عکابی ہجوری لاہوری غروی
کہ در سال چار صد و ہشت و چار یا شصت و پنچ یا شصت و شش بوقوع آمد	سرا یا نور روشن ماہ ہجور
علی غزنوی سے آں شاہ ہجور	شدہ خالد بخلد جاودانے
سفر و زید چون از دار فانی	علی ہجور سے عالی جاہ گردے
منور رحلتش چون ماہ گردے	

رحلت او کمال گشت آمد	محمد گریک بو الحسن بنجار
تاریخ وفات شیخ ابو نصر هر وی خا بنجه ابا وی که در سال بالفصد هجری بود	
بازار ان نصرت از دنیا رفت	حضرت ابو نصر منصور صاحب
رطقتش قطب بود ابو نصر خوان	نیز هر وی پیر زب او لیا
مست که دیگر متین خوان بکون	باز عارف حق طلب آن و الدعا
وصل او سلطان فردوس آمد	والی رهبر و لی شد مدعا
تاریخ ولادت و وفات حجه الاسلام امام محمد بن محمد غزالی که ولادت در سال ناصحه و چهل نه و دینجاه و وفات در سنه ناصحه و پنجم یافت هجری بود	
آن محمد بن محمد شیخ حق	مطلع نور فیتین روشن چنین
شید عیان بحر العلوم احمدی	طریقه تر تولد آن علین التضریر
از محبت حبه ام تولد او	ما شب است و کمال نور دین
گفته ام سال وصال اینجانب	عابد طوسی امام سلیمان
صاحب آن و محبت شبی	زینت ابدال هم سمن زمین
هم رقم کردم وصال باک او	رهبر محمود و رهبر اهل دین
پس بخوان سرور سال رطقتش	عابد طیب امام المسلمین
قطعه ناسی	
جور غبت کرد از دنیا بخت	محمد راعب وین شیخ مرعوب
محمد بن محمد میر محمدی	سخوان گزشت سال وصل رطلوب
عیان بار و گزشت انتقالش	محمد بن محمد یار محسوب
تاریخ وفات خوان حکیم ثانی غزنوی که در سال بالفصد هجری بود	
چون ثانی حکیم و گشت	گشت چون ماه از نظر مستور
شاه فالو حکیم شد مدگر	رطقتش هم زست مد بر نور
تاریخ وفات تاج العارفین ابو الوفا بغدادی که در سال بالفصد هجری بود	
ماجد از غلده شد با غر و ماه	بو الوفا تاج سند اهل دین
سنت کامل ابو الوفا مصعب جمال	سال وصل آن امام الاتقیاء

رحلت او کمال گشت آمد  
 تاریخ وفات شیخ ابو نصر هر وی خا بنجه ابا وی که در سال بالفصد هجری بود  
 بازار ان نصرت از دنیا رفت  
 رطقتش قطب بود ابو نصر خوان  
 مست که دیگر متین خوان بکون  
 وصل او سلطان فردوس آمد  
 تاریخ ولادت و وفات حجه الاسلام امام محمد بن محمد غزالی که ولادت در سال ناصحه و چهل نه و دینجاه و وفات در سنه ناصحه و پنجم یافت هجری بود  
 آن محمد بن محمد شیخ حق  
 شید عیان بحر العلوم احمدی  
 از محبت حبه ام تولد او  
 گفته ام سال وصال اینجانب  
 صاحب آن و محبت شبی  
 هم رقم کردم وصال باک او  
 پس بخوان سرور سال رطقتش

در سنه ۱۱۵  
 در سنه ۱۱۵

رحلت او کمال گشت آمد  
 تاریخ وفات شیخ ابو نصر هر وی خا بنجه ابا وی که در سال بالفصد هجری بود  
 بازار ان نصرت از دنیا رفت  
 رطقتش قطب بود ابو نصر خوان  
 مست که دیگر متین خوان بکون  
 وصل او سلطان فردوس آمد  
 تاریخ ولادت و وفات حجه الاسلام امام محمد بن محمد غزالی که ولادت در سال ناصحه و چهل نه و دینجاه و وفات در سنه ناصحه و پنجم یافت هجری بود  
 آن محمد بن محمد شیخ حق  
 شید عیان بحر العلوم احمدی  
 از محبت حبه ام تولد او  
 گفته ام سال وصال اینجانب  
 صاحب آن و محبت شبی  
 هم رقم کردم وصال باک او  
 پس بخوان سرور سال رطقتش





قطعه ثانی	
چون حدی ابن مسافر شیخ دین ارتخاش ما قیاب حق بگو باز فرما عارف اهل تقیین عاشق مطلوب هم مطلوب عشق	شد سیاه از جهان سوئی جهان عاشق سوئے دوباره که جهان هم نشناور که به مش و دستان خوان بال وصل آن شیخ زمان
تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر رحلتش سرور ار ماجد ایچیت	پانصد و شصت و یک بود قیوم آمد صورت گل رفت در باغ خالو نیز ماجد ما وی الاسرار دین
تاریخ وفات سید احمد ایشورخی سرور سلطان که در سال سید سرور و دستخ احمد حب سرور چو سال تاریخش	پانصد و شصت و دو بود قیوم آمد بود سلطان عالم و دواک انقش گفت سرور عالی
ایضا قطعه ثانی	
سید احمد سخی سید در ولی قطب سرور سرور سالک بگو تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور وی مقتول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یا شصت بود قیوم آمد	شد دینا سرور ملک جهان نیز سرور و دواک دین وصل یک یا شش یا هفت یا شصت بود قیوم آمد
سید عالم شهاب الدین شهید ما وی ایچیت شهاب الدین بگو مقتدای ایچیت دمی تاریخ است سالک نزد آن شهاب الدین بود کن رقم قیاح ابواب عطا یردین انور و شرف و دگر وصل او محرم مکر م گفته ام	شد چو در جنت بی تاریخ آن عهد دینا شهاب الدین بگو نیز آید سخی ما وی بدان هم شهاب الدین مقبول ایچان هم که شمس المعین کن بیان تاج آفاق است هم ای من خوان باز شد عبد بشیر از دل عیان
قطعه ثانی	
چو هر تو ان گمن چو در خلعت	شهاب ولی قطب سرور و جهان

این قطعه را شایسته است در  
نوشته این قطعه را شایسته است در  
حاصل که در این قطعه را شایسته است در  
تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال  
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر  
رحلتش سرور ار ماجد ایچیت  
تاریخ وفات سید احمد ایشورخی سرور سلطان که در سال  
سید سرور و دستخ احمد  
حب سرور چو سال تاریخش  
پانصد و شصت و یک بود قیوم آمد  
صورت گل رفت در باغ خالو  
نیز ماجد ما وی الاسرار دین  
پانصد و شصت و دو بود قیوم آمد  
بود سلطان عالم و دواک  
انقش گفت سرور عالی  
ایضا قطعه ثانی  
سید احمد سخی سید در ولی  
قطب سرور سرور سالک بگو  
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور وی مقتول که در پانصد و شصت و دو  
یک یا شش یا هفت یا شصت بود قیوم آمد  
شد چو در جنت بی تاریخ آن  
عهد دینا شهاب الدین بگو  
نیز آید سخی ما وی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایچان  
هم که شمس المعین کن بیان  
تاج آفاق است هم ای من خوان  
باز شد عبد بشیر از دل عیان  
چو هر تو ان گمن چو در خلعت  
شهاب ولی قطب سرور و جهان

این قطعه را شایسته است در  
نوشته این قطعه را شایسته است در  
حاصل که در این قطعه را شایسته است در  
تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال  
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر  
رحلتش سرور ار ماجد ایچیت  
تاریخ وفات سید احمد ایشورخی سرور سلطان که در سال  
سید سرور و دستخ احمد  
حب سرور چو سال تاریخش  
پانصد و شصت و یک بود قیوم آمد  
صورت گل رفت در باغ خالو  
نیز ماجد ما وی الاسرار دین  
پانصد و شصت و دو بود قیوم آمد  
بود سلطان عالم و دواک  
انقش گفت سرور عالی  
ایضا قطعه ثانی  
سید احمد سخی سید در ولی  
قطب سرور سرور سالک بگو  
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور وی مقتول که در پانصد و شصت و دو  
یک یا شش یا هفت یا شصت بود قیوم آمد  
شد چو در جنت بی تاریخ آن  
عهد دینا شهاب الدین بگو  
نیز آید سخی ما وی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایچان  
هم که شمس المعین کن بیان  
تاج آفاق است هم ای من خوان  
باز شد عبد بشیر از دل عیان  
چو هر تو ان گمن چو در خلعت  
شهاب ولی قطب سرور و جهان



هم ز می شمع یقین شد جلوه گر سید احمد حبیب جنت است	از خرد تا رخ آن ماه سپهر هوا می بوی مشک سانش فی نظر
یاسنج وفات سید یعقوب صدر دیوان زنجانی لاهوری که در سال ششصد و چار و تو	سید یعقوب از جهان رخت سفر بست شده مقبول زنجانی رتسم شد
بمکه مسعود مهدی صدر دیوان تاریخ وفات شیخ زفر جهان صغیر بکلی شیرازی که در سال ششصد و شش و تو	سید ابی زیدی گردید مجذوب وصال آن شده دین شیخ مطلوب وگر باره مقدس سیر یعقوب
بفر و دس برین نزل گزید ز ششم سیر و دی عازف پاک وگر گرد و غبار سال وصالش	چو شیرازی ولی مطلوب شیراز ببال وصل آن مرغوب شیراز ز نادی بد محبوب شیراز
قطعه ناستی	
چون جناب وزیر جهان قاضی شیرازی که نور و دولت است اسیر سرور عالم عاقل چشمه الوار هم شاه مکرّم شد عیان	یافت از دیار فنا و رخت انور و من باز کامل قطب ابرار است ای اسرار سال وصال آن شده والا هم کلکشا
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن اقرّب که در سال ششصد و نه و تو	نشد اقرّب چو با وصال آه مهدی مستقی است وصالش نیز
پیر و دشمن غیر ابوالحسن صاحب حسن پیر ابوالحسن	تاریخ وفات میر حسین خنک و ارجمیری که در سال ششصد و ده و تو
چون حسین آن سخن عالم ولی گفت سرور سال وصال انتخاب نیز قطب الاولیا ناستی	رفت در خلد مرین بازی فزین میر عالی سید و الی حسین سپت سال به علت آن زوکلین
قطعه ناستی	
رفت در جنت بصد نور و جمال صاحب عرفان حق تاریخ است باز وصالش بحر کشف آید میان	چون حسین آن سخن عالم الطیف آفتاب وصال وادی شریف نیز معشوق غریز است ای خف

که از زادان و قریبان سید حسن خان است  
 که از بزرگان و صاحبان مقام است و در سال  
 ششصد و نه و تو در سال ششصد و ده و تو  
 در سال ششصد و یازده و تو در سال ششصد و  
 سیزده و تو در سال ششصد و چهارده و تو  
 در سال ششصد و پنجاه و تو در سال ششصد و  
 شصت و تو در سال ششصد و شصت و یک و تو  
 در سال ششصد و شصت و دو و تو در سال ششصد و  
 شصت و سه و تو در سال ششصد و شصت و چهار و تو  
 در سال ششصد و شصت و پنج و تو در سال ششصد و  
 شصت و شش و تو در سال ششصد و شصت و هفت و تو  
 در سال ششصد و شصت و هشت و تو در سال ششصد و  
 شصت و نه و تو در سال ششصد و شصت و ده و تو

که از بزرگان و صاحبان مقام است و در سال  
 ششصد و نه و تو در سال ششصد و ده و تو  
 در سال ششصد و یازده و تو در سال ششصد و  
 سیزده و تو در سال ششصد و چهارده و تو  
 در سال ششصد و پنجاه و تو در سال ششصد و  
 شصت و تو در سال ششصد و شصت و یک و تو  
 در سال ششصد و شصت و دو و تو در سال ششصد و  
 شصت و سه و تو در سال ششصد و شصت و چهار و تو  
 در سال ششصد و شصت و پنج و تو در سال ششصد و  
 شصت و شش و تو در سال ششصد و شصت و هفت و تو  
 در سال ششصد و شصت و هشت و تو در سال ششصد و  
 شصت و نه و تو در سال ششصد و شصت و ده و تو

که از بزرگان و صاحبان مقام است و در سال  
 ششصد و نه و تو در سال ششصد و ده و تو  
 در سال ششصد و یازده و تو در سال ششصد و  
 سیزده و تو در سال ششصد و چهارده و تو  
 در سال ششصد و پنجاه و تو در سال ششصد و  
 شصت و تو در سال ششصد و شصت و یک و تو  
 در سال ششصد و شصت و دو و تو در سال ششصد و  
 شصت و سه و تو در سال ششصد و شصت و چهار و تو  
 در سال ششصد و شصت و پنج و تو در سال ششصد و  
 شصت و شش و تو در سال ششصد و شصت و هفت و تو  
 در سال ششصد و شصت و هشت و تو در سال ششصد و  
 شصت و نه و تو در سال ششصد و شصت و ده و تو

۱- در صورتی که در این کتاب  
 ۲- در صورتی که در این کتاب  
 ۳- در صورتی که در این کتاب  
 ۴- در صورتی که در این کتاب  
 ۵- در صورتی که در این کتاب  
 ۶- در صورتی که در این کتاب  
 ۷- در صورتی که در این کتاب  
 ۸- در صورتی که در این کتاب  
 ۹- در صورتی که در این کتاب  
 ۱۰- در صورتی که در این کتاب

۴۲۶	یکی قبله اهل جنت بگو -	دو باره بنحوان زبده الاصفا
۴۲۷	تاریخ وفات شیخ بهاؤ الدین ولد که در سال ششصد و بیست و یکم یافست	۴۲۷
۴۲۸	کر و سکن جو در مقام بیست	۴۲۸
۴۲۹	عابدی است سالک نیز	۴۲۹
۴۳۰	باز فوجی شرع پیدا شد	۴۳۰
۴۳۱	تاریخ وفات شیخ ابن الفارض حموی که در سال ششصد و سی و دو	۴۳۱
۴۳۲	چون بقصر بیست کر و مقام	۴۳۲
۴۳۳	ارتخاش امام متقی است	۴۳۳
۴۳۴	تاریخ وفات شیخ اوجده الدین کرمانی که در سال ششصد و سی و چهار	۴۳۴
۴۳۵	شاه کرمان چو دست رخت سفر	۴۳۵
۴۳۶	متقی پاک بن گویا شش	۴۳۶
۴۳۷	باز برگیر مرشد کامل	۴۳۷
۴۳۸	تاریخ وفات شیخ صوفی بدینی و لوی که در سال ششصد و سی و پنج	۴۳۸
۴۳۹	بدینی صوفی مصفا دل	۴۳۹
۴۴۰	رحلتش آدمی حقیقت خوان	۴۴۰
۴۴۱	باز فرما تو صاحب الارشاد	۴۴۱
۴۴۲	تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لالا که در سال ششصد و سی و شش	۴۴۲
۴۴۳	آن رضی الدین علی لالا ولی	۴۴۳
۴۴۴	شده چو از عالم بگویم تا رنج او	۴۴۴
۴۴۵	شد عیان اهل ارادت و طمشت	۴۴۵
۴۴۶	تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و سی و هفت	۴۴۶
۴۴۷	آن شمس الدین تبریزی که در سال ششصد و سی و هشت	۴۴۷
۴۴۸	بنحسب شمس الدین تبریزی	۴۴۸
۴۴۹	بنحوان سلطان شمس الدین و خالتر	۴۴۹
۴۵۰	قطعه نامه	۴۵۰
۴۵۱	چشم الملل نور دنیا و دگر	۴۵۱
۴۵۲	شده روشن از اتصال خدا	۴۵۲

علی بن ابی طالب  
 آورد از انجا بر او  
 سلوک و زید و مولانا علی  
 یکم و یکم اخروی است ۱۲  
 و از علما داشت و در این اشعار  
 نیز همگی است با خاتم  
 به در نقد و مباحث  
 مقبول حاصل نام است  
 و نیز در شعر کمال  
 و نیز در شعر کمال  
 و نیز در شعر کمال

[illegible]

بود و از این جهت که در میان ایشان  
سختی بود و هر یک از ایشان را  
در کارهای خود مشغول داشتند

نگو مرد عرفان بتاریخ او	نخون خادم و شاه دارالعباد
تاریخ وفات شیخ سعد الدین محمد حموی که در سال ششصد و پنجاه و یکم بود	
باساوت چو شد بحسبت خلد	سعد الدین پیر سعد الابرار
پیشوای امام سعد الدین	هست سال وصال آن سردار
زنده دل سقّی رتم کن نیز	مهدی مقتدر آسب بشمار
کشف شد کاشف الحقائق باز	دل دگر مستقیم کرد اظهار
تاریخ وفات شیخ ابو المعیث جیل منی که در سال ششصد و پنجاه و یکم بود	
زینامی دون رخت مستقیم است	ابو المعیث پیر نجیب و صیل
و سگ خد اسال وصلش بگو	دگر باز خوان بود روشن بیل
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن ذلی که در سال ششصد و پنجاه و چهارم بود	
رفت در جنت چو با حسن و جمال	ابو الحسن ذی حسن و جمال
سال تر حلیش بقول مختلف	ذو می خلد و حبیب خلد دان
سن تر حلیش بقول اهل حق	ابو الحسن عارف امام دین نجاران
پس زید عصر و قطب الاقطاب	هم شه اکبر حسن آمد عیان
کن قسم و اسلمه دین مجتهد	پس شه عارف بخوان ای لوطا
تاریخ وفات شیخ نجم الدین بر وزیری که در سال ششصد و پنجاه و چهارم بود	
گشت نجم الدین چو روشن و شبت	اسال وصل او و صد عقل و تفسیر
طرفه خشم الدین سر و شد عیان	عارف حق نجم دین ابدال بر
تاریخ وفات شیخ عین الزمان گلی که در سال ششصد و پنجاه و شش بود	
حضرت عین الزمان عین الجمال	شد چو نور عین بر اوج جهان
منع حق نور عین آمد وصال	هم دگر عارف ولی عین الزمان
تاریخ وفات شیخ سیف الدین باخرزی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بود	
قطع کرد از جهان بخت پرست	قاطع النفس شیخ دین حق یار
کشف نور و شمس انوار است	هر دو تاریخ او بر سر و زار
باز تاریخ رعتش کشف قسم	سیف سیاف تا کلب کفار

در اسرار علمیه و غیره شیخ نجم الدین گریه است  
و فیضات بسیار دارد و فیضات کثرت خوب و  
جمل الامور از فیض او است و در وقت غیبت  
شک از بیکر شایسته است و در وقت غیبت  
هم از این الامور علی الاشیاء از این بیکر غایب  
شک نام و مساجد و مزارع و مزارع  
و مزارع و مزارع و مزارع و مزارع  
و مزارع و مزارع و مزارع و مزارع

در تاریخ ۱۰۴۰

در اسرار علمیه و غیره شیخ نجم الدین گریه است  
و فیضات بسیار دارد و فیضات کثرت خوب و  
جمل الامور از فیض او است و در وقت غیبت  
شک از بیکر شایسته است و در وقت غیبت  
هم از این الامور علی الاشیاء از این بیکر غایب  
شک نام و مساجد و مزارع و مزارع و مزارع  
و مزارع و مزارع و مزارع و مزارع  
و مزارع و مزارع و مزارع و مزارع  
و مزارع و مزارع و مزارع و مزارع

تاریخ

تاریخ وفات مولانا زاهدی که در سال ششصد و پنجاه و شش بود قمری	آخرش چون کرد در جنت تمام مقتی حق و صالحش مهت و نیز
زاهد و الا و سله زاهدی زاهد دین سته زاهدی	تاریخ وفات حضرت سید سیده لاهوری که در سال ششصد و شصت و یک بود قمری
آنکه شیرین بود و زوفا و غلام صاحب نعمت و گزشتن کلام	سید سیده و سله با صفا بهت سال ارتحال انتخاب
تاریخ وفات مولانا عزیز لک که در سال ششصد و شصت و یک بود قمری	آن عزیز و جهان بر دل عزیز شیع نور است و عزیز شهسوار
رفت با غرت چو در قصر خان سال وصل آن عزیز اهل شان	تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی که ولادتش در سال ششصد و چار و وفاتش در سال ششصد و هفتاد و دو بود قمری
کمال اهل دین نور سته عجب تولد آن شاه سته که گرد و سال تولدش بود بیان کن نیز و اقب شاه غلی جلال سته محبوب دنا	جلال الدین جمال هر دو عالم بگو قطب کمال عارفان است دو بار اولی متحابین گو رقم کن مولوی سید کرم وصالش شاه دین نور است
قطعه ناست	
میرشد عالم شه و روان زمان طرفه تر تولد آن والا مکان ماتابین جلال الدین بخان	شیخ رومی مولوی معنوی مشفه احمدی شد از دل شکفته کاشف الکفیه و گو تر حیل او
تاریخ وفات شیخ حسام الدین چلی که در سال ششصد و ششاد و سه بود قمری	چو سکن ساخت اندر باغ فردوس ز بهر پیر دین جو ارشادش رقم شد آفتاب خلق نمایر
حسام الدین شیه مرحوم و فقیر بفرمایر عین الدین پیر نور حسام الدین سیده می روح نور	تاریخ وفات حضرت قاضی بقیه دوی که در سال ششصد و ششاد و دو بود قمری

3216

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی  
گروه حقوق کیفری  
پایه نهم

باطن اندر برزخ که در آنجا یافته و ظاهر در  
 سائر اشیاء ششوی که از او حاصل گردد و ششوی  
 خاص این عینی از تنصیف او که از او در هر یک از  
 شش است ۱۲  
 نام و در حق بن محمد

وہی ہے جس نے انہیں جلا کر مارے

انفردت في هذا العمل

در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در روز دوشنبه ۱۱ شهریور ماه در شهر تبریز

نصرت حق ناصر دین بنی	شد چو از دنیا بفرودس برین
کو فرید العصر تار بخش و گر	ناصر دین سید اهل یقین
تاریخ وفات شیخ عبداللہ ملانی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
شد ز دنیا و اصل ذات احد	او عبداللہ بن شیخ یکتای زمان
وصل شد عبداللہ مرشد کن رقم	نیرمادی عاشق صادق سخن
تاریخ وفات شیخ یاسین مغربی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
شد دین محمد شیخ یاسین	که آمد نام نامیش بقبران
وصل شد جلوه گر بدر تمام است	و گر گردید روشن نور فغان
تاریخ وفات شیخ عقیف الدین ملانی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
رفت چون اعفت و عصمت بخند	آن عقیف الدین عقیف با خدا
شد بل خاص استحصال پاک او	هم عقیف الدین کامل رسما
تاریخ ولادت و وفات شیخ نور الدین عبدالرحمن افسری که ولادتش در سال ۱۱۱۱ هجری قمری و وفاتش در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
نور دین روشن دل اهل صفا	صاحب عصمت دلی سه جبین
نور دین ربانی از دل جلوه گر	شد تولدش بصد صدق و یقین
کاشف کرم خرم تر حاشی بگو	بار دیگر عبد الرحمن نور دین
کشف حق صوفی آمد از خرد	استحال آن شه غلو نشین
هم بخوان در سال وصل شهاب	هادی مهدی نور نور دین
تاریخ وفات شیخ ابو محمد مرجانی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
چو شیخ ابو محمد است احد	ز دنیا رفت در خلدی معلی
وصل شد متقی حق طلب گو	و گر باره بخوان نور سحلی
تاریخ وفات شیخ نور الدین ملک یار بران که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری
شاه نور الدین ملک یار خدا	گشت آخر مالک ملک خان
شاه نور الدین ابدال است نیز	مقتد اسی علم سال وصل آن
تاریخ وفات شیخ عبداللہ ابن الطرف که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری	در سال ۱۱۱۱ هجری قمری

در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در روز دوشنبه ۱۱ شهریور ماه در شهر تبریز

در سال ۱۱۱۱ هجری قمری

در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در روز دوشنبه ۱۱ شهریور ماه در شهر تبریز

چنان





هم دلی بدتر نمندی بخوان	دعایش عالیقدر بزرگ الدین بگو
رحلت آن بدر دین عالی مقام	گوا امام خلد و ماه اهل خلد
تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال هفتصد و بیست یک بموت	
مطلع اسرار دلی بنجم دین	لکشت جو براوج جنان جلوه گر
بیر انوار دلی بحکم دین	عاشق میر است وصالش در
قطعه ناست	
وصالش طرفه تر شد رونق فرا	چون نجم الدین منور شد بخت
دگر ما و سوار است	امیر عشق و مقصود البخت
تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال هفتصد و بیست و چهار بموت	
رکن ارکان شد چو در خلد برین	رکن دین رکن جهان کن در مان
نیز رکن الدین دلی پیر امین	سال وصالش مست محمد دم جل
تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کشمیری که در سال هفتصد و بیست و هفت بموت	
شیخ دین مست کشمیری	بلبل باغ خلد بختل شاه
گفت نامی و سکه کشمیری	ار شخالش چو از خر و جستم
تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال هفتصد و سی و سه بموت	
سرور اهل دین نجیب الدین	شاه دنیا چو در بخت مستقیم
وصل شیخ یقین نجیب الدین	از نزد پیشوای ابرار است
زین حجت امین نجیب الدین	باز سرور سال وصالش گفت
تاریخ وفات شیخ حسن طنجی که در سال هفتصد و سی و سه بموت	
بخت رفت چون دین دار ویران	حسن آن حسن احسن لی پیر
دگر بار حسن سرور سلطان	ربال رحلتش چو ابره حسن کو
تاریخ وفات شیخ شمس الدین صفی الموسوی که در سال هفتصد و سی و پنج بموت	
شد چو مثل خورشید بخت منجلی	میر شمس الدین صف موسوی
بار دیگر شمس دین کامل صفی	رحلتش اشرف دلی حق بخوان
تاریخ وفات شیخ رکن الدین علامه سمائی که در سال هفتصد و سی و شش بموت	

تاریخ وفات شیخ رکن الدین علامه سمائی که در سال هفتصد و سی و شش بموت

تاریخ وفات شیخ رکن الدین علامه سمائی که در سال هفتصد و سی و شش بموت

تاریخ وفات شیخ رکن الدین علامه سمائی که در سال هفتصد و سی و شش بموت



[illegible][illegible]

۱۳۴

نام دانشمند مجتهد و صاحب نظر  
مقام عالی و با کرامت و دیندار







تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو قمر آمد	
چون بهاء الدین خوارزمی و سلم	در زمین شد مثل گنجینه نخلان
سالک فیاض تار بخش بگو	نیز خوارزمی جلال دین بخوان
تاریخ وفات شیخ یعقوب صوفی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو قمر آمد	
چون یعقوب بن و سریر افات	بسال وصل آن شیخ زمانی
میان شد از دل سخن فیض خطاب	وگر بدر الدجی یعقوب بمانی
تاریخ وفات شیخ محمد عیسی کمالی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو قمر آمد	
چون محمد عیسی از دار فنا -	کرد رحلت رفت در و ارجا
جامه فیض است تار بخش بگو	تاج کامل سپیدالار بخوان
تاریخ وفات شیخ عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو قمر آمد	
گشت چون وصل بجهان دو لعل کار	شیخ بر حق محمد حق موصول حق
از خرد شد سال تار بخش عیان	ماه تابان قطب حق قبول حق
قطعه ناستی	
عبد حق چون گشت با حق متصل	سال وصل آن وسیله الاولیا
جلوه گر گردید روشن آفتاب	باز شد میداشت شیخ سقا
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد	
چون محمد میر میر و جهان	گشت آخر میر فر و دس برین
صاحب فضل است تار بخش و گر	سقی مهدی محمد میسر دین
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یاقینی کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد	
یوسف دین سے عشق حق	رفت در جنت چو ناز و نیاز
سال وصل او بگو شیخ امین	هم بخوان محمد دم محمد پاکیزه
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو قمر آمد	
گشت چون پدر و با حکم خدا	از جهان کامل کمال اسل حال
شهم نور عارف بگو تار بخش او	نیز سالک تاج عرفانی کمال
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو قمر آمد	

اول از بیل ابرار است  
کبری بودید از آن ترک کردید زنجار  
ابن ابرار بن ابرار  
تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ یعقوب صوفی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ محمد عیسی کمالی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یاقینی کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو قمر آمد

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ یعقوب صوفی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ محمد عیسی کمالی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یاقینی کشمیری که در سال یک هزار و پانزده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو قمر آمد  
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو قمر آمد

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو قمر آمد











چون حبیب از دار دنیا رفت بار سال ۱۱۰۰	سال وصل آن ولی بی کمال میر حبیب شیخ دین شیخ جلیل
تاریخ وفات مولانا محمد امین کافی ملا میر تقی میری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر در بهشت دایمی چون کرد جا	آن امین اهل یقین شیخ زمان هم در باره امین شیخ زمان
تاریخ وفات میراجو کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر جوان خلد شد با غرت و نشان شهباشه محبت گو وصالش	جناب شیخ تاج میر حق یار و دوازده میر کامل تاج ابرار
تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر محمد چون ز دنیا رفت بر لب محمد مقصد امی ملت آمد	ز بهر سن سال انتقامش چال اقیس هم سال وصالش
تاریخ وفات بابا عثمان کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر چون بقدر رخد اسه مثال سال تاریخ وصالش سرور	رفت از دهر سجنبت عثمان شد حیان اهل بدایت عثمان
تاریخ وفات شیخ محمد هشتم کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر چون بیکم خالق هر دو جهان انصاف خلق گر تاریخ او	شد ز دنیا هشتم اجلال هم بعد از هشتم اجلال
تاریخ وفات شیخ عبدالرحیم کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر چون وصل با رحمت حق خلعت تاریخ تریل او گشت دل	ولی صاحب حال عبد الرحیم که محمد دوم اجلال عبد الرحیم
تاریخ وفات مرزا انبیا بیک کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر ز دنیا رفت درون شد سجنبت رون ز حوریت سال وصالش بجو	چون آن زنده دل شیخ عالم حیات و گر بار کاشف مکر م حیات
تاریخ وفات شیخ لاله بابو کشمیری که در سال یکصد و هشتاد و دو قمر شد جواز دنیا لغز و کسب یز	حضرت بابا و سلمه دستگیر

در این کتاب که در سال ۱۱۰۰ قمر  
 در بهشت دایمی چون کرد جا  
 آن امین اهل یقین شیخ زمان  
 هم در باره امین شیخ زمان  
 جناب شیخ تاج میر حق یار  
 و دوازده میر کامل تاج ابرار  
 ز بهر سن سال انتقامش  
 چال اقیس هم سال وصالش  
 شد ز دنیا هشتم اجلال  
 هم بعد از هشتم اجلال  
 ولی صاحب حال عبد الرحیم  
 که محمد دوم اجلال عبد الرحیم  
 چون آن زنده دل شیخ عالم حیات  
 و گر بار کاشف مکر م حیات  
 حضرت بابا و سلمه دستگیر













ایرید بانیف  
کشمیری لادو از اسلام آباد  
نفتیچیه در ویران  
کریم پور در ویران  
اندونیت ایرد  
بیلان نفتیچیه ایرد  
پاکستان در ویران  
پاکستان داشت از اسلام آباد  
در اسلام آباد اندون  
موم شمس محمد طاهر  
ناموری است



تاریخ وفات مفتی سید محمد لاہوری کہ در سال یک ہزار و دوصد و ششاد ہ وقوع آمد	
سفر در زند چون سید محمد	سوئی دار البقا خوشحال و خوشتر
بصدافنوس تار بخش خرد گفت	بگور و ج مسافرت مسافر
گنج ششم تملک چار حصہ حصہ اول در قلعہات تاریخ از ولج پہلہ	
و حصہ دوم در قلعہات تاریخ وفات نبات والا در جات سرور کانیات	
علیہ اسلام والصلوات حصہ سوم در ذکر ساد عارفات وقانیات	
کہ از اہل ولایت و کرامت بود حصہ چہارم در ذکر عجائبات و معجزات	
حصہ اول تاریخ وفات بی بی خدیجہ الکبریٰ ز وجہ سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم	
کہ در سال دہم از بعثت نبوت ہو وقوع آمد	
آن خدیجہ طیبہ اہلیہ حضرت رسول	ہستام المومنین آن مطلع نور کا
بود و آتش سعد بن جہنی اندر جہان	شد و در سال خب از بعثت نبوی و
تاریخ وفات بی بی زینب کہ در سال چہارم از ہجرت نبوی ہو وقوع آمد	
زینب آن زون بے محرم	رفت از دنیا بخت شاد کام
چون مجبہ از جہان بدر و شد	سال ترحیلش برآمد و اسلام
تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش کہ در سال ہشتم از ہجرت ہو وقوع آمد	
زینب آن مہر و زون	از جہان درخت الاسطیث
ہست زینب سال وصلش زینب	ہست بخوان پاکیزہ از دنیا رفت
تاریخ وفات بی بی سودہ رضی اللہ عنہا کہ در سال ہست و دو ہو وقوع آمد	
ام اسودہ زوجہ حضرت رسول	افت با وصل خدا اخو وصال
بہر تاریخش ز طبع طرفہ تر	را ہدہ آمد عیان تاریخ سال
تاریخ وفات بی بی صفیہ بنت حمرن خطیب کہ در سال سی شش ہو وقوع آمد	
چو صبیو بہ شاہ ارض و سما	صفیہ ز دنیا شد اندر جہان
بکہ اہل تاریخ ترحیل او	بفرما دگر پاک رفت از جہان
وفات بی بی ام حبیبہ رضی اللہ عنہا کہ در سال چہل و دو و یا چہل و یک ہو وقوع آمد	
چونکہ ام حبیب زوج رسول	چہرہ و پر وہ جہان بہ ہفت

تاریخ وفات مفتی سید محمد لاہوری کہ در سال یک ہزار و دوصد و ششاد ہ وقوع آمد  
 سفر در زند چون سید محمد  
 بصدافنوس تار بخش خرد گفت  
 بگور و ج مسافرت مسافر  
 گنج ششم تملک چار حصہ حصہ اول در قلعہات تاریخ از ولج پہلہ  
 و حصہ دوم در قلعہات تاریخ وفات نبات والا در جات سرور کانیات  
 علیہ اسلام والصلوات حصہ سوم در ذکر ساد عارفات وقانیات  
 کہ از اہل ولایت و کرامت بود حصہ چہارم در ذکر عجائبات و معجزات  
 حصہ اول تاریخ وفات بی بی خدیجہ الکبریٰ ز وجہ سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم  
 کہ در سال دہم از بعثت نبوت ہو وقوع آمد  
 آن خدیجہ طیبہ اہلیہ حضرت رسول  
 ہستام المومنین آن مطلع نور کا  
 شد و در سال خب از بعثت نبوی و  
 تاریخ وفات بی بی زینب کہ در سال چہارم از ہجرت نبوی ہو وقوع آمد  
 زینب آن زون بے محرم  
 رفت از دنیا بخت شاد کام  
 سال ترحیلش برآمد و اسلام  
 تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش کہ در سال ہشتم از ہجرت ہو وقوع آمد  
 زینب آن مہر و زون  
 از جہان درخت الاسطیث  
 ہست بخوان پاکیزہ از دنیا رفت  
 تاریخ وفات بی بی سودہ رضی اللہ عنہا کہ در سال ہست و دو ہو وقوع آمد  
 ام اسودہ زوجہ حضرت رسول  
 افت با وصل خدا اخو وصال  
 را ہدہ آمد عیان تاریخ سال  
 تاریخ وفات بی بی صفیہ بنت حمرن خطیب کہ در سال سی شش ہو وقوع آمد  
 چو صبیو بہ شاہ ارض و سما  
 صفیہ ز دنیا شد اندر جہان  
 بفرما دگر پاک رفت از جہان  
 وفات بی بی ام حبیبہ رضی اللہ عنہا کہ در سال چہل و دو و یا چہل و یک ہو وقوع آمد  
 چونکہ ام حبیب زوج رسول  
 چہرہ و پر وہ جہان بہ ہفت

بن عمر بن عبد الرحمن بن ابی بکر  
 کہ در سال دہم از بعثت نبوی ہو وقوع آمد  
 تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش کہ در سال ہشتم از ہجرت ہو وقوع آمد  
 زینب آن مہر و زون  
 از جہان درخت الاسطیث  
 ہست بخوان پاکیزہ از دنیا رفت  
 تاریخ وفات بی بی سودہ رضی اللہ عنہا کہ در سال ہست و دو ہو وقوع آمد  
 ام اسودہ زوجہ حضرت رسول  
 افت با وصل خدا اخو وصال  
 را ہدہ آمد عیان تاریخ سال  
 تاریخ وفات بی بی صفیہ بنت حمرن خطیب کہ در سال سی شش ہو وقوع آمد  
 چو صبیو بہ شاہ ارض و سما  
 صفیہ ز دنیا شد اندر جہان  
 بفرما دگر پاک رفت از جہان  
 وفات بی بی ام حبیبہ رضی اللہ عنہا کہ در سال چہل و دو و یا چہل و یک ہو وقوع آمد  
 چونکہ ام حبیب زوج رسول  
 چہرہ و پر وہ جہان بہ ہفت

تاریخ وفات مفتی سید محمد لاہوری کہ در سال یک ہزار و دوصد و ششاد ہ وقوع آمد  
 سفر در زند چون سید محمد  
 بصدافنوس تار بخش خرد گفت  
 بگور و ج مسافرت مسافر  
 گنج ششم تملک چار حصہ حصہ اول در قلعہات تاریخ از ولج پہلہ  
 و حصہ دوم در قلعہات تاریخ وفات نبات والا در جات سرور کانیات  
 علیہ اسلام والصلوات حصہ سوم در ذکر ساد عارفات وقانیات  
 کہ از اہل ولایت و کرامت بود حصہ چہارم در ذکر عجائبات و معجزات  
 حصہ اول تاریخ وفات بی بی خدیجہ الکبریٰ ز وجہ سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم  
 کہ در سال دہم از بعثت نبوت ہو وقوع آمد  
 آن خدیجہ طیبہ اہلیہ حضرت رسول  
 ہستام المومنین آن مطلع نور کا  
 شد و در سال خب از بعثت نبوی و  
 تاریخ وفات بی بی زینب کہ در سال چہارم از ہجرت نبوی ہو وقوع آمد  
 زینب آن زون بے محرم  
 رفت از دنیا بخت شاد کام  
 سال ترحیلش برآمد و اسلام  
 تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش کہ در سال ہشتم از ہجرت ہو وقوع آمد  
 زینب آن مہر و زون  
 از جہان درخت الاسطیث  
 ہست بخوان پاکیزہ از دنیا رفت  
 تاریخ وفات بی بی سودہ رضی اللہ عنہا کہ در سال ہست و دو ہو وقوع آمد  
 ام اسودہ زوجہ حضرت رسول  
 افت با وصل خدا اخو وصال  
 را ہدہ آمد عیان تاریخ سال  
 تاریخ وفات بی بی صفیہ بنت حمرن خطیب کہ در سال سی شش ہو وقوع آمد  
 چو صبیو بہ شاہ ارض و سما  
 صفیہ ز دنیا شد اندر جہان  
 بفرما دگر پاک رفت از جہان  
 وفات بی بی ام حبیبہ رضی اللہ عنہا کہ در سال چہل و دو و یا چہل و یک ہو وقوع آمد  
 چونکہ ام حبیب زوج رسول  
 چہرہ و پر وہ جہان بہ ہفت



و اقله چون سفرز عالم کرد	گشت تاریخ رحلتش پید
وفات بی بی فاطمه خاتون جنت رضی الله عنها که در سال یازده از هجرت بود	و اقله چون سفرز عالم کرد
فاطمه خاتون دین بنت است	یک صورت نیک سپهرت نیک جو
قره چشم جناب مصطفی	زوجه عالی علی نیک ره
بعد ششماه از وصال احمدی	کرد رحلت از جهان چار سو
شاهانه روز جزا است اینجناب	خوان جزا در سیخ او بالفظ هو
آه شد چون حبس مو لا از زمین	حاصل آمد سال او ای نیک جو
نیک نام از عرصه آفاق رفت	کن بیان سال وصالش موبو
رفت از عالم و ایله سیده	رحلتش گفتم با طوار نیکو
گشت مهجور از عالم زنجیل	طرحه تر تاریخ و فصل او بگو
شد چون از دوران علیه فاطمه	ار شمشاد شد عیان بگفتگو
چون عزیزه از عالم کرد جدا	میو و پید او وصالش موبو
حصه سیوم	
در قطعات تاریخ وفات نساء عارفات که از اسهل که است بودند	
تاریخ وفات بی بی زاهره رضی الله عنها که در سال سبت و پنجم هجری بود	زاده مریم صفت عفت ماب
رفت از دنیا چون دینکد برین	و ایله معصومه و ور زمان
تاریخ وفات بی بی شوانه حبیبی که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود	و ایله سال وصال و نجان
چون شوانه نیکو صفت نیک است	ز دنیا می دون شد بقصر جهان
نقیصه بگو رحلت پاک او	معینه بدان هم یقینه نجان
تاریخ وفات بی بی غفیره عابد که در سال یکصد و شصت و بود	چون غفیره عابد نیکو حاصل
رندة اول میک است سال وصال	شد با و چ غله چون بدر کمال
تاریخ وفات بی بی رابعه بصری که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود	عابد محمود و هم تاریخ سال
رابعه چون از جهان چار سو	باصفا و رشت جنت یافت بار

تاریخ وفات بی بی زاهره رضی الله عنها که در سال سبت و پنجم هجری بود  
 تاریخ وفات بی بی شوانه حبیبی که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود  
 تاریخ وفات بی بی غفیره عابد که در سال یکصد و شصت و بود  
 تاریخ وفات بی بی رابعه بصری که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود

این الطاف است و در ریاضت و عبادت  
 از زمان بیدار توین دیو کرد  
 سبقت از عظمای عصر برده و در علم گوی  
 ت که با از اسل صوره او و چون بنده  
 صاحب که است بنده و منتهاست است  
 بگویند و عظمای دستانه و منتهاست است

۱۵۵

در نام نیکو  
 در نام نیکو  
 در نام نیکو







قطعه ثانیه	
چونکه ام الفریده معصومه	رفت در برده بقیه باقیه
بهر تاریخ آن ولیه وهر	گفت دل نازده فاسی اینه
تاریخ وفات بی بی زینبیه اولی که در سال شصده و چهل و هشت بود قوم آمد	رفت از دنیای دون اندر جهان
چون زینبیه ام و بن خیر النساء	شد زینبیه سال وصال آنجناب
تاریخ وفات بی بی اولیا که در سال شصده و پنجاه و پنج بود قوم آمد	رفت از دنیا چو در خلد برین
بهر سال ارتحال آنجناب	تاریخ وفات بی بی لیل و دمی کشیری که در سال هفتصد و پنجاه و شش بود قوم آمد
چون بجا مان داد جان و بدست	سیر در سال وصالش طرفه تر
تاریخ وفات بی بی رستی قدس سرها که در سال شصده و نود و پنج بود قوم آمد	شد ز دنیا چون جناب فاطمه
رقتی محمد و به عالم که بود	غوث اعظم بود و بد آنجناب
ست محمد و مه وصال پاک او	تاریخ وفات بی بی جمال خاتون که در سال یک هزار و شصت و نود بود قوم آمد
تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده گیلانی که در سال یک هزار و شصت و نود بود قوم آمد	عارفه خاتون دین بی بی جمال
ارتحال او چو چشم از خرد	صد چهارم
در نوکر جهانین و مجازیب که از اسیر باطن بود	تاریخ وفات سرنیکا مجذوب با فسوی که در سال شصده و چهل و شش بود قوم آمد
سرنیکا جاذب جذب الهی	که روحش طایر خلد برین است

نظم کردن به اولی دوی است صبا  
 رایت عالی بود و دوی گاهی از دنگاه  
 دشت از سالکات وقت بود و در دین بیکان  
 بر دس ۱۲ سال ارتحال این بیکان  
 ت از عمارت فارغ شد و در دین بیکان  
 و اشتران تانست و در دین بیکان  
 جسم مبارک و عمارت جای خود بود و در دین بیکان  
 بیوی آسمان رفت و در دین بیکان

۱۵۸

نظم کردن به اولی دوی است صبا  
 رایت عالی بود و دوی گاهی از دنگاه  
 دشت از سالکات وقت بود و در دین بیکان  
 بر دس ۱۲ سال ارتحال این بیکان  
 ت از عمارت فارغ شد و در دین بیکان  
 و اشتران تانست و در دین بیکان  
 جسم مبارک و عمارت جای خود بود و در دین بیکان  
 بیوی آسمان رفت و در دین بیکان

چو بستم از خرد و تارنخ سالش	ند آآمد که عاشق قطب دین است
تاریخ وفات سوهین مجذوب جو و منی که در سال نهضت و سبب و شت بود	
شیخ سوهین جاذب جذب اله	بو و بر چرخ یقین بدر الکمال
زاده مشککات تاریخ اوست	هم جیب جاذب آمد ارتحال
تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال نهضت و نهضت بود	تو قوع آمد
چون حسن مجذوب جن الاولیا	گشت در حسد معلی چای کبر
بهر سال ارتحال آن مے	گفت سرور عاشق صادق مهر
تاریخ وفات الدین مجذوب که در سال نهضت و چهل و شش بود	تو قوع آمد
الدین از جهان چون خست برست	قدم اندر جهان نهاد و یکدست
چو سال انتقال او بجهتیم	ز تافت شدند احوال میرست
تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال نهضت و چهل و هفت بود	تو قوع آمد
شد بخت چو از جهان خست	میان معروف با خدا مجذوب
گشت مجذوب نامدار وصال	باز دل گفت رهنما مجذوب
تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال نهضت و چهل و هفت بود	تو قوع آمد
شاه منصور چون بصد نصرت	گشت با وصل از وی موصول
گفت تاریخ رحلتش سرور	شاه منصور عابد مقبول
تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال نهضت و چهل و هفت بود	تو قوع آمد
جاذب جذب حق علاء الدین	گشت روشن بجلد چون متباب
رحلتش هست واقف میرست	باز سر مست سید قطاب
تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال نهضت و چهل و هفت بود	تو قوع آمد
چو رفت از دایه متصل شد	بوصل حق حسن محبوب احسن
عجب سال وصالش جلوه گر شد	ز محبوب اله مجذوب احسن
تاریخ وفات شاه ابو الغیب مجذوب که در سال نهضت و چهل و هفت بود	تو قوع آمد
سید عیب از جهان چون خست	باب جنت بر رو افش گشت باز
بهر سال انتقال آنجناب	شد عیان سید تجاری بی نیاز

در یادماند و در تقویم هر چه در دست  
 است از اوقات از احوال انتقال هر دو ای ۱۱  
 سال او را ششم علامت اول از بیاض اول در  
 ماندنی گفت از آن در دینی رسید و بهمانجا  
 اگر چه بهمنطق در کوه دینار یک دینی بود  
 غرض مخصوص او که در آن را بیاض اصلا  
 انشا زکریا بیاضی که در دینار زده شد  
 بماندنی پس از آنکه از تریب حاجی عبد الوهاب  
 بخاری صاحب قلوب و مشرق و علامات  
 نوی ۱۶۰

تاریخ وفات شیخ بابن محمد دب اجیری که در سال پنصد و شصت و هفت بود و قوم	
چو رخت زنده کی زین دهر بخت	بجنت یافت یاسرست بابن
بسال ارتحال آن شه دین	بگو قطب الهدا سرست بابن
تاریخ وفات بابا کیو ر محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و نه بود و قوم آمد	
رفت از دنیا چو در خلد برین	ست لغت عاشق صادق کیو ر
سال تاریخ وصال آنجناب	است صادق یاکل بین عاشق کیو
تاریخ وفات میان مومگر محمد دب که در سال پنصد و شصت و هشتاد بود و قوم آمد	
جناب شیخ مومگر عاشق مست	چو در خلد یافت توفیق
چو سال ارتحالش حبت سرور	خرد گفت است سرست یق
تاریخ وفات شیخ صنی شاه محمد دب شیر که در سال پنصد و شصت و هشتاد و یک بود و قوم	
شیخ صنی شاه محمد دب خدا	یافت چون با جصل رسانا جصل
وصل با گشت مست عشق مومنون	بار دیگر کن بیان فتن کمال
تاریخ وفات شاه بدیع الدین محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و دو بود و قوم آمد	
سرور عشاق محمد دب بان حق	شد بدیع الدین ولی ر شفقیر
رفت از دنیا چو در خلد برین	شد عیان سالش سرست کبر
تاریخ وفات خواجه شمیری که در سال پنصد و هشتاد و سه بود و قوم آمد	
ز دنیا می دنی رخت سفر بست	چنان شیخ زین دهر و او و محمد دب
تاریخش بگو داد و اطهر	دگر قطب احسن داد و محمد دب
تاریخ وفات محمد یوسف علی محمد دب شیر که در سال پنصد و هشتاد و چهار بود و قوم	
چون محمد شای ولی اعلا	شد بجنت بصل رسانا
سال تاریخ ر خلش سرور	گشت روشن ز شیم نور
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و پنج بود و قوم	
چو رحلت کرد و سونی دار حلت	ز دنیا یوسف بابن محمد دب
ولم در سال تاریخ وصالش	بگفتا یوسف بابن محمد دب
تاریخ وفات سید سیده محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و شش بود و قوم	

تاریخ وفات شیخ بابن محمد دب اجیری که در سال پنصد و شصت و هفت بود و قوم  
 چو رخت زنده کی زین دهر بخت  
 بسال ارتحال آن شه دین  
 تاریخ وفات بابا کیو ر محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و نه بود و قوم آمد  
 رفت از دنیا چو در خلد برین  
 سال تاریخ وصال آنجناب  
 تاریخ وفات میان مومگر محمد دب که در سال پنصد و شصت و هشتاد بود و قوم آمد  
 جناب شیخ مومگر عاشق مست  
 چو سال ارتحالش حبت سرور  
 تاریخ وفات شیخ صنی شاه محمد دب شیر که در سال پنصد و شصت و هشتاد و یک بود و قوم  
 شیخ صنی شاه محمد دب خدا  
 وصل با گشت مست عشق مومنون  
 تاریخ وفات شاه بدیع الدین محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و دو بود و قوم آمد  
 سرور عشاق محمد دب بان حق  
 رفت از دنیا چو در خلد برین  
 تاریخ وفات خواجه شمیری که در سال پنصد و هشتاد و سه بود و قوم آمد  
 ز دنیا می دنی رخت سفر بست  
 تاریخش بگو داد و اطهر  
 تاریخ وفات محمد یوسف علی محمد دب شیر که در سال پنصد و هشتاد و چهار بود و قوم  
 چون محمد شای ولی اعلا  
 سال تاریخ ر خلش سرور  
 تاریخ وفات شیخ یوسف محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و پنج بود و قوم  
 چو رحلت کرد و سونی دار حلت  
 ولم در سال تاریخ وصالش  
 تاریخ وفات سید سیده محمد دب که در سال پنصد و هشتاد و شش بود و قوم

۱۶۰

شیخ شهاب پیر دین مجدد و بنی	شد چو از دنیا بخت یافت جا
سال ترخیص چو ختم از خرو	گشت از تاتاق ند اشیر خدا
تاریخ وفات سید عبداللہ مجدد و ب	که در سال یکہزار و یکصد و سی و یک بود
چو از دنیا بخت گشت راہی	جناب شیخ عبداللہ مجدد و ب
بسال ارتحال آن شہ دین	خرو فرمود سید شاہ مجدد و ب
وفات نانو مجدد و بنو شاہی کہ در سال	یکہزار و یکصد و سی و دو بود و قو
زدینارفت در خطبہ	چو نانو شاہ حق بین عاشق مست
ز در خضوان سال ترخیص بختیم	گفتا کہ دین عاشق مست
تاریخ وفات حافظ طاہر کشمیری نو شاہی کہ در سال	یکہزار و یکصد و سی و دو بود
زین جهان فنا بخت برین	رفت افسوس طاہر مجدد و ب
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت افسوس طاہر مجدد و ب
تاریخ وفات معصوم شاہ لاہوری کہ در سال	یکہزار و دو صد و بیست و یک بود
رفت با عصمت چو در خطبہ	شیخ معصوم بہان مجدد و ب عشق
سال ترخیص چو ختم از خرو	گفت ای سرور سخنان مجدد و ب
تاریخ وفات مستقیم شاہ مجدد و ب لاہوری کہ در سال	یکہزار و دو صد و چهل و دو بود
از جهان چون بخت الاصل	یافت جاست تقسیم روشن دل
بختار تاریخ رحلت پاکش	شدند استقیم روشن دل
تاریخ وفات تاجی شاہ مجدد و ب لاہوری کہ در سال	یکہزار و دو صد و بیست و یک بود
مان بخت شد چو باغ و و قار	شیخ تاجی شاہ تاج اولیا
سنت مجدد و بنی بگو تاریخ او	نیز عاشق مست کامل حق نما
سیر اعظم شیخ عارف گشتہ ام	رحلت آن پادشاہ اتقا
ہم و گر خورشید عالم کن بیان	طرفہ تر تاریخ سالش سہ در
تاریخ وفات نظام شاہ مجدد و ب لاہوری کہ در سال	یکہزار و دو صد و بیست و یک بود
عاشق حق نظام شاہ بہان	چون برقت از جهان بخت پیوست
شاہ مجدد و ب پیر خوان سالش	ہم بہان عاشق ازل سر مست

از سیدان نامی حاج محمد بن علی  
 کج بخش است ملائک و رب مکنت  
 حیدر است و قدوس و برکات  
 افتاد و حیات حضرت از شاہ است و از شاہ  
 حق از زبان حکیم نوشاہ است و از شاہ  
 منہدی بگوید و در سام و صفا بگوید  
 حیات بخش نقش از شاہ بخت یافت  
 حیات بخش بگوید و تمام عمر در اخوان و عذاب  
 حیات بخش بگوید و در سام و صفا

۱۶۱  
 صاحب کاران بنویسند و از ایشان  
 در از ان لاہوری است  
 شافعی و شافعی و مجدد و ب صاحب کاران  
 بود و در موضع دفن او کہ از صفات اہل حق  
 بہانہ ۱۰۰ است از مجدد و بان لاہوری است  
 فراموش کرد و در دوازہ ہجری است  
 و از اجل مجدد و بنی تاجی و تاجی  
 بہانہ ۱۰۰ است و در اہل تاجی و تاجی  
 بہانہ ۱۰۰ است و در اہل تاجی و تاجی  
 بہانہ ۱۰۰ است و در اہل تاجی و تاجی







[illegible]



کشتی چون عسر کافی از خدا	یافت رخت خویش بر بست از جهان
دل بسال ارتمالش طرفه تر	گفت و الی زمان سلطان بخوان
تاریخ وفات مقتدر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	مقتدر چون شد به مقتدر آ که
میردین خویش بسال شمال	در ملای موت آخر مستلا
تاریخ وفات قاهر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	بار دیگر دان جو ان پادشاه
شاه قاهر قاهر اعدای دین	شد مهر حق چو درخت دوان
بر سال ارتمالش طرفه تر	بهر حق از خانه مشین روان
تاریخ وفات راضی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	چونکه راضی از رضای ایر
سین تر حلیش چو جستم از خرد	یافت از وینا بخت اتصال
تاریخ وفات مقتضی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	مرو عا دل شد عیان تا به شمال
رخت هستی چونکه از عالم بخت	مقتضی با حکم فایضه قضا
سال تر حلیش امیر عادل است	بار دیگر حق طلب اصل صفا
تاریخ وفات مطیع باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	چون مطیع دین شد اصل کرم
بر درخت خویش بن فانی طوبی	طرفه سال رحلت آن پادشاه
تاریخ وفات قاهر باشد بن اسحاق که در سال سصد و هشت و چهار بود	بر درخت خویش بن فانی طوبی
کرد رحلت از جهان بی ثبات	شاه دین قاهر به مقتدر خدا
بخت محبوب جهان قاهر و صفا	بار دیگر قاهر اصل عطا
تاریخ وفات قائم بامر الله بن قاهر باشد که در سال سصد و هشت و چهار بود	روح قائم شد چو بر جبین
روح قائم شد چو بر جبین	جسم قائم گشت قائم در زمین
رغبتش که اصل قائم بامر	باز گشت روشن و صلیب شمس
تاریخ وفات مقتدی باشد بن قائم بامر الله که در سال سصد و هشت و چهار بود	تاریخ وفات مقتدی باشد بن قائم بامر الله که در سال سصد و هشت و چهار بود
آخرش از دار فانی رخت بست	مقتدی باشد شاه سده کاب

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 مقتدر باشد بن مقتدر  
 قاهر باشد بن قاهر  
 راضی باشد بن راضی  
 مطیع باشد بن مطیع  
 قاهر باشد بن قاهر  
 قائم باشد بن قائم  
 مقتدی باشد بن مقتدی  
 در سال سصد و هشت و چهار بود

۱۹۹

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 مقتدر باشد بن مقتدر  
 قاهر باشد بن قاهر  
 راضی باشد بن راضی  
 مطیع باشد بن مطیع  
 قاهر باشد بن قاهر  
 قائم باشد بن قائم  
 مقتدی باشد بن مقتدی  
 در سال سصد و هشت و چهار بود

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 مقتدر باشد بن مقتدر  
 قاهر باشد بن قاهر  
 راضی باشد بن راضی  
 مطیع باشد بن مطیع  
 قاهر باشد بن قاهر  
 قائم باشد بن قائم  
 مقتدی باشد بن مقتدی  
 در سال سصد و هشت و چهار بود

11

[illegible]

شاه متقیول است سال وصل او	سیر الکبر که با آفتاب
تاریخ وفات شاهر با الله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	گفت بر اوج فلک منزل گریز
دولت حکم است تاریخش در	باد شاه صادق آمد ارتحال
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	ازین و از الفار خست بقا است
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو
چون شد مقتدی لایزال الله	دست بردار شد ز ملک حیات
مقتدی سال رحلتش گفتم	بار حستم ز شصت عا حات
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	چو در اقلیم با ستم یافت تو صیل
جناب شاه مستجد شد دین	بگو سر در عادل سال ترحیل
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	شده بد نصرت چو با شاهر از عالم
گفت سلطان سرور است بگو	ول مبارخ آن شه اقبال
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	باز سرور محب اهل جلال
رفت طاهر چو طاهر از دنیا	ول پیرین سال رحلت آن
گفت طاهر شه ز من فرما	هم جو اندر دباست ه سجون
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	رفت با صد نصرت از عالم بجله
شده عیان صفاح حق تاریخ او	چو نگه مستقر شه عالم بپا ه
تاریخ وفات شاهر با الله بن شاهر با الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود و تو	باز دیگر نیز دین با و ش ه
چونکه از دست ملا که شد شهب	شاه مستقیم شه عالی مقام
سال تاریخ وصالش طرقت	است سلطان المکر م نیک نام

غلام ترکه را شاه منصور مامور داد و او را  
 آموخت و چون به خدمت رسید و به شاه رسید  
 و به شاه گفت که من را از خدمت برکنار  
 کن و مرا به خدمت خود نپذیر  
 و مرا به خدمت خود نپذیر

۱۶۸

قطعه ثانی	
از شهادت جو یافت قدربند عبد مقبول گویا رخسار	شاه شمس نعمت آن شه مقبول هم بخوان حاکم ابد مقبول
حصه سوم در قطعات تاریخ وفات پادشاهان غزنوی	
تاریخ وفات سلطان ایلکین پادشاه که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	چونکه ایلکین بفضیل کردگار رفت از دنیای دین اندر جهان
تاریخ وفات شاه اسحاق پادشاه بن ایلکین که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	بهر تاریخ و صاخش طرفه تر شدند از زمانه تقیم شاه جهان
تاریخ وفات شاه اسحاق پادشاه بن ایلکین که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	که در حلقه چو از جهان اسحاق گفت سرور سپهر اهل عطا
تاریخ وفات سلطان ناصرالدین که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	رفت چون بانصرت و فتح و ظفر شد عیان ز روزمانه رحلتش
تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	والی نصر است تاریخ وصال دین سلف آن سلطان
تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	چون محمود از جهان شد جدا ز جبر الدن شد محمود اهل عطا
تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	و گر باره بتا رخسار شد عیان شد پادشاه حق و صاخش
تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی که در سال ۵۷۵ هجری قمری درگذشت و در ۱۲۰۰ سال از وفات او گذشت	و فاش شد نیز سیر نیک است ولی دین سلف آن سلطان
قطعه ثالثی	
زین و هر چو رفت خوش بخت تاریخ وصال او بسرور	محمود و شه مبارک امین فرمود و خرد انیسر حق امین
قطعه ثالثی	

کرد و بر او آمد پادشاه را که به جانب خواجه  
 صاحب خود و منصور شد و او را به اقامت افغانی  
 احمد انصاری است و در زمانه او پادشاهان اهل اسلام بودند  
 و در زمانه او پادشاهان اهل اسلام بودند  
 و در زمانه او پادشاهان اهل اسلام بودند



[illegible]

چو بهرام از جهان فتنه بفرست وصالش شاه عالم اهل بیت است	بجنت یافت جای ابرو آرام دوباره حق طلب ساقی بهرام
تاریخ وفات پیرالدوله خسرو شاه که در سال پانصد و پنجاه و پنج بوقوع آمد چو خسرو با دست اهل دنیا ز محبوب اله شاه سست	بجنت یافت جای عیش و عشرت عیان شد رحلت آن شاه عالی
قطعه ناست	
چو خسرو شاه اهل جاه و تیسر ز سر و عجب رحلت پاک او دوباره ایست سال ز خیل شاه تاریخ وفات خسرو ملک بن خسرو شاه که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد ز دنیای و دن خسرو خستید بی سال ز خیل آن باو شاه	شد از دهر در ملک خلد برین عیان گشت سلطان شبه اهل زمین شده جلوه گر محیر غم یقین
قطعه ناست	
ملک خلد احراف و شاهی غنجب تر بجز تاریخ وصالش صد چهارم در دگر یادش امان تاریخ وفات سلطان علاءالدین حسین جهان پیکر که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد رفت از دنیا بصد حسن جمال سال تاریخ وصالش طر فیه تر	چو خسرو با عفا رنگین الار کین ز دل آمدند از کین الار کین
تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد غوری که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد چون غیاث الدین محمد شاه غور شاه صابر گو سال رحلتش	از جهان در خستید شد بی گفتار نیز فرما با دست شاه نیکار
تاریخ وفات سلطان شهاب الدین الهخاطب علاءالدین که در سال پانصد و شصت و دو بوقوع آمد علاء الدین چو از دنیا سفر کرد یکی سلطان علاء الدین پیر است	ز بال رحلت آن شاه والا دگر میر علاء الدین سست

[illegible][illegible]

باز شاه شهاب الدین بزرگ خود را احسانا ملاقاته و بجهت بیاضی در دست پانزده ساله معبود و فاسد بیاضی الدین مع و معشای بادشاه شد و در خود و الصمد و الدین با طبعی که در دنیا و دنیا داران و در دست عادت

پوئلش ماه ۶۰۲ ششست روزن	دوبار آفتاب حسن زما
علاء الدین امیر حق الملک جهان	که گرد و سال تار بخش هویدا
قطعه ناسته	
شد زوینا جو و بهشت برین	شاه اهل به اشتیاب الدین
گوشه نامور تار بخشش	هم بخوان حق نماشتیاب الدین
تاریخ وفات سلطان قطب الدین ابیک که در سال شصده و هفت بود	
کرد در حیات چو از جهان رفت	شد سجنیت مقیم قطب الدین
سرو و عالم است سالش نیز	بادشاه حلیم قطب الدین
تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال شصده و سی و چهار بود	
شاه شمس الدین شمس الدین	پر تو افکن شد چو در غلج برین
رستمش با وی حق شمس الدین	هم بخوان شمس الدین
تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال شصده و سی و پنج بود	
چو فیروز شاه جهان اهل جا به	ز وینای و ون یافت با حق وصال
بگوشاه رکن جهان رحلتش	دوبار از فیروز سحر الکمال
تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال شصده و سی و شش بود	
چون رضیه بر ستم خلق	کرد رحلت زوار خزن ملال
ماه لاثانی است تر حاشیش	ملکه ملک حبت آمد سال
تاریخ وفات نیر الدین بهرام شاه بن التمش که در سال شصده و سی و هفت بود	
رفت در حبت زوار بی ثبات	چون شه اهل زمین بهرام شاه
سال تر حاشیش بگو اهل برات	بار دیگر پاک بین بهرام شاه
قطعه ناسته	
شاه بهرام چون انبش آل	شد زوینای و ون با غم جان
شاه نور الوکله بگو سالش	نیز بهرام سیر عالم خوان
تاریخ وفات مسعود و علاء الدین غوری که در سال شصده و سی و هشت بود	
چو مسعود شد با سعادت زوهر	تاریخ تر ذیل آن بخوان

بعد از وفات شاه جهان در سال ۶۰۲ ششست روزن  
 پوئلش ماه ۶۰۲ ششست روزن  
 علاء الدین امیر حق الملک جهان  
 که گرد و سال تار بخش هویدا  
 قطعه ناسته  
 شاه اهل به اشتیاب الدین  
 هم بخوان حق نماشتیاب الدین  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین ابیک که در سال شصده و هفت بود  
 کرد در حیات چو از جهان رفت  
 سرو و عالم است سالش نیز  
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال شصده و سی و چهار بود  
 شاه شمس الدین شمس الدین  
 رستمش با وی حق شمس الدین  
 تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال شصده و سی و پنج بود  
 چو فیروز شاه جهان اهل جا به  
 دوبار از فیروز سحر الکمال  
 تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال شصده و سی و شش بود  
 چون رضیه بر ستم خلق  
 ماه لاثانی است تر حاشیش  
 تاریخ وفات نیر الدین بهرام شاه بن التمش که در سال شصده و سی و هفت بود  
 رفت در حبت زوار بی ثبات  
 سال تر حاشیش بگو اهل برات  
 قطعه ناسته  
 شاه بهرام چون انبش آل  
 شاه نور الوکله بگو سالش  
 تاریخ وفات مسعود و علاء الدین غوری که در سال شصده و سی و هشت بود  
 چو مسعود شد با سعادت زوهر  
 تاریخ تر ذیل آن بخوان

۱۶۱  
 در وفات شاه جهان در سال ۶۰۲ ششست روزن  
 پوئلش ماه ۶۰۲ ششست روزن  
 علاء الدین امیر حق الملک جهان  
 که گرد و سال تار بخش هویدا  
 قطعه ناسته  
 شاه اهل به اشتیاب الدین  
 هم بخوان حق نماشتیاب الدین  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین ابیک که در سال شصده و هفت بود  
 کرد در حیات چو از جهان رفت  
 سرو و عالم است سالش نیز  
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش که در سال شصده و سی و چهار بود  
 شاه شمس الدین شمس الدین  
 رستمش با وی حق شمس الدین  
 تاریخ وفات رکن الدین فیروز شاه غوری که در سال شصده و سی و پنج بود  
 چو فیروز شاه جهان اهل جا به  
 دوبار از فیروز سحر الکمال  
 تاریخ وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال شصده و سی و شش بود  
 چون رضیه بر ستم خلق  
 ماه لاثانی است تر حاشیش  
 تاریخ وفات نیر الدین بهرام شاه بن التمش که در سال شصده و سی و هفت بود  
 رفت در حبت زوار بی ثبات  
 سال تر حاشیش بگو اهل برات  
 قطعه ناسته  
 شاه بهرام چون انبش آل  
 شاه نور الوکله بگو سالش  
 تاریخ وفات مسعود و علاء الدین غوری که در سال شصده و سی و هشت بود  
 چو مسعود شد با سعادت زوهر  
 تاریخ تر ذیل آن بخوان

دو عدد ریس  
 وفات یافت



چون غیاث الدین محمد شاه بسند از وی سرور تباری رحلتش	شد ازین دنیا و درین باره و آه شد عیان محسن المعانی بادشاه
تاریخ وفات سلطان محمد غفلت عادل شاه که در سال هفتصد و نود و دو	از جهان در جهان محمد شاه نیز نور زمان محمد شاه
چون فیروز شاه از جهان بخت بست شهنشاه صالح بگور حلتش	سجنت شده از جهان مثل ماه دگر مالک ملک فیروز شاه
تاریخ وفات سلطان غیاث الدین تغلق که در سال هفتصد و نود و یک	چو رفت از دهر سال حلتش امیر المومنین شاه ابدان
تاریخ وفات سلطان ابوبکر بن طغرل خان بن فیروز شاه که در سال هفتصد و نود و دو	شاه بگور ماه اهل فلح وان ابوبکر شاه اهل فلح
تاریخ وفات ناصر الدین محمد شاه بن فیروز شاه تغلق که در سال هفتصد و نود و سه	شد چو از دنیا بخت جاگیر شد عیان منصور دین ماه صیر
چون سکندر بادشاه اهل بسند سرور اعیان پیر یا جا به گو	بار دیگر وصل آن روشن ضمیر تاریخ وفات علاء الدین سکندر شاه تغلق که در سال هفتصد و نود و چهار
چون سکندر بادشاه حق طلب تاریخ وفات ناصر الدین محمود شاه بن محمد شاه تغلق ثانی که در سال هشتصد و نود و پنج	رفت از دنیا با تسلیم جان سال ترحلتش با قوال جهان
ناصر دین چو شاه دین محمود شمع دین ناصر است تاریخش	شد زوار فنا بقصر سلیم جلوه گر گشت باز خلد مقام



و با تفریب بود ۱۲ شله بعد وفات خضر خان  
 پادشاه شد و یک سال بعد وفات خضر خان  
 کرد و بعد یک سال دیگر پادشاهی  
 بن فرزند خان بن خضر خان بود ۱۳ شله خوشاه  
 پادشاه شد و تا دو اندوه سال بعد ازین  
 به حسب بیاری و تا ۱۴ سال پادشاهی کرد  
 وفات خوشاه بر خود یافت ۱۵ شله بعد  
 سال سلطنت کرد چون بطلول شاه شد پسرش  
 تادم عمر پیران بطلول شاه قایلش شد  
 کالافغان سائین سر بنده بطلول شاه بن  
 خضر خان را و بصفیت آورد و در امر سلطنت  
 در دل سپیدانند و اول بر لامور قنجه کرد  
 بعد از آن وقت و بی قایلش گردید و بی قنجه  
 سال پادشاهی کرد و ملک چون پور را از قنجه  
 از قنجه  
 ۱۵۸۱  
 در قنجه

[illegible]

[illegible]



قطعه رابع	
کبر آن اهل دولت اکبر	شد زوار الفبا بحیرت آه
سال تاریخ رعلتش سرور	گوشن شاه شاه و الاماه
تاریخ ولادت و وفات نورالدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادت در سال نهمصد و هفتاد و هفت و وفات در سن یکصد و سی و شش بود	
جهانگیر جهان فضل است	جهانگیر آن شه باعسر و توفیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کشی در باب تولیدش جو تفریر
وصال آن شه ذمی برت خواهد	ز نور علم نورالدین جهانگیر
کین خلل است و است که بود	سال رحلت آن شاه شخیر
شهی تاج جهان گیر است و صلح	و گریه شهنشاه جهانگیر
قطعه ثانی	
آن جهانگیر شاه جهان	آنکه وصفش بر دهن ز تقریر است
سال تولید او اگر خواهی	سرور او چشمم جهانگیر است
سن وصلش اگر کنی تحریر	و آنکه پاک میر تو قیر است
قطعه ثالث	
شاه نورالدین و شمس	عادل دین نامه فی نو شیر و
شمس نور نور دین تولید او	باز قیامت یگانگی شد میان
میشود پیداکریم اهل خلق	به سال ارسنال آن جوان
تاریخ ولادت و وفات شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه که ولادت در سال یکصد و هشتاد و هفت و وفات وی در سن یکصد و هشتاد و هشت بود	
شاه و الاما که تسلیم شدند	آن شهاب الدین شه دور زمان
اهل دل رستم تویدل گفته ام	سال تولیدش بقوا به ایمان
رحلت آن بادشاه اهل جاه	شد میان مشکلات شاه جهان
باز گوسال وصال آن خباب	نور اهل دین شهنشاه جهان
قطعه ششم	

معدنات اکبر شاه بادشاه شهنشاه عالم  
خداوند نامی داشت در جهان بجز او نیست  
و در بیوی خلیفه نام داشت  
و در معدنات شهنشاه بود و جهانگیر

دانشی و سال سلطنت که به دست جهانگیر  
در بنگال و بیسیر و دیند گشت و در احوال  
نظر بند می یافت و در احوال  
زیاد نگاه خلق است





[illegible][illegible]







کرمی  
نخل و درخت سال  
طایر اقامت کرد  
فصل بهار است  
بهار است فصل  
کرمی

[illegible]

Handwritten notes in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

مستند به درود و ... و حسب نظر کرامت و دانی حضرت و نصرت مایه با وضو ای که در

بجاء













[illegible]

رقم کن تاریخ مصباح خلد	دو بار انجو ان صاحب عبا
تاریخ وفات سلطان سلطین بن حیات الدین که در سال مفسد و متباد و تو قوم	چون سلطان سلطین فرخ این
بلک خلد آخر یافت شاست	ز سلطان سلطین حجت بن
عیان شد سن سال انتقالش	تاریخ وفات سلطان مس الدین تالی که در سال مفسد و متباد و متباد
جلوه گر شد در بهشت و اسے	چونکه شمس الدین نور اہل دین
ارتحالش گشت روشن از نزد	طرفه شمس بن البراہل دین
تاریخ وفات اجنبل نجات سلطان جمال الدین کہ در سال مفسد و متباد و متباد	یافت بادصل خدا آخر وصال
چون جمال الدین بفضل ایراد	نیز اہل بلج مرد دین جمال
ہست بی تقصیر سال وصل او	تاریخ وفات سلطان احمد بن جمال الدین کہ در سال مفسد و متباد و متباد
تاریخ وفات سلطان احمد بن جمال الدین کہ در سال مفسد و متباد و متباد	از جهان شاہ عاشق احمد
رحمت بر بست چون حکم قصدا	ہم بنجو ان شاہ عاشق احمد
ارتحالش سجور خاص الحق	تاریخ وفات ناصر الدین شاہ بہنگر کہ در سال مفسد و متباد و متباد
تاریخ وفات ناصر الدین شاہ بہنگر کہ در سال مفسد و متباد و متباد	رفت ناصر شاہ دین اندر جان
چون بعد نصرت و دنیا می دنی	ناصر منصور حق آگاہ خوان
سال وصل او بعد عز و قاز	تاریخ وفات سلطان بارک بن صر شاہ کہ در سال مفسد و متباد و متباد
تاریخ وفات سلطان بارک بن صر شاہ کہ در سال مفسد و متباد و متباد	سجبت گشت روشن صورت ما
چونکہ بارک با عز و اقبال	وصلاتش شاہ طالب بارک شاہ
خرد بود نصرت شاہ بارک گشت	تاریخ وفات یوسف شاہ بن بارک شاہ کہ در سال مفسد و متباد و متباد
تاریخ وفات یوسف شاہ بن بارک شاہ کہ در سال مفسد و متباد و متباد	زیب گشت شد جو با حین و جمال
یوسف دین بنی شاہ جهان	نیز بر حق یوسف مصر کمال
تقریب دین سال وصلش طرقت	تاریخ وفات فتح شاہ باہک کہ در سال مفسد و متباد و متباد
تاریخ وفات فتح شاہ باہک کہ در سال مفسد و متباد و متباد	فتح شد با فتح و نصرت در جان
یافت چون مفلح جنت از خدا	بعد گشتانے اسکندر بنجو ان
رحلت آن شاہ کبیر و بگو	

[illegible][illegible]

باز دل سال وصالش طرقت	گفت مرد وین مصالح جهان
تاریخ وفات نذل حشی الخاطب به فیر و زشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود	
شد چو با فیر و زری و لطف و نومی	از جهان اهل عطا فیر و نرسد
سال تاریخ وصالش طرقت	هست فیر و زری حق تا فیر و نرسد
قطعه ثانی	
شاه فیر و زری بنده اهل غفر	شد چو بر عرش برین فیر و زری
دل سال وصالش طرقت	گفت شاه به یومین فیر و زری
تاریخ قتل محمود شاه بن فیر و زشاه که در سال هشتصد و پنجم بود	گشت با وصال ایزدی موصول
شاه محمود و چون به تیغ حقی	هست محمود و سلیمین مقول
تاریخ وفات بدر جیشی مظفر شاه که در سال هشتصد و نود و نه بود	
چو مقتول شد بدر اهل حیا	زدنیای دون شد صد حیف و غم
تاریخ آن خا لم بر حیا	نداشد دل بدر ابر ستم
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف ملی که در سال هشتصد و نود و نه بود	
چون سفر و رید و در ارباب	از جهان احمد علاء الدین شریف
سال تاریخ وصالش طرقت	شد بیان احمد علاء الدین شریف
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال هشتصد و نود و نه بود	
نصیب خود و پسر از حدین یافت	نصیب آن شاه دین فرخنده اعمال
بگو خوشحال سال رحلت او	دو بار اخراج دنیا خدایا
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال هشتصد و نود و نه بود	
چون سلیمان زوهر و سفر	با صد افسوس و حیف و حسرت و آه
فیض کامل بگو تبار بخشش	هم سلیمان سخی عالمی آه
تاریخ وفات داوود خان بن سلیمان خان که در سال هشتصد و نود و نه بود	
ز دست فرج اکبر شاه دلی	چو شد بی حال آخر حال داوود
سال قتل او با حسرت و آه	رقم شد قتل شد اقبال داوود

باز دل سال وصالش طرقت  
تاریخ وفات نذل حشی الخاطب به فیر و زشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
شد چو با فیر و زری و لطف و نومی  
سال تاریخ وصالش طرقت  
قطعه ثانی  
شاه فیر و زری بنده اهل غفر  
دل سال وصالش طرقت  
تاریخ قتل محمود شاه بن فیر و زشاه که در سال هشتصد و پنجم بود  
شاه محمود و چون به تیغ حقی  
تاریخ وفات بدر جیشی مظفر شاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چو مقتول شد بدر اهل حیا  
تاریخ آن خا لم بر حیا  
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف ملی که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سفر و رید و در ارباب  
سال تاریخ وصالش طرقت  
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال هشتصد و نود و نه بود  
نصیب خود و پسر از حدین یافت  
بگو خوشحال سال رحلت او  
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سلیمان زوهر و سفر  
فیض کامل بگو تبار بخشش  
تاریخ وفات داوود خان بن سلیمان خان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
ز دست فرج اکبر شاه دلی  
سال قتل او با حسرت و آه

باز دل سال وصالش طرقت  
تاریخ وفات نذل حشی الخاطب به فیر و زشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
شد چو با فیر و زری و لطف و نومی  
سال تاریخ وصالش طرقت  
قطعه ثانی  
شاه فیر و زری بنده اهل غفر  
دل سال وصالش طرقت  
تاریخ قتل محمود شاه بن فیر و زشاه که در سال هشتصد و پنجم بود  
شاه محمود و چون به تیغ حقی  
تاریخ وفات بدر جیشی مظفر شاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چو مقتول شد بدر اهل حیا  
تاریخ آن خا لم بر حیا  
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف ملی که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سفر و رید و در ارباب  
سال تاریخ وصالش طرقت  
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال هشتصد و نود و نه بود  
نصیب خود و پسر از حدین یافت  
بگو خوشحال سال رحلت او  
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سلیمان زوهر و سفر  
فیض کامل بگو تبار بخشش  
تاریخ وفات داوود خان بن سلیمان خان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
ز دست فرج اکبر شاه دلی  
سال قتل او با حسرت و آه

باز دل سال وصالش طرقت  
تاریخ وفات نذل حشی الخاطب به فیر و زشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
شد چو با فیر و زری و لطف و نومی  
سال تاریخ وصالش طرقت  
قطعه ثانی  
شاه فیر و زری بنده اهل غفر  
دل سال وصالش طرقت  
تاریخ قتل محمود شاه بن فیر و زشاه که در سال هشتصد و پنجم بود  
شاه محمود و چون به تیغ حقی  
تاریخ وفات بدر جیشی مظفر شاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چو مقتول شد بدر اهل حیا  
تاریخ آن خا لم بر حیا  
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف ملی که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سفر و رید و در ارباب  
سال تاریخ وصالش طرقت  
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال هشتصد و نود و نه بود  
نصیب خود و پسر از حدین یافت  
بگو خوشحال سال رحلت او  
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سلیمان زوهر و سفر  
فیض کامل بگو تبار بخشش  
تاریخ وفات داوود خان بن سلیمان خان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
ز دست فرج اکبر شاه دلی  
سال قتل او با حسرت و آه

باز دل سال وصالش طرقت  
تاریخ وفات نذل حشی الخاطب به فیر و زشاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
شد چو با فیر و زری و لطف و نومی  
سال تاریخ وصالش طرقت  
قطعه ثانی  
شاه فیر و زری بنده اهل غفر  
دل سال وصالش طرقت  
تاریخ قتل محمود شاه بن فیر و زشاه که در سال هشتصد و پنجم بود  
شاه محمود و چون به تیغ حقی  
تاریخ وفات بدر جیشی مظفر شاه که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چو مقتول شد بدر اهل حیا  
تاریخ آن خا لم بر حیا  
تاریخ وفات سلطان علاء الدین شریف ملی که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سفر و رید و در ارباب  
سال تاریخ وصالش طرقت  
تاریخ وفات شاه نصیب بن علاء الدین که در سال هشتصد و نود و نه بود  
نصیب خود و پسر از حدین یافت  
بگو خوشحال سال رحلت او  
تاریخ وفات سلیمان خان افغان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
چون سلیمان زوهر و سفر  
فیض کامل بگو تبار بخشش  
تاریخ وفات داوود خان بن سلیمان خان که در سال هشتصد و نود و نه بود  
ز دست فرج اکبر شاه دلی  
سال قتل او با حسرت و آه



رحلتش نور علی گورگشت و نیز	ما سردین بن اهل علاج
تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجری ۷۰۴	
چون بقدر خدای دو الجلال	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد	شد عیان سلطان دولت شاه بیگ
تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجری ۷۰۵	
چون نزل گزین شد بحکم رین	ازین دهر بر چید و امان
بصدحن تاریخ وصالش گبو	امیر حسان تاج احسان
تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجری ۷۰۶	
همچو عیسی شد بحسب رخ چارمین	چون نکو آیین عیسی ترکمان
گبو بحسب آمد وصال او ز دل	هم محب دین عیسی ترکمان
تاریخ وفات سلطان محمود دیوکی که در سال هجری ۷۰۷	
چون بر گشتند از حد حکم عیسی	سلطنت را د او خود اید جهان محمود
سال تاریخش سرور از دل پرورد	شد عیان محمود و والی جهان محمود
تاریخ وفات میرزا باقی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۸	
چو باقی بد را البقا رخت بست	بجز نام باقی نماندش نشان
تاریخ آن بهلوان شیرگیر	بیان شد سرور و تهنیت رمان
تاریخ وفات میرزا جانی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۹	
چو جانی و اوجان خود بجان بخش	سخت رفت با بیکو تراحوال
ز جانی خود و صالش	و گر بر گیر جان فخر اجلال
و کمر سلاطین ملتان	
تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۰	
قطب دین شاه زمان قطب خان	قطب جنت شد جو اصد افشار
خیر دین که رحلت آن بادشا	هم سخو ان قطب الدین لنگاه می
تاریخ وفات شاه حسین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۱	
چون ز دنیا یافت حسن عاقبت	شاه حسن صاحب جنت حسین

رحلتش نور علی گورگشت و نیز  
 تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجری ۷۰۴  
 چون بقدر خدای دو الجلال  
 سال تاریخ وصالش از خرد  
 تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجری ۷۰۵  
 چون نزل گزین شد بحکم رین  
 بصدحن تاریخ وصالش گبو  
 تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجری ۷۰۶  
 همچو عیسی شد بحسب رخ چارمین  
 گبو بحسب آمد وصال او ز دل  
 تاریخ وفات سلطان محمود دیوکی که در سال هجری ۷۰۷  
 چون بر گشتند از حد حکم عیسی  
 سال تاریخش سرور از دل پرورد  
 تاریخ وفات میرزا باقی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۸  
 چو باقی بد را البقا رخت بست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 تاریخ وفات میرزا جانی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۹  
 چو جانی و اوجان خود بجان بخش  
 ز جانی خود و صالش  
 و کمر سلاطین ملتان  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۰  
 قطب دین شاه زمان قطب خان  
 خیر دین که رحلت آن بادشا  
 تاریخ وفات شاه حسین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۱  
 چون ز دنیا یافت حسن عاقبت

۱۹۳

رحلتش نور علی گورگشت و نیز  
 تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجری ۷۰۴  
 چون بقدر خدای دو الجلال  
 سال تاریخ وصالش از خرد  
 تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجری ۷۰۵  
 چون نزل گزین شد بحکم رین  
 بصدحن تاریخ وصالش گبو  
 تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجری ۷۰۶  
 همچو عیسی شد بحسب رخ چارمین  
 گبو بحسب آمد وصال او ز دل  
 تاریخ وفات سلطان محمود دیوکی که در سال هجری ۷۰۷  
 چون بر گشتند از حد حکم عیسی  
 سال تاریخش سرور از دل پرورد  
 تاریخ وفات میرزا باقی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۸  
 چو باقی بد را البقا رخت بست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 تاریخ وفات میرزا جانی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۹  
 چو جانی و اوجان خود بجان بخش  
 ز جانی خود و صالش  
 و کمر سلاطین ملتان  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۰  
 قطب دین شاه زمان قطب خان  
 خیر دین که رحلت آن بادشا  
 تاریخ وفات شاه حسین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۱  
 چون ز دنیا یافت حسن عاقبت

رحلتش نور علی گورگشت و نیز  
 تاریخ وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجری ۷۰۴  
 چون بقدر خدای دو الجلال  
 سال تاریخ وصالش از خرد  
 تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجری ۷۰۵  
 چون نزل گزین شد بحکم رین  
 بصدحن تاریخ وصالش گبو  
 تاریخ وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجری ۷۰۶  
 همچو عیسی شد بحسب رخ چارمین  
 گبو بحسب آمد وصال او ز دل  
 تاریخ وفات سلطان محمود دیوکی که در سال هجری ۷۰۷  
 چون بر گشتند از حد حکم عیسی  
 سال تاریخش سرور از دل پرورد  
 تاریخ وفات میرزا باقی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۸  
 چو باقی بد را البقا رخت بست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 تاریخ وفات میرزا جانی ترکمانی که در سال هجری ۷۰۹  
 چو جانی و اوجان خود بجان بخش  
 ز جانی خود و صالش  
 و کمر سلاطین ملتان  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۰  
 قطب دین شاه زمان قطب خان  
 خیر دین که رحلت آن بادشا  
 تاریخ وفات شاه حسین لنگاه می ملتان که در سال هجری ۷۱۱  
 چون ز دنیا یافت حسن عاقبت



سال تاریخش چو ستم از سر ویش	شدند از قفسل دین پر و رشتاب
تاریخ وفات سلطان قطب الدین گمیری که در سال شصت و نوزده بود	تاریخ وفات سلطان قطب الدین گمیری که در سال شصت و نوزده بود
چو قطب الدین ولی قطب الدین	ز دینای و دین گشت قطب جهان
تاریخ ترحیل آن اهل جاه	بگو قطب ملت بدیع الزمان
تاریخ وفات سلطان سکندر بن سکندر	گشت موصول شاه اسکندر
چو نگار با ذات خالق و دوجان	والی بت شکن بگو تاریخ
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بن سکندر	گشت موصول شاه اسکندر
علی شاه عالی نسب میرین	بشمار برین یافت جانی قرار
بجو سال وصلش خاقان بن	دگر بار فرماست سوار
تاریخ وفات شاهی بن نجف بن العابدین	در سال شصت و هفتاد و هشت
چو آن ذوالکرم شاه زین العباد	سفر کرد بر آسمان از زمین
یوصلش بگو شمع زینت دگر	سعید زمان زینت العابدین
تاریخ وفات شاه حیدر گمیری که در سال شصت و هفتاد و نه بود	ز دنیا شد جوان حیدر شهناشاه
چو با صد حسرت و افسوس آخر	ز دل آمد عیان حیدر شهناشاه
تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال شصت و هشتاد و نه بود	ز دنیا شد چو حسن وی فردو
بگو با سیف سال حلت او	دو باره خواه مرد بامروت
تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن رین العابدین	ز دنیا رفت در جنت خرامان
چو آن مصلاح دین صلاح عالم	دل فرمود شاهنشاه دوران
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه گمیری که در سال شصت و هشتاد و نه بود	ز دنیا رفت در جنت خرامان
چون محمد آری سر اسعد	رفت خندان سخته گلزار
مخردین گو سال ترحایش	هم بخوان آفتاب بر افوار

سال تاریخش چو ستم از سر ویش  
 تاریخ وفات سلطان قطب الدین گمیری که در سال شصت و نوزده بود  
 چو قطب الدین ولی قطب الدین  
 تاریخ ترحیل آن اهل جاه  
 تاریخ وفات سلطان سکندر بن سکندر  
 چو نگار با ذات خالق و دوجان  
 تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بن سکندر  
 علی شاه عالی نسب میرین  
 بجو سال وصلش خاقان بن  
 تاریخ وفات شاهی بن نجف بن العابدین  
 چو آن ذوالکرم شاه زین العباد  
 یوصلش بگو شمع زینت دگر  
 تاریخ وفات شاه حیدر گمیری که در سال شصت و هفتاد و نه بود  
 چو با صد حسرت و افسوس آخر  
 تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 بگو با سیف سال حلت او  
 تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن رین العابدین  
 چو آن مصلاح دین صلاح عالم  
 تاریخ وفات محمد شاه بن شاه گمیری که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 چون محمد آری سر اسعد  
 مخردین گو سال ترحایش

۹۵

تاریخ وفات سلطان قطب الدین گمیری که در سال شصت و نوزده بود  
 تاریخ وفات سلطان سکندر بن سکندر  
 تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بن سکندر  
 تاریخ وفات شاهی بن نجف بن العابدین  
 تاریخ وفات شاه حیدر گمیری که در سال شصت و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن رین العابدین  
 تاریخ وفات محمد شاه بن شاه گمیری که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات چون محمد آری سر اسعد  
 تاریخ وفات مخردین گو سال ترحایش

تاریخ وفات سلطان قطب الدین گمیری که در سال شصت و نوزده بود  
 تاریخ وفات سلطان سکندر بن سکندر  
 تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر بن سکندر  
 تاریخ وفات شاهی بن نجف بن العابدین  
 تاریخ وفات شاه حیدر گمیری که در سال شصت و هفتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شاه حسن ولد حیدر شاه که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات فتح شاه بن ادهم خان بن رین العابدین  
 تاریخ وفات محمد شاه بن شاه گمیری که در سال شصت و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات چون محمد آری سر اسعد  
 تاریخ وفات مخردین گو سال ترحایش

[illegible]

<p>تولد ایشان</p>	
<p>جای خود ورزید و رعد برین سال تاریخ و صدایش سرور</p>	<p>چون محمد آن شهر و دشمن شمیر</p>
<p>نارنج وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال هجده و پهل و پنج بود و قوم</p>	<p>میر اکبر شاه شمس الدین سعید</p>
<p>شاه جهان عالم بصد غر و وقار</p>	<p>بار دیگر شاه شمس الدین سعید</p>
<p>نارنج وفات اسماعیل شاه بن محمد شاه که در سال هجده و پهل و هفت بود و قوم</p>	<p>چون درین دنیای و دین و دین</p>
<p>شاه و الاجاه اسماعیل شاه</p>	<p>بار دیگر از جهان معد و ممت</p>
<p>رعدش فیاض و انانیت</p>	<p>نارنج وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال هجده و پنجاه و هشت بود و قوم</p>
<p>رستمانه بک خست رفت</p>	<p>چون سخی بادشاه نازک تن</p>
<p>و آن فصل گو تبارخیش</p>	<p>هم قوی بادشاه نازک تن</p>
<p>نارنج وفات شاه یک غازی شمیری که در سال هجده و پنجاه و یک بود و قوم</p>	<p>رفت با اعمال و در و آره</p>
<p>چونکه غازی چاکلین فانی تمام</p>	<p>شاه است ای یار یا کلک قضا</p>
<p>سال مرگ آن شه اسلستم</p>	<p>نارنج وفات حسین شاه یک که در سال هجده و پنجاه و هشت بود و قوم</p>
<p>ز دنیا چو شد با هزاران اهل</p>	<p>حسین آن غصباک اسلستم</p>
<p>تباریسم آن اهل جور و جفا</p>	<p>خرد گفت سفاک اسلستم</p>
<p>نارنج وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال هجده و پنجاه و هشت بود و قوم</p>	<p>از جهان با حسرت و غم آه رفت</p>
<p>چون علی اعلی مراتب بادشاه</p>	<p>باقصر فرمود و در شاه رفت</p>
<p>سال تبارش بطبر و طهر و قدر</p>	<p>نارنج وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال هجده و پنجاه و دو بود و قوم</p>
<p>شد چو یوسف ازین سبای سنج</p>	<p>در بقا رفت و دم بپایست</p>
<p>چشم زخم است رحلت آن شاه</p>	<p>هم دیگر با برافتم ال در جات</p>

[illegible][illegible]

مجلس شورای اسلامی

بھانڈو کی طرح





تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یک هزار و پانصد و هجری وقوع آمد	چون مراد از حق مراد خوش یافت	رخت خود در جنت و الانهاد
تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و دویست و نه وقوع آمد	محمد باقر صاحب عدل	محمد شریف صاحب عدل
تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یک هزار و سی و پنج یافت	از جهان بر ملا برست بار	بار دیگر نور احمد شهریار
تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و سی و دو وقوع آمد	بوصل و وصل جن گردید و وصل	دگر باره قوی دل شاه مقتول
تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و چهل و نه وقوع آمد	مرد دین با سخاوت اهل مراد	هست شهر جنت اهل مراد
تاریخ وفات سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و دو یافت	خوش بخت رسید ابراهیم	بهو لغاشد شهید ابراهیم
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکصد و سه بود	سلیمان جو جنت و غر و جاه	تاریخ ترخیص آن باو شاه
قطعه نامه		
سلیمان اهل نوح و قصیر روم	کر شد با بوس او اقبال و دولت	کر شد حاصل مراسلاتش سلطنت

تاریخ سلطنت مراد خان ثالث که در سال یک هزار و پانصد و هجری وقوع آمد

تاریخ سلطنت محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و دویست و نه وقوع آمد

تاریخ سلطنت سلطان احمد اول که در سال یک هزار و سی و پنج یافت

تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و سی و دو وقوع آمد

تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و چهل و نه وقوع آمد

تاریخ وفات سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و دو یافت

۱۹۹

تاریخ سلطنت سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکصد و سه بود

تاریخ سلطنت سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکصد و سه بود

تاریخ سلطنت سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و دو و وفات در سنه یکصد و سه بود



سال واصل دوست منظور جهان	بار دیگر جلوه نامانج هشت
تاریخ دلاوت و وفات سلطان عبد الحمید خان عثمانی که ولادتش در سال یک هزار و دویست و سی و هشت یاسی نه و وفات در نیمه یک هزار و دویست و سی و هشت	ولی اسل سف و قلم بادشاه شده چشمه فیض تولد او دوباره وصالش بکواختر است
قطعه ناست	
شاه عبد الحمید و الاجاد سال تولد آن شه و الال باز خیمه ز منظر اسلام خان عبد الحمید عالی شان	آنکه شش بنو و کس زمینش ست عبد الحمید خیر اندیش سال ترحیل آن سعادت گیش رحلتش گفت طبع روشن خیز
تذکره شایان سوراخان	
تاریخ دلاوت و وفات شیر شاه بادشاه دلی که ولادتش در سال هشتاد و هفت و وفات در سنه نهصد و پنجاه و دو بود و قوغم آمد	شیر شاه شیر دل شیر دلیر برزین چون جلوه گر شد مثل ماه سال واصل او عیان شد از خرد باز شد روشن ز دل حضرت
تاریخ دلاوت و وفات اسلام شاه بادشاه هند که ولادتش در سال نهصد و دو و وفات در سنه نهصد و شصت بود و قوغم آمد	شاهنشاه اسلام شاه سجرا الکرامت شو جلوه گر ز دل سال ترحیل او شد عیان
تذکره شایان ایرانی و کابلی	
تاریخ وفات شاه جهانگیر ایرانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار بود و قوغم آمد	

[illegible]

313

و در میان آن دو می بود و اینها در آن وقت که  
شیرخان خطایست من بعد از آن می آمد  
سرمه او را به دست می داد و در آن وقت که  
مهرش می شد و به او می داد و در آن وقت که  
در میان آن دو می بود و اینها در آن وقت که  
شیرخان خطایست من بعد از آن می آمد  
سرمه او را به دست می داد و در آن وقت که  
مهرش می شد و به او می داد و در آن وقت که



پیشرو سی خود از وی مهر	چو آن را بجز و بر بر طبر
یک سال ترحیل ممتاز وقت	در مرد عا که کسر بر
تاریخ وفات سیرم خان وزیر و امالیق اکبر شاه که در سال پنجم و هفتاد و هشت	بطف خدا شد بزار السلام
چو سیرم ز دار قنار خست	بفرما در خان آید من مقام
یک سال و اکرم سال تاریخ او	
تاریخ وفات ابو الفیض فیضی شاعر عهد اکبر بادشاه که در سال یک هزار و دو و پنجاه	
ابو الفیض اکبر شمس فیضی است	بهاک علم دنیا بود و الی
ز دل فیاض عام آمد وصالش	بها یون فیض و هم فیاض عالی
تاریخ وفات نواب ارباب در خان که در سال یک هزار و ده و هجری بود و قمر آمد	
ان بها در خان وزیر اکبری	بود عا لے مرتبت عالی مکان
گشت سال انتقالش از خرد	بند و نیکو نجیب در خان جهان
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل امیر اکبر شاه که در سال یک هزار و یازده بود و قمر آمد	
حضرت ابو الفضل فضل اسل فضل	فاضل افضل امیر باکمال
ساحب فضل آید ه تاریخ او	بار دیگر فاضل اسل جلال
بر ملا فیاض عا لے ماه گفت	عقل بعد از نقل او تاریخ سال
تاریخ وفات نواب قشام خان بن قطب الدین خان بن خواجہ سیم جشتی که در سال یک هزار و	
چو آن قشام اقتشام حجاب	ز حق یافت در خلد و الا مقام
تاریخ او آید از دل ندا	امین اسل دل صاحب اقتشام
تاریخ وفات خانسانان حمایت	سیر شاه جهانی که در سال یک هزار و پنجاه و پنجاه
حمایت خانسانان و الا	با خرفت از دنیا بخت
یک و سی و نقد در سال رحلتش	و و بار بار سیر سیر است
تاریخ وفات صف خان ابو احسن طبرانی برادر نور جهان سلیم که در سال یک هزار و	
ابو احسن صف امیر با وقار	عاقبت و عالم است و عامل است
افضل عالم است تاریخش	خان و الا ابو احسن است
تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چار بود و قمر آمد	

سوانت سیرم خان وزیر و امالیق اکبر شاه که در سال پنجم و هفتاد و هشت  
 چو سیرم ز دار قنار خست  
 یک سال و اکرم سال تاریخ او  
 تاریخ وفات ابو الفیض فیضی شاعر عهد اکبر بادشاه که در سال یک هزار و دو و پنجاه  
 ابو الفیض اکبر شمس فیضی است  
 ز دل فیاض عام آمد وصالش  
 تاریخ وفات نواب ارباب در خان که در سال یک هزار و ده و هجری بود و قمر آمد  
 ان بها در خان وزیر اکبری  
 گشت سال انتقالش از خرد  
 تاریخ وفات شیخ ابو الفضل امیر اکبر شاه که در سال یک هزار و یازده بود و قمر آمد  
 حضرت ابو الفضل فضل اسل فضل  
 ساحب فضل آید ه تاریخ او  
 بر ملا فیاض عا لے ماه گفت  
 تاریخ وفات نواب قشام خان بن قطب الدین خان بن خواجہ سیم جشتی که در سال یک هزار و  
 چو آن قشام اقتشام حجاب  
 تاریخ او آید از دل ندا  
 تاریخ وفات خانسانان حمایت  
 حمایت خانسانان و الا  
 یک و سی و نقد در سال رحلتش  
 تاریخ وفات صف خان ابو احسن طبرانی برادر نور جهان سلیم که در سال یک هزار و  
 ابو احسن صف امیر با وقار  
 افضل عالم است تاریخش  
 تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چار بود و قمر آمد

انو و ۱۱  
 انو و ۱۲  
 انو و ۱۳  
 انو و ۱۴  
 انو و ۱۵  
 انو و ۱۶  
 انو و ۱۷  
 انو و ۱۸  
 انو و ۱۹  
 انو و ۲۰

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر

وزیر امین میر و شهنشیر	بر بار خربت چو شد بار یاب
سخت مکمل وزیر شهنشیر	تبار نیز ترحیل او شد عیان
تاریخ وفات که از سید احمد خان وزیر که در سال که هزار و پنجاه و شش بود قمری آمد	یافت ملک خلده از دربار حق
چونکه بعد از وصل سید احمد خان	رعاشش شمع مروت کون قسیم
تاریخ وفات نواب علی مردان خان در سال که هزار و شصت بود قمری آمد	امیر صاحب شهنشیر صاحب دولت
شاه گوئی علی و مرد حق آگاه مراد خان	سفر چون کرد از دار فنا سوختن
خرد فرسو و تار شیش که عاینج مراد خان	ماینجه وفات سید جاهد الوردی خان که در سال که هزار و شصت و شش بود قمری آمد
رفت از دنیا بخجله جاودان	چون الوردی امیر با صفا
طالب کیدل امیر ترکمان	گشت سال ارتحالش خلوه گر
تاریخ وفات امیر نصرت جنگ در سال که هزار و شصت و هفت بود قمری آمد	امیر خاوری میدان جنگ شهنشیر
که بود دهنه تغش جنگ مثل شنگ	جو خور و مضرب تیغ فزار دست ابل
تاریخ وفات سید اسلام خان وزیر شاه جهان در سال که هزار و شصت و هفت بود قمری آمد	چون حکیم حق ز چشم اهل خلق
شده نمان اسلام فضل ایزدی	رعاشش گو مارن خربت کریم
تاریخ وفات امیر خان سیر سیران که در سال که هزار و شصت و هفت بود قمری آمد	سیر شهنشیران چو از عطای خدا
شده از دنیا بخجله و تبیل	خواجه جلیلی است تار شیش
تاریخ وفات میر خلیل الله خان که سیر سیران است که در سال که هزار و شصت و هفت بود قمری آمد	داخل خربت چو شد با عز و شان
سیر دین و اقیب خلیل الله خان	میر نصرت قبله نغم آمد است
رعاشش عارف خلیل الله خان	تاریخ وفات شایسته خان اوطالب با صفا خان طهرانی که در سال که هزار و شصت و هفت بود قمری آمد
رفت از دنیا بخجله جاودان	سیر شایسته جو آن شایسته کار

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر  
 در روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه  
 در شهر تبریز  
 در کتبه ای که در این شهر

[illegible]

سال تاریخش رضا مولی بگو	زنده دل شایسته یار است ای جوان
تاریخ وفات امیر عالمگیری محرم خان که در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و پنج بود	از جهان یافت در بهشت مکان
چونکه محرم بغض ربابه	کن رقم نیک نام محرم خان
سال تاریخ رحلتش سرور	تاریخ وفات خیر اندیش خان گمنام امیر شاهجهانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود
خیر اهل خیر خیر اندیش خان	یافت از دنیا چو باقی اقبال
ارتحالش طرفه دخل محبت است	خیر دین مرد است هم تاریخ سال
تاریخ وفات و شهید خان مشهور بر ریختن خون	چو بار یک بن نکته دان میر نصرت
ز دنیای دون شد بخلد معال	رقم گشت میر حسان میر نصرت
تاریخ وفات اعتقاد خان وزیر جهاندار شاه که در یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود	شد چو از دنیا بخت رو نهاد
اعتقاد از اعتقاد پاک خویش	سیر والا امیر اعتقاد
سال تاریخش چو ششم شریف	هم سخنی بخت آید یاد
باز تاریخش خلیل محبتی است	تاریخ وفات سید خان وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود
رقبت زین ویرانه فانی بخلد	چونکه آن والا است خان شریل
مقتدا الشرف بگو تاریخ او	بار دیگر شیر زان شیر دل
تاریخ وفات حسین علیخان شهید که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود	رفت از دار فنا بانبک خو
چون حسین آن حسن و در زمان	شیخ اکبر هم شهید جو بود
گشت تاریخ وصال او همان	تاریخ وفات نواب محمد امین خان اعتقادی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود
چون محمد امین امین الله	شد ز دنیای دون بخلد مقیم
سال تاریخ رحلتش سرور	گو محمد امین سخنی که هم
تاریخ وفات عسکرت الله خان بهادر وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج بود	شد بخت چو از جهان جاگیر
میر عالم عسکرت الله خان	

[illegible]











۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰

۱۲۹۱	آس کے بالائی کھیت قتل ہوا	۱۲۹۱	وہ بہادر سوچیت سنگہ افسوس
۱۲۹۲	بے بہادر سوچیت قتل ہوا	۱۲۹۲	بہتر تاریخ بولاسر و رہا
۱۲۹۳	تاریخ قتل سردار جواہر سنگہ کہ در سال کبیرار و دودھ و شصت و دو وقوع	۱۲۹۳	پایا خود ہر جگہ کھونٹو جو اہر سنگہ فی
۱۲۹۴	فرج مین ہو چکا تھے انیکا کسر توڑ کر	۱۲۹۴	ہا جٹ الا گیا آخر تو سرور ہر سال
۱۲۹۵	بولا اہل فرج فی دالاجا اہر توڑ کر	۱۲۹۵	تاریخ وفات میان محمد بخش صحاف لاہوری کہ در سال کبیرار و دودھ
۱۲۹۶	شصت و سہ وقوع آمد	۱۲۹۶	محمد بخش از فضل آسے
۱۲۹۷	جو در زم محمہ یافتہ مار	۱۲۹۷	زول تاریخ سال ارتحالش
۱۲۹۸	تاریخ حاضری شیر سنگہ و شیر سنگہ مفدا ان کہ در سال کبیرار و دودھ و شصت و دو وقوع	۱۲۹۸	جب آکر شیر سنگہ اور شیر سنگہ
۱۲۹۹	وہ و نو گنگار حاضر ہوئی	۱۲۹۹	وہین سوچیت سرور نے تاریخ سال
۱۳۰۰	تاریخ حلا وطنی مہاراجہ ولیپ سنگہ کہ در سال کبیرار و دودھ و شصت و دو وقوع آمد	۱۳۰۰	چون شہ پنجاب از پنجاب رفت
۱۳۰۱	چشمہ سال چشمہ مردم آفت	۱۳۰۱	عالمی در چشمہ مردم شد سیاہ
۱۳۰۲	چون چشمہ آن غیرت مہتابیت	۱۳۰۲	جملہ گل در ہجر او خور و ند گل
۱۳۰۳	بلکہ از رنگس خار خواب رفت	۱۳۰۳	بلبلان در فرقتش نعرہ زدند
۱۳۰۴	چون زبستان صحبت احباب رفت	۱۳۰۴	گفت سرور از سرور و این سخن
۱۳۰۵	نوشہ گل از گلشن پنجاب رفت	۱۳۰۵	قطعہ ناسے
۱۳۰۶	در تاریخ حلا وطنی مہاراجہ ولیپ سنگہ مطبق بق سمت ۱۹	۱۳۰۶	چون لارڈ گورنر دیمت خوش
۱۳۰۷	در ملک ولیپ سنگہ با دان برد	۱۳۰۷	بایف و باہ سرور آمد مہاب
۱۳۰۸	از دست قسیم نا تو ان مان برد	۱۳۰۸	قطعہ ثالث
۱۳۰۹	کر لیا پنجاب میں بے خوف و بیم	۱۳۰۹	جب تصرف اہل انگلش فی تمام
۱۳۱۰	لوٹ گیا ماحق میں ہو جو بے قسیم	۱۳۱۰	سال تاریخ اوسکا بوالا دل کہ ہا

بہتر تاریخ بولاسر و رہا  
 پانچویں قتل ہوا  
 تاریخ قتل سردار جواہر سنگہ کہ در سال کبیرار و دودھ و شصت و دو وقوع  
 فرج مین ہو چکا تھے انیکا کسر توڑ کر  
 بولا اہل فرج فی دالاجا اہر توڑ کر  
 شصت و سہ وقوع آمد  
 محمد بخش از فضل آسے  
 زول تاریخ سال ارتحالش  
 جب آکر شیر سنگہ اور شیر سنگہ  
 وہین سوچیت سرور نے تاریخ سال  
 چون شہ پنجاب از پنجاب رفت  
 عالمی در چشمہ مردم شد سیاہ  
 جملہ گل در ہجر او خور و ند گل  
 بلبلان در فرقتش نعرہ زدند  
 گفت سرور از سرور و این سخن  
 قطعہ ناسے  
 در تاریخ حلا وطنی مہاراجہ ولیپ سنگہ مطبق بق سمت ۱۹  
 چون لارڈ گورنر دیمت خوش  
 بایف و باہ سرور آمد مہاب  
 قطعہ ثالث  
 کر لیا پنجاب میں بے خوف و بیم  
 لوٹ گیا ماحق میں ہو جو بے قسیم



<p>تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یک هزار و دویست و شصت و هفت بود</p> <p>چون غلامی از غلامان رسول</p> <p>مصرع تار نیم سرور ز و رقم</p> <p>گشت در غلہ برین سینه نشین</p> <p>صاحب دین مفتی شرم حسین</p>	<p>تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هفت و یک بود</p> <p>چونکه سپید جهان حید برین</p> <p>و این جهت خود از دست</p> <p>وقت رحلت بیا و خویش آورد</p> <p>نقش بر افراق بر دلها</p> <p>سال تاریخ رحلتش سرور</p>
<p>تیز راند حافظ کلام الله</p> <p>خوش نشاند حافظ کلام الله</p> <p>آنچه خواند حافظ کلام الله</p> <p>نشانده حافظ کلام الله</p> <p>گو نمانده حافظ کلام الله</p>	<p>تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ مہربان سکہ در سہ ہجری ۱۲۹۱</p> <p>چون غلام احمد آن مرد خدا</p> <p>وقت رحلت یافت از فضل</p> <p>عام شد از انعام حق بر ذات او</p> <p>سرور تاریخ سال رحلتش</p>
<p>جان سپرد آخر بنام احمد</p> <p>بادہ الفت ز بنام احمد</p> <p>فضل ز دیوان لطف عالم احمدی</p> <p>گو محب حق غلام احمدی</p>	<p>تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱</p> <p>چون غلام حضرت خیر الرسل</p> <p>ماند جہش ہمہ گنجینہ نجا</p> <p>رفت از دلہا قرار از رفتش</p> <p>کرد آن فیاض رحلت ای درین</p> <p>مصرع تار نیم او سرور نوشت</p>
<p>کرد و در جنت ازین دنیا ز دل</p> <p>روح شد با وصل نیردانی حصول</p> <p>ماند بجا در بدن جان بول</p> <p>آہ رفت آن فیاض اسل قبول</p> <p>نبدہ مطلوب مشتاق رسول</p>	<p>تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱</p> <p>غریب دین ز دنیا رخ پوشید</p> <p>گل از باغ زمانہ روی بہت</p> <p>جوان سختی بعبود جو اسے</p> <p>سکان کرد از مکان در لامکانی</p>
<p>ز چشم اہل دین جان فست فوس</p> <p>ہمی سرور از کستان فست فوس</p> <p>ز دنیا مثل پیران رفت فوس</p> <p>کمین از دایہ امکان فست فوس</p>	<p>تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱</p> <p>غریب دین ز دنیا رخ پوشید</p> <p>گل از باغ زمانہ روی بہت</p> <p>جوان سختی بعبود جو اسے</p> <p>سکان کرد از مکان در لامکانی</p>

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یک هزار و دویست و شصت و هفت بود

چون غلامی از غلامان رسول

مصرع تار نیم سرور ز و رقم

گشت در غلہ برین سینه نشین

صاحب دین مفتی شرم حسین

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هفت و یک بود

چونکه سپید جهان حید برین

و این جهت خود از دست

وقت رحلت بیا و خویش آورد

نقش بر افراق بر دلها

سال تاریخ رحلتش سرور

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ مہربان سکہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

چون غلام احمد آن مرد خدا

وقت رحلت یافت از فضل

عام شد از انعام حق بر ذات او

سرور تاریخ سال رحلتش

تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

غریب دین ز دنیا رخ پوشید

گل از باغ زمانہ روی بہت

جوان سختی بعبود جو اسے

سکان کرد از مکان در لامکانی

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یک هزار و دویست و شصت و هفت بود

چون غلامی از غلامان رسول

مصرع تار نیم سرور ز و رقم

گشت در غلہ برین سینه نشین

صاحب دین مفتی شرم حسین

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هفت و یک بود

چونکه سپید جهان حید برین

و این جهت خود از دست

وقت رحلت بیا و خویش آورد

نقش بر افراق بر دلها

سال تاریخ رحلتش سرور

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ مہربان سکہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

چون غلام احمد آن مرد خدا

وقت رحلت یافت از فضل

عام شد از انعام حق بر ذات او

سرور تاریخ سال رحلتش

تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

غریب دین ز دنیا رخ پوشید

گل از باغ زمانہ روی بہت

جوان سختی بعبود جو اسے

سکان کرد از مکان در لامکانی

تاریخ وفات مفتی غلام رسول لاهوری که در سال یک هزار و دویست و شصت و هفت بود

چون غلامی از غلامان رسول

مصرع تار نیم سرور ز و رقم

گشت در غلہ برین سینه نشین

صاحب دین مفتی شرم حسین

تاریخ وفات مفتی حافظ غلام احمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هفت و یک بود

چونکه سپید جهان حید برین

و این جهت خود از دست

وقت رحلت بیا و خویش آورد

نقش بر افراق بر دلها

سال تاریخ رحلتش سرور

تاریخ وفات مولوی غلام رسول ساکن قلعہ مہربان سکہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

چون غلام احمد آن مرد خدا

وقت رحلت یافت از فضل

عام شد از انعام حق بر ذات او

سرور تاریخ سال رحلتش

تاریخ وفات شیخ غریب الدین جہتم مطمع و گور بار پیر لہور کہ در سہ ہجری ۱۲۹۱

غریب دین ز دنیا رخ پوشید

گل از باغ زمانہ روی بہت

جوان سختی بعبود جو اسے

سکان کرد از مکان در لامکانی





تاریخ آن شاعر بے نظیر	مکوت ه عالی ملک کلام
تاریخ وفات بدرجایی که در سال هفتصد و سیست و پنج بوقوع آمد	شده بر تو آفکن با روح جان
تاریخ وفات عری که در سال هفتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد	چو آن بدر بر نور روشن شمیر وگر صاحب حسن بدین
چو بر سبب رخت قاست بخت	ز ملک فنا حاکم شعری
تاریخ ترجمه اوطاف سر	شده از دل ندا حاکم شعر عری
تاریخ وفات نور الدین ظهوری که در سال یک هزار و دوازده بوقوع آمد	چون ظهوری غرت اسل کلام
تاریخ وفات لالی شاعر که در سال یک هزار و سی و یک بوقوع آمد	ارتمال آن شه ملک سخن شد بیان شیرین مقال قار
چون ز لالی خورده رخت لال	سال ترجمه سخنجان با صید صلاح
اولا عذب اللسان مطلوب گو	بعد از آن عذب اللسان اسل کلام
تاریخ وفات غنی کشمیری که در سال یک هزار و هشتاد و دو بوقوع آمد	غنی آن سیرا قلم طاقت
چو غنی شد از دنیای فانی	شده ملک سخن و اسل فی جود تاریخ سخن قلم گو دم غنی بود
تاریخ وفات صاحب ایرانی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بوقوع آمد	شده روان صاحب انبیا دارفا
سال وفات وصالش طرفه تر	رخت خود بر سبب ازین برار سخن گفت سرور شاه جان با سخن
تاریخ وفات میرا صر علی هندی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بوقوع آمد	تاریخ وفات میر جهان ابل دل
سال وفات وصالش چو بختیم دل	شاعر بی بدین شریف زمین گفت زبانی ناصر ابل سخن
تاریخ وفات سراج الدین علی خان	تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل
تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل	تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل

در سال هفتصد و سیست و پنج بوقوع آمد  
در سال هفتصد و پنجاه و دو بوقوع آمد  
در سال یک هزار و دوازده بوقوع آمد  
در سال یک هزار و سی و یک بوقوع آمد  
در سال یک هزار و هشتاد و دو بوقوع آمد

۳۱۴

تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل  
تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل  
تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل  
تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل  
تاریخ وفات وصالش چو بختیم دل

تاریخ وفات سید غلام علی آذرده که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
غلام علی چون بعد از زود	فد اگر جهان را بنام سید
تاریخ ترحیل آن سیر دین	دلم گفت و اعه غلام
تاریخ وفات میر حسن که به نوی که در سال یک هزار و دویصد و یک قمر آمد	
گشت زوینا چو بقیه روان	میر جهان عاشق نام حسین
سال وصالش چو بخت بدول	گفت بگو بود غلام حسن
تاریخ وفات خواجه میر درد و دیوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
خواجه با در سیر اسهل دین	شد چو از دنیا بخت بے نیاز
گفت تاریخ وصال او خرد	عاشق در و بخت بی نیاز
تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
انکه سودا رفیع نانش بود	مثل او در زمانه نایاب است
رفت چون از جهان تبارش	گفت سر و چرخ اجابت
تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
شاعر غزل نظیر و هر نظیر	بخت چون از جهان بخت راه
و آن بی نظیر کوسالش	هم بخوان بی نظیر و الا جاده
تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
حضرت انشا چو با حکم خدا	یافت از دنیا بخت اتصال
از خرد اند عیان تاریخ او	عزت شعرا میهنی با کمال
تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
چونکه میر تقی بعد اعزاز	کرد رحلت زو در نیم سخن
عقل تاریخ ارتحال او	گفت میر ز رنگ اسل سخن
تاریخ سیر احمدین قنیل که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	
از و اسوی بقا رحلت نمود	چون قنیل آن میر و کتانی من
گشت سال انتقالش جلوه گر	صاحب کل ر و لقی اسل سخن
تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد	

تاریخ وفات سید غلام علی آذرده که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
غلام علی چون بعد از زود  
تاریخ ترحیل آن سیر دین  
فد اگر جهان را بنام سید  
دلم گفت و اعه غلام  
تاریخ وفات میر حسن که به نوی که در سال یک هزار و دویصد و یک قمر آمد  
گشت زوینا چو بقیه روان  
سال وصالش چو بخت بدول  
میر جهان عاشق نام حسین  
گفت بگو بود غلام حسن  
تاریخ وفات خواجه میر درد و دیوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
خواجه با در سیر اسهل دین  
گفت تاریخ وصال او خرد  
شد چو از دنیا بخت بے نیاز  
عاشق در و بخت بی نیاز  
تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
انکه سودا رفیع نانش بود  
رفت چون از جهان تبارش  
مثل او در زمانه نایاب است  
گفت سر و چرخ اجابت  
تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
شاعر غزل نظیر و هر نظیر  
و آن بی نظیر کوسالش  
هم بخوان بی نظیر و الا جاده  
تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
حضرت انشا چو با حکم خدا  
از خرد اند عیان تاریخ او  
یافت از دنیا بخت اتصال  
عزت شعرا میهنی با کمال  
تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
چونکه میر تقی بعد اعزاز  
عقل تاریخ ارتحال او  
کرد رحلت زو در نیم سخن  
گفت میر ز رنگ اسل سخن  
تاریخ سیر احمدین قنیل که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
از و اسوی بقا رحلت نمود  
چون قنیل آن میر و کتانی من  
صاحب کل ر و لقی اسل سخن  
گشت سال انتقالش جلوه گر  
تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد

۵۱

تاریخ وفات سید غلام علی آذرده که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
غلام علی چون بعد از زود  
تاریخ ترحیل آن سیر دین  
فد اگر جهان را بنام سید  
دلم گفت و اعه غلام  
تاریخ وفات میر حسن که به نوی که در سال یک هزار و دویصد و یک قمر آمد  
گشت زوینا چو بقیه روان  
سال وصالش چو بخت بدول  
میر جهان عاشق نام حسین  
گفت بگو بود غلام حسن  
تاریخ وفات خواجه میر درد و دیوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
خواجه با در سیر اسهل دین  
گفت تاریخ وصال او خرد  
شد چو از دنیا بخت بے نیاز  
عاشق در و بخت بی نیاز  
تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
انکه سودا رفیع نانش بود  
رفت چون از جهان تبارش  
مثل او در زمانه نایاب است  
گفت سر و چرخ اجابت  
تاریخ وفات نظیر اکبر آبادی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
شاعر غزل نظیر و هر نظیر  
و آن بی نظیر کوسالش  
هم بخوان بی نظیر و الا جاده  
تاریخ وفات حکیم انشا و الله خان که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
حضرت انشا چو با حکم خدا  
از خرد اند عیان تاریخ او  
یافت از دنیا بخت اتصال  
عزت شعرا میهنی با کمال  
تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
چونکه میر تقی بعد اعزاز  
عقل تاریخ ارتحال او  
کرد رحلت زو در نیم سخن  
گفت میر ز رنگ اسل سخن  
تاریخ سیر احمدین قنیل که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد  
از و اسوی بقا رحلت نمود  
چون قنیل آن میر و کتانی من  
صاحب کل ر و لقی اسل سخن  
گشت سال انتقالش جلوه گر  
تاریخ وفات میر آتش مهنی که در سال یک هزار و دویصد و دو قمر آمد





22/10/20

فرین سحر غم شد خلق چون گشت همه بے سر سران دهر ماندند بجوخ آمد ز داغ غم دل جریخ شد از زخم قسم آن جان عالم دل ببلبل زد داغ بجز گل خورد خان زد کسر و رآخ از سر آه	چنین پاکینده گوهر کشته فوس چو از سر گشت افسر کشته افسوس چو شد آن ماه سیکر کشته افسوس جهان بی تیغ و خنجر کشته فوس ز گلچین شد گل تر کشته افسوس کر شد ناحق گور ز کشته فوس
ناریم وفات مہاراجہ مندر سنگہ جہاد والی پٹیار کہ در سن ۱۲۰۵ھ بموتہ مندر سنگہ کرد از دہریت ببال رحلتش سہر در زندا کرد	دلا در جنگ مرد پیکو آن مرد کہ رستم دل مہاراجہ جو آن مرد
ایضا مطابق شد	
افسوس کہ در موقع ایام جو تاریخ جو آن مرگے آن والی قلیم	از ملک جهان والی پٹیار دوان دل گفت مہاراجہ فیاض جو آن
تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپارام صاحب وزیر سرکار مہاراجہ جموں کشیم زینت دیوان عالم و قزوینان آن امیر این امیر و آن وزیر این وزیر صاحب دولت جوان طالع علو المنزلت ور اطاعت خاکبوس سروران زمین و فقیہ پوشید از عالم رخ بر نور خورشید مثل دریا دل جوش تانش آمد جوش چار سہرنگامہ خود گرم و رنجاب کرد سینہ پاک انداز پریشانی چو زلف تابا سہر و شکیں بعد جہریت پی تاریخ سال	یعنی کرپارام دیوان صاحب نام و نشان صاحب تدبیر عالم گیر و عالی خاندان اہل علم و اہل فضل و افسر دانشوران خیم پیش آستانش گرون گردن کشان آچو مردم شد نہان اینچہ مردم ناگہان دیدہ باچون ابر گوہر بار شد گوہر فشان نامہ وزاری و آہ و شعور و فریاد و فغان وز زمانہ نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان گفت کرپارام دیوان و فغانیت از دوان
تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاہور	
آمد افسوس کان سلطان از انہر گشت	رفت از ملک جهان آخر با قلیم جهان

چهار فیض از زمین مسدود شد و احسنا گشت چنان صورت بخینه شمش در زمین و غمش پیر و جوان یک شمش بر پا شدند بست باقی تو گزینش در گروه اهل خبر پهر سال حاکم سرور زکاک است که بار	آه شنبه آب از پنجاب بریای رویان جان پاکش کوپرو از اسکان بر لاسکان نوحه لا کردند اندر شمش خرد و کلان ماند نام پیش نه کو در نام آوران شاه عیان پیش محمد رقت سلطان جهان
--	--

و فیض

چو سلطان اقلیم و لشوری رقم کرد سرور تبار یخ سال	پیش کو خضالی بفرودس رقت که سلطان غالی بفرودس رقت
--	---

تاریخ تشریف در می شهرزاده ولیعهد برش آف و نیز بهادر در اقلیم شهبان  
که در سال یکبار و ششصد و شش بود تو آمد

چو در زندان و لی عهد کشور گشت چنان برانج نیکو اختر شمش افی چنان بران زلندن بادش بدو عجب از خطه انگلستان شد سر حاکم امیری تاجدار می شهسوار می تخت بدار شاه عالم بنیامی که کلاست عرش کاک زفت از فیض آن سرشته جو و کر مرخا بگوش بر که رفت از مقدم ارشاه آما نار و در جهان این گم بخش فیض بزوا گذر اندر مکان خویش کرد و این جهان پس اهل غم سر تا باشد مقدمش در نذا اندر مالت بجز سال مقدمش در	بگوش مردم از هر سو صدای مرجا بروانی مطلع غر و شرف بدو که در یک کشت دم بر باد بادی باد ما عجب از سرزمین زندان این برجا جوانی سلطانی مهر بانی مه لقا آمد بجه الله که در لاهور از فضل خدا آمد که در دبار دربارش که ای شواله ز سر پا کرد و در خدمت بصدق صفای که اگر گنجینه اش صد گنج گوهر رفت یا آمد کیدن از اقبال در دولت سرا آمد ز دیدار شفا بخشین رفت شفا آمد زلندن تاجدار دولت و کشور یا آمد
--	---

تاریخ اخذ خطاست بهمنشاهی هندستان یافت تاج اقداد افکار اقلیمند از دل سروری تاریخی سال این	چون شد انگلستان شاهی عایجاد شدند او کشور به دور هند شاهنشاه
--	--

شاهزاده عالم در سالان بر نفس آن دین  
بهادر دی عهد شمس افغان است

۳۱۹

تاریخ سال با سکه سیر و سیر و سیر و سیر

تاریخ سکه سیر و سیر و سیر و سیر  
و سیر و سیر و سیر و سیر و سیر و سیر  
و سیر و سیر و سیر و سیر و سیر و سیر

از منشی غلام احمد صاحب طبع و ذوق  
 در شهر لاهور  
 در روز دوشنبه ۱۲۰۰  
 در ماه رجب ۱۲۰۰  
 در سال ۱۲۰۰  
 در شهر لاهور  
 در روز دوشنبه ۱۲۰۰  
 در ماه رجب ۱۲۰۰  
 در سال ۱۲۰۰

**خاتمه اطبع**

حاجت باب کردگار خالق الهی الهی که درین چین فرخ امین کتاب لاجواب  
 کتبیه سروری معروف به گنج تاریخ مصنفه عالی که سخروز نامور منشی غلام سرور  
 لاهوری متضمن قطعات تاریخ ولادت و وفات حضرت سرور کائنات علیه الصلو  
 و السلام و اصحاب کرام و ائمه عالی مقام و مشایخ عظام و سلاسل عالیله قادریه و چشتیه  
 و نقشبندیه و سهروردیه و بزرگان خاندانهای مشرق و نسای عارفات و  
 مجانبین و مجازیب و خلفای بنی امیه و عباسیه و سلاطین غزنویه و غوریه و خلجیه و تغلقیه  
 و خاندانیه و لودیه و چغتاییه و بهمنیه و عادلشاهییه و نظام شاهییه و قطب شاهییه و بکرانی  
 و مالویه و برهان پوریه و خاندانیه پوریه و شرقیه چون پوریه و شامان سنده و  
 شمشه و کشمیه و سلاطین عثمانیه و روسیه و افغانان سوریه و وراشیه و بلارک زریه  
 کالیله و تذکره امرای نامدار و شعرا و ذوی الاقدار و در مطبع نامی و گرامی خدایه  
 مطبوعات ششی نو لکشر صاحب نام اقباله واقع که شش ماه تاریخ شش ماه مطبوع  
 ماه جعفر شش ماهی الاقیسس نایب الطبایع پوشید و اید الموفق و امین و مستعین  
 قلمه تاریخ اختتام طبع از تاریخ طبع منشی غلام احمد سرور منشی غلام احمد سرور

دوسری با رجب هجری  
 گنج تاریخ منشی غلام احمد سرور  
 بیست و سه سال از تاریخ  
 ایسی که کوئی نه تنی تاریخ  
 کیمین مذکور است منشی غلام احمد سرور  
 کیمین شایان کی کوئی تاریخ  
 کیسی نامور منشی غلام احمد سرور  
 کیا عجاوب منشی غلام احمد سرور

۲۲۰

گنج تاریخ است یکنسخه و ناو کتاب  
 بوالعجب تاریخ تاریخ ششان باوقا  
 گنج صورت گنج منشی غلام احمد سرور  
 وقت تحریرش به تحریر منشی غلام احمد سرور  
 نامه نامی است بهر انکشاف جمله حال  
 در بهار این چین و خطی بنیدار و فزون  
 سرور لاهور این گنج لطافت جمع کرد  
 مثل حمایت رسد کتاب دار و این تاریخ  
 سال طبعش خشت فوقانی جو از سرور

کتابی که در شهر لاهور  
 در روز دوشنبه ۱۲۰۰  
 در ماه رجب ۱۲۰۰  
 در سال ۱۲۰۰  
 در شهر لاهور  
 در روز دوشنبه ۱۲۰۰  
 در ماه رجب ۱۲۰۰  
 در سال ۱۲۰۰

از منشی غلام احمد صاحب طبع و ذوق  
 در شهر لاهور  
 در روز دوشنبه ۱۲۰۰  
 در ماه رجب ۱۲۰۰  
 در سال ۱۲۰۰

چون مطبوع طبع اهل اکرام  
 دو باره گنج دولت گنج تاریخ  
 تمام



[illegible]

افلاک مجری - معتقد محمد علی از افلاک این  
 در صلیح الهیات - توحید و ولایت شهباز کتبیه بر -  
 ال بدایت الموعودین - در عیال این -  
 سرور انصار - شرح قصیده و امانت اسرار -  
 سیر الیقین - انصاف و تصدیق و سیر الیقین  
 شهباز و سیر الیقین - در نظر و نظر و نظر  
 بند است معتقد حضرت امیر الدین عطاء تصوف این  
 خاص است انصاف و تصدیق و عبادت -  
 در است انجاس - بحجاب کتب است سیدی -  
 سیر الیقین - در است فارسی - در است محمد علی  
 در است انصاف - معتقد ملاشی و در است عشق -  
 افلاک مجری - بحشی از باطل الدین و عشق و اولی - علم  
 این شهادت محمد علی -  
 سیر الیقین - در است حضرت امیر الدین عطاء تصوف این  
 در است الیقین - شرح قصیده و امانت اسرار -  
 عشق و سیر الیقین - سیر الیقین - علم  
 شادی و سیر الیقین - در است این معتقد شاعران زبان  
 سیر الیقین - از مولوی محمد علی نصاب افلاک این

اخلاق و معظمت و نصیب و کشتاین اردو

صاحب الاخلاق - تہجد اور دو اخلاق جلالی اور مولوی صاحب الاخلاق  
کلمات احسان - از مولوی حکیم محمد رضا نقوی برعوم وکیل کور  
مجموعہ صفات انسانی - مصنفہ لالہ لالہ صاحب سہریہ  
دیاس ہی کبیر انور جوانان کی صفات ہیں -  
انور کی سادات - علی اخلاق ہیں نصیفہ لالہ لالہ صاحب  
عباسی عباس پشگل کی دو فصل اول و آخر کا ترجمہ ہے  
غالب القلوب - نصیفہ لالہ لالہ صاحب سہریہ  
انور ہیں - اخلاق و صفات ہیں ترجمہ کیا ہوا شی کوئل  
صاحب -

وہودہ الداعی سلسلہ زلیخا میں اس کا عروج بیان ہے۔  
 جو عقل سے پیدا ہو گیا۔  
 دائرہ مسلم۔  
 مفسر العربیہ ان تعبد المقلال کہ لئے عمدہ کتاب جو محمد  
 کاشف غریب حکایات نادرہ کو تصنیف ہے یہ کتاب جدید طالبان  
 کیا ہو سکتی۔ مفسر قواعد علیہ تصنیف سوانح کا وادی  
 صاحب۔  
 بحر الحقیقت علم لغت میں عمدہ حکایات تشریحیہ۔  
 فیض فیض نوری نذر عطار۔

کتاب دوا امین اردو و فارسی

بهادرستان سخن - اردو ناسخ و آتش و آبادی کے ہر طرح  
 کی کتب - مصرعہ -  
 دیوان سخن فصاحت - تصنیف ہنسی و ہازل و شوخی  
 و دیوان گریبا - تصنیف فقر و محرومان کی بات اگر خواہد رہے -  
 دیوان رزمی - تصنیف نواب سید محمد خان بہادر لکھنوی  
 شاگرد الشیخ -  
 کلیات ناسخ - کلیات شیخ امام بخش ناسخ دیوان عوض  
 دلاشیرین -  
 کلیات آتش - تصنیف خواجہ عبد علی آتش لکھنوی -  
 کلیات نظام اردو کلیات بلاغت کلیات از کلام و نظام  
 و کتاب نظام الدین نواب محمد درانیلی خان بہادر نظام -  
 کلیات نظیر اکبر آبادی - (سہین بخش دکن و دیگر نظمیں) -  
 دیوان قنادیہ کلیات محمد قناد تصنیف مراد علی دلاشیرین

کلیات و انبیا - نجات از استعاره کهنه بی شکست  
ویران اسیر - نفسی نظیر علی صاحب اسیر شکر از سر  
کلیات و کی ملک الشکر - سید بلبلان و روح کی کیفیت  
ویران قائل - تعریف جباب بنور خالص صاحب عالم بیایه  
انسان و استغ  
کلیات و انبیا - تسلیم تمام از شی نظر از زمین تعریف نفسی  
ویران صاحب تسلیم شکر از سر - تسلیم از سر  
ویران آفاق - کلیات سید بلبلان و روح کی کیفیت  
شعبات میر و دوسو - استغ و اسیر از سر و کی کیفیت  
کلیات و سیر - تسلیم از سر و اسیر از سر و کی کیفیت  
ویران صادق - تعریف قاضی عبداللہ صاحب  
کلیات و طفر - سید بلبلان و روح کی کیفیت  
کلیات و انبیا - از محمد از علیان و اسیر از سر و کی کیفیت







CALL No. { ۱۹۱۵۵۱.۸ } ۲۰۱۳۸  
 AUTHOR { }  
 TITLE { کتبہ عربیہ اسلامیہ کراچی }  
 { ۱۹۱۵۵۱.۸ }  
 { ۲۰۱۳۸ }

۱۹۱۵۵۱.۸  
۲۰۱۳۸

Date	No.	Date	No.



# MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

## RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

